کیهان فرهنگی

شاهکار با عظمت
مطبوعات ایران

فرهنگ امیرکبیر

کتابی که حاصل سالها رنج و دقت گروهی از مشاهیر هنرمندان ایرانی و صرف مبالغی کثیر و بیدریغ سرمایه مادی است

سه شنبه پانزدهم اسفند | شماره دوم | قیمت چهار ریال

فرهنگ برای همه

فقط وقتی یك ملت میتواند باوج ترقی وسعادت برسد که دارای نوابغ بیشماری در فنون مختلف باشد واین هم میسر نمیشود جز درسایه تعلیم عمومی و اجباری وبا سواد کردن همه افراد ملت این عقیده جامعه شناسان است و میگویند : تا سطح فکری محیط بالا نیاید محال است که نوابغی در کشور پدیدار شوند وسطح فکری جامعه هم موقعی بالا میآید که سواد در میان افراد آن عمومیت داشته باشد و الا اگر دانش و فرهنگ منحصر بافراد معدودی باشد محال است که سطح فکری یك جامعه بالا آید همانطور که ممکن نیست دریك خارستان یادر میان چند گل معدود گلهای ممتاز وزیبا بوجود آیند

اگر هر سال چند نفری از قبایل وحشی افریقا یا از سرخ پوستان امریکای جنوبی در بهترین دانشگاههای جهان تحصیل نمایند و جامعه آنها بیسواد بماند محال است که ازمیان آنها ادیسون وایشتین و پاستور برخیزند بلکه باید محیط برای ظهور چنین دانشمندان مساعد باشد .

درصد سال اخیر که ممالك شرقی بفکر پیشرفت فرهنك خود افتادند از دوراه رفتند . ایران ومصر و ترکیه محصلینی باروپا فرستادند و از این میان دانشمندان بزرگی هم تربیت شدند ولی یك مخترع نامی هم ازمیان این ملتها برنخاست .

برعکس ژاپن راه راست درپیش گرفت واز نخستین روز متوجه راز پیشرفت اروپا گردید واز الفباء آغاز نموده واز این رو مخترعانی درمیان آن ملت بوجود آمد که اخبار فعالیتهای آنها را در جراید ومجلات میخوانیم نتیجه اینبود که باوجود شکست هولناك در جنك دوم باز هم قد علم کرده و امروز با نیرومندترین ملل فاتح رقابت می کند

طبق آخرین آمار ، ازمیان هر صد کودك ژاپونی که بسن تحصیل رسیده اند ۹۹ ونیم درصد بدبستان میروند و با هوش ترین آنها بمدارج عالی میرسند .

دولت آلمان قبل از جنك دوم طرح شگفت انگیز دامنه داری ریخته بود و بهمه دبستانها دستور داده بود که اطفال خیلی باهوش را بدولت معرفی نمایند تا با خرج دولت برای اداره فردای آلمان تربیت شوند

در انگلستان هم کودکان باهوش انتخاب میکنند و بخرج دولت برای کارهائی که هوش زیاد لازم دارد بار میآورند ومنطق شان این است که اشخاص متوسط قادر نیستند که مملکتی را تکان دهند ودرروزهای سخت وطن خودرا ازگرداب هلاکت برهانند.

درهرصورت نظرما این است که وسائل آموزش وپرورش برای کلیه فرزندان کشور آماده گردد تا همه اطفال دوره ابتدائی را بخوانند و هوش واستعداد آنها بروز نماید و باهوش ترین آنها برای انجام مسئولیت های بزرك تربیت شوند.

ملت ما با داشتن سه هزار سال سابقه درخشان فرهنگی نبوغ واستعداد خودرا ثابت کرده است حالا اگروسائل تربیت اطفال معصوم دهات آذربایجان کردستان ، لرستان ، سیستان وکرمان را فراهم آوریم فکر کنید چه نوابغی ازمیان آنان بر خیزد وچه تحولی در تمام شئون حیاتی این کشور بوقوع می پیوندد .

بازهم تکرار میکنیم مقدم برهر اصلاح دیگر و با تحمل هر مخارجی باشد باید تعلیمات اجباری را اجرا کرد وزمینه را برای تحولات اساسی آماده ساخت .



شرح در صفحه ۱۰

شش دبیر باخوانندگان کیهان فرهنگی سخن میگویند | ماجرای امتحانات | دانش آموز واکسی و سلمانی

بیاد دهخدا | نرگس ایرانی در امریکا | ۸۰ سال خاطرات یك معلم | درست نویسی را بیاموزیم

از بدرالملوك بامداد



کودکان پیش از سواد به تربیت صحیح احتیاج دارند ایجاد حس همکاری اجتماعی داشتن لیاقت کار برانگیختن قدرت تفکر و حس قضاوت در آنها هدف ما باید باشد.

***

در تعلیم وتربیت امروزما بچه‌هارا بامید یادگرفتن خواندن و نوشتن وحساب کردن» بمدارسی فرستاده‌ایم که درآنجا :

۱– تحت فشار انتظامات استبدادی وکارهای اجباری زبون و بنده و بی‌اراده میشود . یابسرپیچی وتمرد ازقانون عادت میکند .

۲– در میان کودکان یاجوانانیکه هیچگونه رهبری برای تمیزنیك و بدندارند هزارها تعلیمات ناشایسته‌میگیرد .

۳– چون شیوهٔ آموزش سوادهم غلط است ذوق تحقیق و تجسس طبیعی بشریهم از او سلب می گردد و فاقد هرگونه فعالیت سودمند ذهنی می‌شود .

٤–همین ایام کودك درخانه‌خود بازدوخوردهای خانوادگی و گفتگوهای زبان بخشیکه بازارش نزدما رواج دارد در تماس است . پدر و مادرهم بمضار محیطیکه برای طفل خود ساخته‌اند توجه ندارند و کوششی برای دور داشتن بچه ازآن نمیکنند .

٥– پس‌از چندی این فرآورده‌کارخانه فاسد سازی‌را حتی بدون‌اینکه هنر درآوردن روزی خودرا از طریق شرافتمند داشته باشند، و غرائز طبیعی‌را بتوانند تامین کنند حیران وبی تکلیف تسلیم اجتماع میکنیم .

عجبتر از همه اینکه وقتی میوه این نهال که خودکاشته‌ایم بار آورد

بقیه درصفحه ۱۳

ازابراهیم بنی احمد



ما «کارمند اداره» تربیت می کنیم ولی باید جوانانی تندرست و آشنا بمسئولیت اجتماعی بارآوریم و « راز پول درآوردن »را بآنها یادبدهیم

هدف فرهنگ در سابق منحصرا بارآوردن کارمند اداره بوده‌است تعجب دراینجاست که ازدانشکدهٔ طب وفنی وداروسازی نیز کارمندان دولتی بیرون می‌آیند . واستثنائاً ، بعضی ازفارغ‌التحصیلان متوسطه یا دانشکده ها بکارهای آزادی دست برده اند وچنانچه ازطرف فرهنگ گروهی برای ادامه تحصیلات عالیه بخارجه رفته بودند آنهـا هم بکارهـای دولتی رو کردنـد . (این بود هدف‌گذشته)

اما هدف فرهنك ما درآینده

الف ـ حفظ سلامت روح وبدن ـ برای این منظور یك برنامه مجهز بوسائل کامل ضرورت حتمی دارد . فارغ التحصیل مدرسه نباید به بیماری‌بدنی و روحی مبتلی شده باشد (ضعف مزاج وضعف نفس ازامراض عادی فارغ– التحصیلان است)

ب – افزایش لیاقت اجتماعی — این جمله قابـل تفسیر است بشر طبیعةً همه چیز را برای وجود خود میخواهدآیا این خودخواهی تاچه اندازه لازم است ؟ وتاچه اندازه باید تعدیل بشود یك مطلب عملی و خارج از این موضوع است . اما بنظر می‌آید تعلیمات اجتماعی ودروس علمی اجتماعی در مدارس ما اساساً برنامه وتدریس ومعلمی ندارد . فـارغ التحصیلان بامـوال عمومی و بنظم عمومی وبترقی جامعهٔ خود کوچکترین توجهی ندارند . همه چیز را فدای ارتقاء خود میکنند و همه چیز را برای وصول بمقاصد خـود از بین میبرند

بقیه‌درصفحه۱۳

از ابراهیم برهان آزاد



هدف فرهنگ ایران بالابردن سطح فرهنگ عمومی و ایجاد توانائی برای زندگی شرافتمندانه وخدمت بتمدن عمومی جهان باشد

هدف فرهنگ را باید دربرنامه‌جستجو کرد. و تهیه و تدوین‌برنامـه بخصوص فرهنگ، کاریست بس دقیق و مشکل و برای تهیهٔ آن نه تنهالازم است که بروحیهٔ ملت و سوابق‌تاریخی آن‌بویژه سوابق فرهنگی‌و اموراخلاقی وامیال و احتیاجات‌مادی‌ومعنوی‌افرادنظر داشت بلکه‌خودآنراهم‌بایدباتمدن‌عمومی دنیا وملل راقیه‌هم‌آهنگ ساخت.

ازاینها گذشته بمقدمات‌کار وامکانات نیز باید دقت کرد.تامنظوراصلی را تأمین کنندو گرنه نقض‌غرض خواهد بودونتیجه‌ای جز اتلاف‌وقت‌وسر گردانی نخواهد داشت .

اما در باره اینکه « هدف‌فعلی فرهنگ‌ایران چیست؟»

چون برنامه کنونی با دقتی که درآن شده بازدر دست آزمایش‌است و ازطرفی هم عده‌هائی‌مأمور و مشغول اصلاح و تجدیدنظردر آن می‌باشنـد لذا نمی توان راجع بآن نظر قطعی‌داد و آنچه هست چون تا حدی باعجله و بدون توجه لازم وکافی‌بتناسب ولوازم ومقدمات‌کارو سوابق وامکانات‌اخذوتدوین شده بنظر این جانب‌چنانکه‌بایدوشاید نتیجهٔ‌مطلوب‌راتأمین‌نمیکندو گویابهمین لحاظ هم درصدد اصلاح وترمیم‌آن برآمده‌اند.

اما پاسخ اینکه‌هدف فرهنگ‌ایران «چه بایدباشد ؟»:

بایدبا مراعات روحیهٔ فردی‌و اجتماعی وسوابق‌و احتیاجات‌و امکانات مادی و معنوی کنونی و آتی کشور وهم آهنگی با دنیای متمدن‌و توجه

بقیه درصفحه ۱۳



در شماره‌گذشته عقیده ٦ نفر ازوزیران‌فرهنك را در باره‌هدفهای‌فرهنك ایران خواندید.

در این‌هفته ازشش نفر معلمین محبوب تهـران خواستیم که نظرخودرا[در]این باره باخوانندگان کیهان فرهنگی درمیان بگذارند .

امیدواریم بانشر این عقاید قدم«مهمی»درایجاد تحول در فرهنك برداریم .

از احمد رضاقلی‌زاده



مدارس ما «کارمندپرور» نیست بلکه فقط «دهلیز ورود» به دانشگاه است اکنون باید متخصص تربیت کنیم وبیش ازهمه کشاورزو صنعتگر کشوررا زنده نگاه داریم

بعداز شهریور ۲۰ درنتیجه تحولات سیاسی و پیدایش شیوع افکـار گوناگون ازهر طرف برنامه مورد ایراد وتخطئه دوست ودشمن‌قرار گرفت و همه بدبختیها را نتیجه غلط‌بودن برنامه دانستند که بعقیده دوستان‌فقط کارمند دولت وپشت میزنشین تربیت میکند وبعقیده دیگران برنامه‌استعماری‌است.

اما آنچه محقق بود دراین برنامه علوم اداری و حقوق اداری قوانین مالیه وقوانین شرکت‌ها ودفتر داری وحسابداری یاآمار تدریس نمی شد کـه بگوئیم کارمند اداری تربیت می کند در باره استعماری بودنش هم من شخصا عقیده واطلاعی ندارم .

حقیقت امرآن است که این برنامه فقط دانش آموزان را برای ادامه تحصیلات عالیه وورود بدانشکده‌ها حاضر می کرد والبته‌بکار اشخاصی که‌پس‌از اتمام‌دوره متوسطه‌بدنبال کاروکسب میرفتند نمیخوردوناچار بادارات‌دولتی روی می‌آوردند وآنچه میدانستند مورد استفاده‌آنهانبود.

اکنون هم برنامه جدید اگرچه بیشتر جنبه عملی دارد بازهمان راه‌را تعقیب میکند درصورتیکه ما باید احتیاجات کشور را در نظربگیریم وهمانطور که یك‌نفر مهندس ساختمان عده نفرات کارآمدخودرا از بنا وسفیدکاروآهنگر ونقاش ونجار فقط بقدرلزوم‌استخدام‌میکند ماجوانان‌آینده‌را بقدراحتیاج کشور برای کارهای مختلف تربیت کنیم .

مثلا ببینیم چقدر مهندس کشاورزی وچقد مهندس برق و ماشین تا چه

بقیه درصفحه ۱۳

ازحسین کریمیان



هدف فعلی «تعمیم خواندن‌و نوشتن است‌کافی نیست .مافقط کارمنداداره‌تربیت میکنیم‌گنجانیدن هنروحرفه‌در برنامه‌هاارزش این اموررادر نظردانش‌آموزان زیادمیکند

هدف فرهنك ایران اینست که خواندن و نوشتن را درهمهٔ کشورتعمیم دهد وبرای جوانانیکه بادامهٔ تحصیل‌وکسب معلومات عالیه علاقه دارندوسائل کاررا فراهم سازد تاهم افراد کشور باسواد گردندوهم آنهاکه استعداد کافی دارند در رشته‌های مختلف علوم متخصص شوند.

این هدف اگر برای دنیای گذشته کافی‌بودبرای‌آینده کافی‌نیست.

هدف فرهنك ایران باید این باشد که فرزندان کشور را مردزندگی بار آوردیعنی آموزشگاههای مختلف علمی وهنری وحرفه‌ای بوجودآورد که دانش آموزان هریك برحسب استعداد خداداد خود پس از یك دوره‌تعلیمات عمومی ضروری صورت علمی امور و شؤنی راکه برای یك‌جامعهٔ زندهٔ مترقی نیرومند لازم است .با تمرینهای عملی آن تعلیم یابند و این آموزشگاهها باید نمونهٔ زندگی اجتماعی‌باشد .

باوضع فعلی محصلین‌پس از پایان تحصیل جز اشغال میزی در اداره‌ای هدفی ندارد و حقاً بدردکار دیگری هم نمیخورند بابن جهت ارزش کسب و شغل آزاد را نمیدانند و عاردارند از اینکه بسراغ کارهای پدران‌خود بروند

توجه فرهنك و تعلیم هنرو حرفه‌و گنجانیدن آنهادربرنامه‌های‌تحصیلی ارزش این امور را درنظر محصلین زیاد میکند و چون‌دانش‌آموز برحسب ذوق و استعداد فطری خود یکی از رشته‌های‌هنری یا حرفه‌ای‌را آموخت‌بدون‌شك در خاتمه تحصیل‌از همان‌راه وارد زندگی‌خواهد شد و مانند فارغ‌التحصیلان امروز دچار سرگردانی و بلاتکلیفی نخواهد گردید

ازافتخارالملوك همایون



زنان ایران تجدد و آزادی را درلباس‌و آرایش دانسته‌اند ما باید دختران را طوری‌تربیت کنیم که خود رامسئول‌خانواده وهمسر وفرزند بدانند و از خارجیان تقلید نکنند

هدف تربیت دختران درایران آماده ساختن آنهابرای‌زندگی سهل و ساده ودنیا پسند امروز میباشد . بدون توجه دادن‌بلزوم تقلیدازمغرب‌زمینیها وبا معطوف داشتن خاطرآنها بوجوب احترام بآداب ورسوم ملی باستانی وسنن مذهبی . بطوریکه این بی‌اعتنائی و لاقیـدی که بعضی ازبانوان جوان آنرا جزو افتخارات خود میشمارند ازمملکت مارخت بندد . ودختران امروز کـه خواه وناخواه مادرمی‌شوند دیگر در عالم ایده‌آل سیر نکنند. ووظایف خود را آن‌طورکه باید وشاید بدانند و باحتیاجات خانواده وهمسر وفـرزند خود متوجه باشند وخودرا مسئول رفع نیازمندیهای خانواده‌بدانند وطوری‌فراگرفته باشند که بتوانند عمل کنند .

(وطوری مطالب رافرا گرفته‌باشند که بتوانند عمل کنند)وفرزندان خودرا نیز برای زندگی مترقی‌تری باکار وعمل آشناسازند تاکانون خانواده ها که بانوان درحقیقت بمنزله شمع فروزان‌آن هستند ازهم نپاشد و روز بروز کم و کمتر نشود.

هدف تربیت بانوان ایرانی درعین حال که یك نکته واحد وبسیارجالب توجهی است ، دوجزء مختلف دارد وبرای رسیدن بابن‌هدف ازدوراه موازی بهم باید پیش‌رفت که آن‌دوراه بالاخره بمیدان‌مرکزی وسیعی‌منتهی‌میشود که منشاءتمام خوشبختیها ورفاه وآسایش ملت‌ماست.

جزء اول تربیت‌دختراست که مربیان فرهنگی ومدارس مسئول‌مستقیم

بقیه درصفحه ۱۳

ماجرای امتحانات



هم دبیران و هم دانش آموزان معتقدند که امتحانات باید نهائی باشد

دانشگاههای خارجی از قبول دیپلمه های دبیرستانهای ایران خودداری کرده‌اند - طبق موافقت نامه های قبلی فقط

گواهی نامه‌های بامضای وزیرفرهنگ اعتبار دارد

تا سال ۱۳۳۲ امتحانات سالهای پنجم وششم دبیرستانها برطبق تصویب نامه شورایعالی فرهنگ بطور نهائی بعمل میامد بدین ترتیب که از آغاز فروردین ماه دبیرستانها دانش‌آموزان خود رابا درنظر گرفتن استعداد ونمراتشان در امتحانات دوثلث دبیرستانی بوزارتفرهنگ معرفی میکردند ووزارت فرهنگ کلیه دانش‌آموزان واجد شرائط ومعرفی‌شده از طرف دبیرستانهارا حوزه‌بندی‌میکرد وامتحانات را تحت‌نظر شورای‌ممتحنین که ازطرف وزارت فرهنگ انتخاب میگردید انجام‌میداد وسئوالات امتحانی را وزارت‌فرهنگ تهیه ودرسراسر کشور بطور یکنواخت در یکروز معین پخش مینمود .

در اواخر سال ۱۳۳۲ شورایعالی فرهنگ تصویب نمود که امتحانات سالهای‌پنجم وششم درخود دبیرستانها بطور داخلی بعمل‌آید ولی درسال۳۳-۳۲ وزارت فرهنگ موفق بانجام این عمل‌نگردید وناچار امتحانات نهائی‌شد بااین‌تفاوت که‌دانش‌آموزان دردبیرستان های خود امتحان دادند ولی سئوال را وزارت فرهنگ طرح نمودوبدبیرستانها ارسال داشت

سال گذشته درزمان تصدی آقای رضا جعفری دروزارت فرهنگ ، تصمیم گرفته شد که امتحانات سالهای پنجم وششم که بطور نهائی ودرسراسر کشور یکنواخت بعمل‌آمده بود برطبق آئین نامه امتحانات داخلی مصوب شورایعالی فرهنگ انجام گردد و گواهی‌نامه‌ای که بقبول شدگان کلاسهای مذکور داده می‌شود فقط‌ازلحاظ نظام‌وظیفه‌وشرکت درمسابقات ورودی دانشکده ها معتبر باشد .

طرفداران «داخلی‌بودن‌امتحانات» استدلال میکردند که باید امتحانات ازجنبه‌رسمی واز حیطه نظارت وزارت فرهنگ‌وفرهنگ استان‌ها وشهرستانها خارج شود وهمانگونه که درعرض‌سال دانش‌آموزان با دبیرمربوطه سئوالات‌را طرح کرده ومستقیما با نظر خود از دانش‌آموزان امتحان بعمل آورند و گواهینامه های مربوطه فقط بامضای دبیران‌هر دروس ورئیس‌دبیرستان برسد

دراسفند ماه سال گذشته پس‌از انتصاب آقای‌دکترمهران‌بوزارت‌فرهنگ شایعه لغو تصمیمات شورایعالی فرهنگ در مورد امتحانات داخلی قوت گرفت ولی بعلت مهیانبودن کارها و مقدمات امتحانات دبیرستانها تحت نظر روسای ودبیران‌دبیرستانها بعمل‌آمد وسئوالات نیز ازطرف شورای‌دبیران هردبیرستان مطرح گردیدووزارت فرهنگ فقط‌بهر دبیرستان‌یك بازرس‌وناظر اعزام‌می‌داشت وبرطبق‌اظهاریکی‌ازاعضای‌شورایعالی‌فرهنگ شاخص قبولی که‌در سالهای قبل صدی ۳۰ الی ۵۰ بود بصدی‌۹۵ رسید وبر آمار قبول شدگان امتحانات بتعداد زیادی افزوده‌شد.

درسال‌جاری‌وزارت فرهنگ این مشکل‌را بافرهنگیان باسابقه و اعضاء شورای‌عالی در میان گذاشت و تصمیم گرفته‌شد که پس از مطالعات کافی در باره امتحانات آئین‌نامه جدیدی‌تنظیم و تصویب گردد تا وزارت فرهنگ در امتحانات نظارت دقیق داشته و بتواند کنترل بیشتری‌نماید.

ازطرف دیگر سئوالات ونامه‌های پی‌درپی که از سفارت خانه‌های ایران در کشورهای اروپائی وامریکائی‌بوزارت فرهنگ واصل‌میشد مشکل جدیدی‌را ایجاد نمود زیرا دانشگاههای اروپا و امریکا ازدانشجویان ایرانی که دارای گواهینامه های سال گذشته بودند خودداری می کردندوورود بدانشکده‌ها رامنوط بانجام امتحان‌ورودی و کنکور میدانستند ،

(باید دانست که درسال ۱۹۲۵ توسط وزارت فرهنگ و وزارت امور خارجه بسفارتخانه‌ها ومقامات فرهنگی خارجی اعلام گردید که‌فقط دیپلم‌هائی که دارای مهر رسمی وزارت فرهنگ وامضاء وزیر فرهنگ وقت باشد برای قبول بدانشکده های خارجه معتبر خواهد بود)

علاوه براین‌مشکل ازطرف‌ادارات کارگزینی وبازنشستگی نیزاعلام گردید که دیپلم‌های سال ۳٤ - ۳۳ دارای ارزش‌قانونی برای استخدام نمی‌باشد ،

باملاحظه نکات‌ذکرشده کمسیون تدوین‌آئین‌نامه امتحانات ازاوایل سال جاری در وزارت فرهنگ شروع بکار نمودوازطرف اداره امتحانات وبرنامه‌ها بکلیه دبیرستانهای کشور ابلاغ گردید تادبیران مربوطه‌نظریات خودرا درباره نقائص‌موجود درروش ومقررات مربوط به امتحانات و اینکه بچه وسیله میسر است از اشتباهات دانش‌آموزان در انتخاب رشته‌های تحصیلی‌واز بی‌عدالتی که بعلت وجود شانس‌وتصادف درامتحانات پیش‌آمد می کندجلوگیری نمودوبالاخره اینکه آیا امتحانات‌پنجم وششم دبیرستانها نهائی بعمل آیدبهتر است‌یاداخلی‌مشروحابیان‌نمایند

کمسیون‌تدوین وتنظیم آئین‌نامه امتحانات پس ازمطالعه نظریات‌دبیران ومشورت وشور وتبادل نظر کافی‌تصویب کرد که امتحانات‌سالهای‌ششم‌دبیرستان ها بطور نهائی‌انجام گرددوباتغییربرنامه دوره دوم‌دبیرستانهانهائی بودن‌امتحانات سال پنجم نیزمنتفی گردید .

این تصمیم مورد تایید شورایعالی فرهنگ قرارگرفت وهمانطور که در شماره گذشته اطلاع دادیم بکمسیون مخصوص برای اصلاح و تایید نهائی فرستاده شد

درشماره گذشته ازقول یکی از اعضاء شورایعالی فرهنگ نوشتیم که گواهی نامه‌های امتحانات نهائی‌امسال نیز مانندسال گذشته فقط دارای ارزش ازلحاظ نظام وظیفه‌وشرکت درامتحانات ورودی دانشکده هاخواهد بود اینهفته یك عضو دیگر شورایعالی‌فرهنگ گفت هنوز دراین باره‌تصمیم گرفته نشده‌است ولی احتمال قوی می‌رود که گواهینامه ها دارای ارزش قانونی بوده ومانندسال های قبل ازطرف وزارت فرهنگ و به امضاء وزیر فرهنگ صادر گردد

ازلحاظ تاثیر وضعیت‌امتحانات‌در سرنوشت دانش آموزان و اهمیتی که برای دبیران دارا می‌باشد خبرنگارما بامراجعه‌بدبیران‌ودانش‌آموزان‌نظریات هریك راچنین گزارش‌می‌دهد

اکثریت قریب باتفاق دبیران با نهائی بودن امتحانات موافقند دبیران عقیده دارند که سئوالات یك نواخت و معتدل ودر حدود قوای عمومی دانش آموزان باشد بدین‌منظور درپایان‌دوره های شش ساله ابتدائی و سوم و ششم‌دبیرستان بادرنظر گرفتن‌امتحانات و پرسشهای داخلی بطورجامع و کامل امتحانات بطور نهائی‌صورت گیرد

دبیران‌اینطوراستدلال‌می کنند که چون دردوره‌های فوق لازمست دانش آموزان خود را برای امتحانات عالی‌و ورود بدانشگاه آماده کنندوبعلت‌نبودن سدی بین دبستان و دبیرستان و عدم مراقبت درنحوه امتحانات دبیرستانی و اینکه محصل خودرا ملزم به حاضر و آماده کردن دروس‌نمی‌داند باعث‌میشود که دردبیرستانها محصلین‌ضعیف بتعداد زیاد وجود داشته‌باشند

دبیران هم چنین عقیده دارند که که سئوالات امتحانی(منطقه‌ای‌یابرای تمام کشور) باید بوسیله دبیران مجرب وبا سابقه که‌درجریان‌تدریس‌هستندطرح شود وتوسط وزارت فرهنگ‌درتمام‌مدارس پخش گردد و امتحانات در حوزه های مختلف زیر نظر دبیران‌همان مدرسه عملی گردد تادانش آموزان‌نیزاطمینان داشته باشند که در آخر سال بدبیران خود امتحان خواهندداد

دانش‌آموزان‌عموماطرفدارامتحانات نهائی میباشندآنها میگویند امتحانات نهائی هم برای دانش‌آموزان‌وهم برای وزارت فرهنگ‌مقرون بمصلحت‌میباشد

محصلین استدلال‌می کنند که در موقع داخلی بودن امتحانات تمام‌دروس در یك ردیف قرار می گیرد یعنی همان نمره‌ای راکه برای علوم طبیعی(درس اختصاصی سال ششم‌طبیعی) میدهند برای سایر دروس نیزمثل جبر ومثلثات یاقرائت فارسی قائل می‌شوند در صورتیکه در امتحانات نهائی اگر مطابق سال‌های قبل بعمل آید علوم طبیعی دارای ضریب ۳ و فارسی جزو دروس شفاهی و ضریب ندارد و علاوه برآن واهمهٔ تجدیدی در یکدرس مثلا جبر یامثلثات دربین نیست.

بارها دیده شده است که شاگرد سال ششم ریاضی بامعدل ۱۷ یا ۱۸ قبول شده است ولی در درس فارسی تجدیدی‌دارد.

در صورت عملی شدن امتحانات نهائی دانش آموزان می توانند کسری نمرات جبر وفارسی راکه جزو دروس ختصصی نیست.

از سایر درسها از جملهٔ علوم طبیعی-فیزیك-شیمی تأمین نمایند و فقط ملزم هستند که مجموع نمرات خود را بحدنصاب قبولی برسانند در حالیکه در امتحانات داخلی بایدنمرات دروس حداقل۷ باشد.

دانش آموزان همچنین عقیده دارند که اعمال نظر وسوء استفاده در امتحانات داخلی را نمی توان نادیده گرفت آنها نظارت و کنترل وزارت فرهنگ و طرح سئوالهای امتحانی و رسمی بودن گواهی نامه امتحانی را ازبزرگترین محاسن‌امتحانات نهائی میدانند .

---

۲۲ ساعت کار درهفته

تصویب نامه اخیر بزیان معلم ودانش‌آموز است

«آئین نامه‌خدمات فنی» رااجراکنید

درشماره گذشته گزارشی‌ازجریان‌افزایش‌کار دبیران‌وآموزگاران ونظر معلمین ووزارت فرهنگ را منتشر کردیم. اینک تلگرافی را که معلمین شیراز بوزارت فرهنگ کرده و رونوشت آنرا برای‌ما فرستاده‌اند درج می کنیم .

تصویب نامه اخیر شورایعالی فرهنگ راجع بتعیین ساعات کار معلمان بدون رعایت فرسودگی حاصل ازتدریس وطول مدت خدمت بزیان معلمین است اگر این تصمیم در قبال ترمیم است آیا مختصر ترمیم حقوقی می تواند جبران فرسودگی کند جنابعالی واقفید که معلم خسته وفرسوده بیش ازقدرت‌قادر بکار نیست وبالفرض که بخواهند تصویب‌نامه‌را اجبارا اجرا کنند منظور نهائی ازتدریس سودمندحاصل نمی گردد وجزدلسردی ویاس نتیجه دیگری نخواهد داشت ازآن‌جناب تقاضاداریم نسبت ببرقراری آئین‌نامه قبلی که مفید بحال معلم ودانش آموز وباکمال دقت وآرزوی عدل‌وانصاف تهیه شده بود اقدام مقتضی‌و موثر فرمائید.

قاسم دست‌غیب- مهدی مصلحت- رسول گلشن- لازم چوبك مینو امامی پادایادان- معتبر اجتهادی‌کاویانی زرآور- حسام امامی- اقلیدس‌موحدان- خردمند حکیم‌زاده ارشاقی- قاسم مساح مشکسار- ناصر معرفی آیت‌الهی- حسین معرفی دادخواه- افسر کمائی بلورچی امداد دنیوی نوازی- رهنما کلاهی- آزادی‌پور علیزاده - شریعتمدار خسروخانی- تساوی واصلی- افراد چوبینه‌ساجدی- بهائین شاه چراغی حکمی- سیف حریری- وصال هادی وحدت- خوبیاری مهربان‌پور - هودی صادقی قضاوتی - اشرف طیبائی- رضاحسینی- خازنی پیروزی - آقاجان‌زاده‌حمیدی- توکلی توکلیان- بهروزی قدسی- بیات حبیب‌زاوه زینب فرزانه معاونی- اسمعیل‌بیك‌سیمن- نواب‌صنفی- همانواب‌وثوقی- بانوصالحی بهبوذیان- جهان‌اندیش منصوری - همت زجاجی میلانی - لیاقت عطارگران- کریمی‌پور کشمیری - سختی فروزان‌فر- احترام حقیقی- کازرونی‌کازرونیان- ریاحی- لیاقت عشرت زارع- معمانیورامین زاده - اهزا سعادت دست‌غیب- بهشتی- ارمند- حبیب زارع بدیعی - رفعت‌نواب قهرمانی- ذکاوت شکرخوار

بعلت تراکم مطالب راهنمائی‌های مسائل در شماره بعدچاپ خواهدشد

بهترین دانش آموزان

کیهان فرهنگی تصمیم دارد که دانش‌آموزان ممتاز وبرجسته‌را در هر جای کشور که باشند بخوانندگان‌خود معرفی نماید.

برای حصول این منظور از کلیه فرهنگیان عزیزیاری میخواهیم‌وانتظار داریم دبیران وآموزگاران و رؤسای فرهنك با ماهمکاری نمایند وعکس و شرح حال دانش‌آموزانی راکه ازنظر هوش‌وحافظه واستعداد واخلاق‌ممتازند ودر هریك ازدروس نبوغ و استعداد فوق‌العاده‌ای دارند یادرکارهای دستی‌و هنرهای مختلف از موسیقی ونقاشی و حسن خط امتیازاتی دارندبرای کیهان فرهنگی بفرستند .

ما میخواهیم با معرفی‌جوانان‌برگزیده از طرفی موجبات تشویق و دلگرمی آن‌ها را فراهم نمائیم و از طرف‌دیگر سایر دانش آموزان رابکار و کوشش بیشتری در تحصیل دانش و فضیلت برانگیزیم . تا ازاین‌راه‌شخصیت های بزرگی برای فردای کشورتربیت شوند .

نه هزار خواننده

در این مسابقه‌کم‌نظیر هنری از تهران شرکت می‌کنند

یك دسته ۵۰۰نفری برای تهران از میان هزاران خواننده انتخاب میشوند

این معلم موسیقی ویولن را زیر چادر می‌گیرد و بمدرسه می‌برد

هفته گذشته یك مسابقه‌بی نظیر هنری‌درتالار فرهنگ شروع‌شد که‌بیش از نه‌هزار نفر خواننده درآن شرکت نموده‌اند.

این مسابقه به‌منظورتعیین‌بهترین دسته (خوانندگان دسته‌جمعی) تهران شروع شده وبرای انجام آن ازچندین ماه پیش مشغول تهیه مقدمات آن بوده‌اند.

ده روز متوالی

این مسابقه از روزشنبه‌پنجم‌اسفند شروع‌شده وهنوزادامه‌دارد وهرروز بیش از هزارنفرخواننده درمسابقه‌آن‌شرکت می‌نمایند. مسئول انجام این مسابقات آقای خادم میثاق آهنگساز معروف‌می باشدوی درباره این‌مسابقه اظهار داشت « این اولین‌بار است که در یك مسابقه‌هنری عده‌ئی باین کثرت شرکت می کنند وازین‌نظر این‌مسابقه‌درایران تاکنون سابقه نداشته‌است. »

«کر» ۵۰۰نفری

هدف اصلی و اساسی‌ازاین‌مسابقه آنست که‌روشن‌شوددر کدام‌یك‌ازمدارس دخترانه و پسرانه تهران توجه بیشتری بموسیقی و سرود نشان داده میشود و کدام‌یك‌ازمعلمین موسیقی که‌تعدادشان درتهران به‌هشتادنفر میرسدتوجه‌بیشتری به‌تعلیم سرود نشان‌داده‌اند.

هدف‌دیگر این‌است که‌یك دسته کر۵۰۰نفری‌تشکیل‌شود وپس‌ازتشکیل این‌دسته که شامل‌زبده‌ترین‌خوانندگان دختر وپسر تهران‌خواهدبودطی مراسم باشکوهی که درتالارفرهنك برپاخواهد گردید، کلیه این ۵۰۰نفر سرودهای مخصوصی را خواهدخواند.

پنج سرود

برای انجام این‌مسابقات ازچندی پیش ازطرف ادارهٔ کل هنرهای زیبا بمعلمین موسیقی‌مدارس تذکرداده‌شده بود که یك‌عده ازدانش‌آموزان زبده‌خود را آماده سازند وبرای‌تشویق معلمینی که سرود های صحیح بدانش آموزان تعلیم میدهند جوائزی نیزتعیین گردید باین‌جهت درطی چندماه اخیر فعالیت بی‌سابقه‌ئی دربسیاری ازمدارس‌دخترانه و پسرانه برای تعلیم سرودهای جدید که ازطرف اساتیدفن‌تهیه‌شده وهمچنین سرود های قدیمی شروع شد و اداره هنر های زیبا چهار سرود را از میان سرودهای موجود انتخاب کرده و در اختیار معلمین گذاشت و ضمنا بآن‌ها نیز اجازه داد که یك سرود را بانتخاب خودبشاگردان تعلیم بدهند.

نمره بمعلم

هیات داوران این مسابقه‌از میان بهترین استادان موسیقی انتخاب شده و هر یك از این استادان‌برای‌هر دسته خواننده نمره جداگانه‌ئی به معلم موسیقی‌خواهند داد ومعدل‌نمرات اعضای ژوری نمرهٔ معلم خواهد بود و چون هرمعلم در دو الی چهار مدرسه موسیقی تعلیم میدهد نمره اصلی‌وی معدل نمراتی است که مدارس مختلف حوزه او داده میشود

فهم‌موسیقی

خادم میثاق رئیس قسمت‌سرودها در اداره هنرهای زیبا ؛ در این باره گفت که این اقدام که برای اولین‌بار بطور جامع صورت میگیرد تعلیم‌سرود را درمدارس بصورت منظم وقابل‌توجهی درآورده است ومعلمین‌بادلگرمی بیشتر کارمی کنند و در نتیجه متدرجا درك می کنند که کدام‌شاگردان‌دارای‌استعداد قابل توجه درخواندن‌آواز وفهم‌موسیقی دارند تاکنون تعلیم سرود وتقویت‌ذوق موسیقی. دردانش آموزان بسته بمیزان علاقه هریك‌از معلمین‌بود وچون‌تشویقی صورت نمی گرفت، کار تعلیم سرود نیز متدرجا بصورت‌یك‌کار فراموش شده‌ای درمی‌آمد وچه بسا استعدادها که‌برای بیعلاقگی ازمیان می رفت ولی اینك معلمین بآسانی می‌توانند درك کنند که کدام‌یك از شاگردان دارای استعداد هستند و ما ازآن‌هاخواسته ایم که با استعداد ترین دانش‌آموزان راکه فهم موسیقی واستعدادفراگرفتن آنرا دارند بمامعرفی کنندتاباخانواده آن‌ها تماس بگیریم وازآن‌هابخواهیم که‌از کشتن‌استعداد کود کشان‌خودداری کنند و او را برای تعلیم موسیقی وآواز بهنرستان موسیقی بفرستند.

زیرا همانطور که‌می‌دانیددرحال حاضر از لحاظ خوانندگان علمی و مجرب ، بسیار درمضیقه هستیم‌بمیدان بدست دیگران‌می‌افتد وبایافتن‌استعداد های خارق‌العاده از کودکان وتشویق‌آن می‌توانیم متدرجا یك نهضت بزرگ را موجب شویم.

ویولن در زیر چادر

این مسابقات فعلا فقط درتهران صورت می‌گیرد وعلت آن‌استکه در اغلب شهرستان‌ها اصلا موسیقی تعلیم داده نمی‌شود.

در این‌باره یك مقام مطلع اظهار داشت که بموجب آئین‌نامه نمی‌توانیم معلم موسیقی استخدام کنیم و از این گذشته‌یك معلم موسیقی حاضر نمیشود با ۲۵۰۰ریال به‌شهرستان‌های دوردست برود بخصوص که در بعضی شهرستانها تعلیم موسیقی بشاگردان مدارس و مخصوصادختران خالی از اشکال‌نیست. حتی درجنوب‌تهران‌نیز معلمین‌موسیقی اغلب با اشکالاتی مواجه میشوند. مثلا چندی‌پیش یکی از معلمین با عصبانیت و ناراحتی نزد ما آمد و گفت«خواهش می کنم کار دیگری بمن واگذار کنید.

من‌از کار تعلیم موسیقی‌صرف‌نظر کردم.» و معلوم شد که همان روز چندنفر از متعصبین در جنوب شهرباو حمله کرده وویولونش را شکسته‌اند. حتی در بعضی‌نقاط دیگر شهرنیزوقتی یك معلم ویولونش را بدست می گیرد و بطرف مدرسه میرود مردم با نگاه حاکی از تعجب باو خیره میشوند و بسیاری از معلمین هستند که هنگامی که ویولون بدست دارند سواراتوبوس نمیشوند زیرا در تمام مدتی که‌درصف اتوبوس‌می‌ایستند، مخصوصادربعضی‌نقاط‌دور شهربانگاههای غضب‌آلودروبرومیشوند و بعضی ویولونیست‌های زن که درجنوب شهر ماموریت‌دارند مجبور میشوندچادر بسر کنند وبولن را زیر چادر بمدرسه ببرند.



دانش‌آموزان درحال تمرین

واریته در آبادان

درآبادان جشنی برگزارشد که برنامه‌موسیقی و واریته آن موردتوجه حضارقرار گرفت



در این عکس ازراست بچپ‌دوشیزگان : رضوان یگانه - مهین دخت‌کیان - پریچهر صامت والیزابت یك قطعه رقص توام باآواز اجرامیکنند

هرسال ۳۵۰ میلیارد ریال بلیط سینما فروخته میشود

۱۰ میلیارد تماشاچی بسینما میروند

تأثیر سینما که رایج‌ترین تفریح وسرگرمی عصراست روزبروز بیشتر مورد مطالعهٔ دانشمندان تعلیم وتربیت قرار می گیرد. از یك طرف کوشش می‌شود که تعمیم آموزش سمعی وبصری ،برای تربیت جوانان استفاده‌شودواز طرف دیگر برای‌تشویق فیلمهای اخلاقی‌وجلوگیری‌ازتهیه‌فیلمهای زیان‌بخش فعالیتهائی جریان‌دارد.

سازمان یونسکو اخیراً گزارش وآماری از وضع فیلمها وسینماها و تماشاچیان منتشر کرده‌است . این‌آمار نشان میدهد که هرسال در۱۶۳ کشور ومنطقهٔ جهان متجاوز از ده ملیارد تماشاچی بصدهزار سالون سینما میروند. مبلغی که از اینراه عاید صاحبان سینما میشود بالغ بر ۱۴۰۰ میلیارد فرانك فرانسه است.

همین آمار حاکی‌است که درسال ۱۹۵۳ در کشور آمریکا ۳۴۴ فیلم مفصل تهیه کرده‌اند ژاپن با۳۰۲فیلم وهندوستان با۲۵۹ فیلم‌بعدازآمریکامقام دوم وسومرا بدست‌آورده‌اند.

در اروپا، مهمترین کشور تولید کننده فیلمهای‌تجارتی ایتالیاست که در سال ۱۹۵۳ تعداد ۱۶۳ فیلم تهیه کرده‌است.

ایتالیا ازحیث تهیه فیلمهای کوتاه و مستند باتهیه ۵۷۹ فیلم‌درسراسر جهان رتبه اول را حائز گردیده است وآمریکا با ۴۱۵ فیلم دردرجهٔ‌دوم قرار گرفته است.

پیش پرده کدخدا

این‌جناب کدخدا که با آرامش خاطر چپق خود را چاق میکند همیشه کدخدا نیست.

این آقای غلامرضا عدولی دانش‌آموزدانش‌سرای کشاورزی ماما‌زن(ورامین) است که دریکی ازجلسات‌انجمن نمایش‌وسخنرانی دانشسرا پیش‌پرده کدخدارا میخواند.

دانش آموزان دانشسرا های کشاورزی خود رابرای خدمت در دبستانهای روستائی آماده میکنند و حق دارند از همان دوره تحصیلی‌راه و رسم کدخدائی را بیاموزند



درست نوشتن را بیاموزیم

از استاد سعید نفیسی

آشنائی بروش صحیح و دیرین سخن گفتن و نوشتن از زبان مادری برای همه لازم است. هر کس در هر مقام و شغلی که هست برای توفیق در کار خود احتیاج باین فن دارد.

سیاستمداری که نطقی تهیه میکند، وکیلی که قانون مـی نویسد، کارمندی که گزارشی برای رؤسای مافوق خود تهیه میکند و بالاخره همه در زندگی عادی روزانه خود احتیاج دارند مطالب خودرا خوب بنویسند تا نتیجه بگیرند.

نظر باینکه در این باره، با اینهمه احتیاج، کتاب جامعی بزبان فارسی در دست نیست از آقای سعید نفیسی خواهش کردیم راه درست نویسی را در ضمن سلسله مقالاتی برای خوانندگان کیهان فرهنگی بنویسند.

در این مقالات لازم‌ترین و صحیح‌ترین اصول انشاء و املاء سخن گفتن بیان میشود و اغلاط مشهور روشن میگردد و مخصوصا برای دانش آموزان عزیز درس گرانبهائی از نویسندگی و سخنگویی است که فراگرفتن آنها از هیچ کتابی میسر نخواهد بود.

اگر درزبانهای دیگر جهان درباره درست نویسی عده‌ای از بی‌خبران را باید آگاه کرد کار زبان فارسی امروز بجائی رسیده‌است که باید مدعیان ادب را نیز راهنما شد. روی‌هم‌رفته چنان سررشته ازدست همه دررفته است که امروز بندرت می‌توان کسی را درسراسر ایران یافت که درسخن او ایرادی نباشد.

نمی‌دانم چه‌شده است که قواعد درست نویسی زبان فارسی از دست مردم رفته‌است، شاید بالاترین تقصیر وقصور از آموزشگاههای ماباشد، زیرا می‌بینیم که ازهمان نخستین روزهای کودکی فرزندان این کشور را بغلط خواندن ونوشتن عادت میدهند، درکتابهای درسی ازدبستان ودبیرستان گرفته تا دانشگاه غلطهای بسیارفاحش دیده‌می‌شود.

گویاامروز ایران‌ما یگانه کشوری درجهان باشد که در کتاب‌های رسمی درسی آن این گونه غلطهایی که مادرزبان خود روامیداریم دیده‌شود. گاهگاهی بیگانگان همپی باین خطاها میبرند ومارا ملامت می کنند. آنچه روزوشب بدست مردم میرسد، گذشته ازهزاران مطلب ناروا و نادرست وغرض‌آلود و مجعول وسراپا تهمت‌وافترا، پرازغلطهای ناهنجار جان‌آزارست. می‌ترسم کار بجایی برسد که اگر کسی فارسی‌را درست نوشت بروخرده بگیرند و ملامتش بکنند. عجب‌تر اینست که هنوز مردم سرزمین مافارسی رادرست‌حرف میزنند ولی درموقع نوشتن همان‌حرف‌زدن خودرا فراموش می کنند وازین نکتهٔ‌بسیار بدیهی وبسیار مهم‌غافلاند که بهترین‌نوشته وفصیح‌ترین اثرادبی آنست که کاملا باگفتهٔ مردم آن‌زبان یکسان‌باشد.

همهٔ نویسندگان بزرگ جهان هر چه می گفته‌اند می نوشته‌اند بهمین جهتست که امروز عبارات وجمل ایشان رادر سینما عینا بزبان مـی آورند و در تآتر بیکدیگر می گویند وباسخن گفتن‌معمولی‌روزانه هیـچ‌تفاوت‌ندارد.

امامافارسی زبانان امروزبکلی ازاین نکتهٔ بسیارمهم غافلیم ومیپنداریم درنوشتن باید بزبان‌دیگری جزآن‌زبانی که درخانه و کوی وبرزن‌بدان سخن میگوئیم‌وازپدرومادر دردوسالگی آموخته‌ایم بکار بریم.

درجهان امروز هرگزدیده نمی‌شود که درروزنامه‌ای یامجله‌ای‌مقالاتی درباره درست نوشتن زبانی انتشار دهند زیرا کسانی که دوره آموزشگاهها را بپایان رسانده‌اند دیگرازین‌بحث بی‌نیازند وآنچه‌را که بایدوشایددرآموزشگاهها فرا گرفته‌اند.

درهمه کشورهای جهان جای‌یادگرفتن زبان‌دبستان وپس‌ازآن مراحل نخستین دبیرستانست‌اما در کشورما دردانشگاهها نیزبجوانان‌بیست‌وچندساله که بایدازآن مستغنی باشند هنوزمقدمات زبان‌فارسی‌را درس‌میدهند.

درزبان ماهنوز کتاب معتبری دردستور زبان تدوین‌نشده وآنچه‌بدست مردم هست‌پرازخطاهای فاحش‌وقواعد نادرستست. یکی ازقواعد زبان‌فارسی را تابـع قواعد زبان تازی و دیگری تابع قـواعد یك زبان اروپـایـی قرارداده وحال آنکه هر زبانی در جهان کاملا مستقلست وتابع هیچ زبان دیگری نیست. هنـوز در ایـران، یك فرهنك کوچك ارزان قیمـت باصطـلاح «دم دسـتی» مـانـنـد المنـجد در زبـان تـازی یا لاروس کوچك ونظایر آن درزبان‌فرانسه‌ویا پستر وهمانندآن در زبان‌انگلیسی‌نیست عجب‌تر آنکه در کتابهایی که‌در دست مردمست و باید راهنمای مردم‌در املا و معانی لغات باشدخطاهای بسیار کودکانه دیده می‌شود وبجای آنکه خواننده و رجوع کننده از آن بهره‌مند شود بالعکس باید کتاب رااصلاح کند.

بهمین جهت اکنون که روزنامه کیهان بحق بعهده گرفته است درهر هفته کیهان فرهنگی‌را برای فرزندان‌این کشور ومربیان و آموزگاران‌آن ها انتشار دهد.

من بالاترین خدمتی راکه‌درهمین زمینه می‌توانستم بعهده‌بگیرم‌این دانستم که‌درهر شماره اصول‌مسلم درست‌نوشتن زبان‌فارسی را که‌ازضروریات نخستین امروز میدانم تدریجا طرح کنم و حاجت بگفتن و تاکید نیست که همیشه برای توضیح و تفسیر بیشتری در بـاره این مباحث و روشن کردن ذهنی‌خوانندگان وپاسخ‌دادن بکسانی که‌درین‌زمینه‌هاعقایدمخالف دارندآماده‌ام

درین بحث ناچارم‌برای‌اثبات مطلب گاه‌گاهی بسخن برخی‌ازمعاصران یا آنچه‌در مطبوعات امروز چاپ‌میشود استشهاد و دلایل‌ردآنرا بااین‌شواهد بمیان بیاورم. امیدوارم کسانی که سخنشان را شاهد می آورم چنانکـه عادت معهود این‌روزگاران شده است آنرا بدشمنی و بدخواهی حمل‌نکنند وبدل نگیرند و احیاناً برنیاشوبند زیراکه قصدمن بجز راهنمائی و آنهـم باتکای سنن دیـرین این زبان‌هزار ساله و گفتار بزرگان این‌زبان چیز دیگرنیست

هفت‌دسته ..

نواقص برجسته ای که ما بعمد یا بسهو درزبان امروز وارد کرده‌ایم و زبان را ازمجرای حقیقی دیرین‌خود فرسنگها دور برده‌ایم‌روی‌همرفته‌بهفت دسته می توان تقسیم کرد:

غلطهای املائی، درست صرف‌نکردن افعال فارسی، بکار بردن کلمات‌نادرست‌وبی‌جا، استعمال تعبیرهای نادرست، ترجمه تحت‌اللفظ از ترکیبات **زبانهای بیگانه** که‌بازبان فارسی بهیچوجه‌الفت ندارد، **جابجا کردن اجزای جمله** که مخالف انس و ناموس زبان‌فارسی است، **بکار بردن لفظی در معنی‌و مصداقی که‌واردنیست.**

استقلال‌زبان فارسی

نخست این نکته را باهمه بداهت و ابتذالی که دارد باید در میان بگذارم و آن اینست که زبان فارسی ما مانند همهٔ زبانهای زنده امروز جهان زبانیست کامل‌و مطلقا مستقل و وابسته‌و تابع هیچ زبان دیگری‌نیست با همه‌آمیختگی که‌زبان امروز ما با زبان تازی پیدا کرده است باز تابع‌زبان عرب نیست‌و کلمات تازی که در فارسی بکار برده میشود حکم عاریت‌رادارد و باید از هر جهت تابع قواعد صرف و نحو ودستور زبان باشد. بزرگان زبان ما مثلا هرصفت یا اسمی‌را که ازیان‌عرب گرفته‌اندمقید بوده‌اند حتی بقاعده فارسی جمع می‌بستند. سعدی میفرماید:

همه‌قبیلهٔ من عالمان دین بودند — مرا معلم عشق‌تو شاعری‌آموخت

منوچهری می گوید:

حکیمان زمانه راست‌گفتند — که عاقل گردداندرعشق جاهل

باندازه‌ای بزرگان ایران درین زمینه مقید بوده‌اند که‌حتی‌اگرصفت تفضیلی ازربان تازی می گرفتند علامت تفضیل زبان فارسی را که«تر»و«ترین» باشد بر آن می افزودند. چنانکه کلمه «اولی»را« اولی تر» گفته‌اند.

حکیم عمر خیام می‌فرماید:

ایام جوانیست شراب اولی‌تر — با روی نکو بادهٔ ناب اولی‌تر

این‌عالم فانی‌چوخرابست‌برآب — از باده درومست‌وخراب‌اولی‌تر

از مرحوم استاد اقبال

چوب و فلك اعتضادالدوله

درسفراولی که‌نگارنده‌بفرنگستان رفته بودم وپس ازسه سال ونیم اقامت درآنجا بطهران برگشتم یکی‌ازدوستان قدیم راکه بملاقات من‌آمده بوددیدم که با تعجب تمام مواظب‌صحبت کردن من است وجزء بجزء کلمات وجملی راکه‌من‌ادامیکنم‌بدقت کامل گوش‌میدهد بعد ازمدتی بمن گفت‌فلانی‌تعجب میکنم که تو در این مدت‌زبان‌فارسی را فراموش نکرده‌ای وعینا مثل ایامی که هنوز بفرنگ نرفته بودی حرف میزنی. گفتم این مساله تعجبی نداردو تصور نمیکنم کسی که‌زبان مادری‌خود را خوب دانسته‌باشد آن را پس ازچهار پنج سال‌اقامت‌در خارجه‌فراموش کند.

گفت پس این محصلینی که‌بعداز دوسه سال بیرون ماندن از ایران در برگشتن‌حتی برای گفتن کلمات‌معمولی زندگانی هرروزه بزبان خارجه بیان مطلب میکنند ومیگویند که فارسی را فراموش کرده‌اند چه میگویند گفتم اغلب بازی درمیآورند ومیخواهندچنین بنمایند که ازسرتاپا یك پارچه فرنگی شده و چوب و فلك اعتضادالسلطنه‌را دور دیده‌اند.

درجزء چهل ودونفر محصلی که در سال ۱۲۷۵ قمری از ایام وزارت علوم علینقی میرزا اعتضاد السلطنه به فرنگستان فرستاده شدند جوانی بود که درفن صحافـی مهارت بهم رساند وبعد از برگشتن بطهران ونمودن هنر خود لقب صحاف باشی گرفت

موقعی که این محصلین از فرنگ برگشته وبرای‌معرفی باعتضاد السلطنه مقابل حوض مـدرسه دار الفنون صف کشیده بودند تصادفا اعتضاد السلطنه روبصفحاف باشی کرد وحوض رابا‌ونشان داد گفت این را چه میکویند؟صحاف باشی‌بزبان‌فرانسه‌فصیح وغلیظ گفت«باسن»

اعتضاد السلطنه امر داد که چوب وفلکی حاضر کردند وبدستور اوپاهای صحافباشی را بچوب بستند چون چند چوبی خورد از زیر فلك گفت: «اوز اوز» اعتضادالسلطنه گفت باز بزنیدو چنین کردند وطولی نکشید که صحاف باشی فریاد برآورد: «حوض —حوض» وبساط حقه بازی را که شایدمیخواسته است بعدها بگستراند از همان اول برچید وبعدها مثل «آدم» حرف زد

دشمن روز

از آثار چاپ نشدهٔ ایرج میرزا

ایرج میرزا جلال الممالك از شاعرانی‌است که درشعرجدید فارسی سهم بسزائی دارد.

این شاعر، بالطف ذوق وقدرت طبع خود سبك تازه‌ای‌درشعر پیش‌گرفت وبزبان عامه سخن‌گفت‌وازهمان ابتدا شیوهٔ سخنش مورد تقلید معاصران واقع گردید.

وبجرات میتوان‌گفت که از متاخرین کمتر شاعری باندازهٔ او در محیط شعری امروز تاثیر داشته است.

متاسفانه هماطورکه خود شاعر در دورهٔ حیات بارنج و درد قرین بود بعد ازمرك نیز بیذوقی وکج سلیقگی ناشران آثار اورا بسرنوشت دردناکی گرفتار کردوچیزهائی درديوان اوراه‌یافت که قطعاخود شاعر بانتشار آنها راضی نبوده است.

در مقابل قسمتی ازآثار لطیف اخلاقی او که در ردیف بهترین اشعار زبان فارسی است در دیوانهای چاپی دیده نمیشود.

قطعه زیر، ازلطیف‌ترین آثار ایرج و از مثنوی «هذیان نامه» اوست که در دیوانش چاپ نشده وماآن را از سفینه آقای محمودفرخ نقل می کنیم.

باز بر تافت بعـالم خورشید — بررخ خلق جهان تیغ کشید

شد برافروختـه کانون فساد — آتش فتنـه در آفـاق افتاد

تافت بر خـوابگه عالـم نور — مار جنبید وبجـوش آمد مور

روی آفـاق پر از ولولـه شد — راحت وامن ز گیتی یلـه شد

شیر برخاست پی صید غـزال — بـاز از صعوه نمود استقبال

مردمان در تك و پو افتادند — رو بهر برزن و کو بنهادند

گشت بی عاطفتی باز شروع — یافت‌حرص وولع وجهل شیوع

آمد ازخانه برون «شیرفروش» — کوزهٔ شیر پر از آب بدوش

«کاسب دزد» بـبازار آمـد — طـالب مـزد سر کار آمـد

روز آبستن رنج و تعب است — ایخوشاشب، که‌فراغت‌بشب‌است

من همه دشمن روزم کـه بروز — کند انواع جنـایات بروز

ایخوشا شب! که‌پس‌ازساعت‌پنج — ظلم عاطل شود و خسبد رنج

مردم از شر هـم آسوده شوند — فارغ ازصحبت بیهوده شوند

پیام

خواهم که بآن تازه گل‌ازره‌نصیحت

گوئید که‌باهرخس‌و خاری ننشیند!

لیکن، بزبانی که ز ما خاك نشینان

بر دامن اوگرد و غباری ننشیند!

محمد کابلی

دبیران محترم دبیرستان‌ها

کتاب مادر بچه تألیف دکتر بنجابین‌اسپاك ترجمه‌والاحضرت اشرف پهلوی‌دقیق‌ترین کتابی‌است که تاکنون در جهان نوشتهٔ شده است.

تدریس‌این کتاب‌در دبیرستانهای دخترانه بتصویب شورای فرهنگ‌رسیده وطی بخشنامه‌ای که در زیردر درج میگردد ابلاغ گردیده است.

اداره دبیرخانه شورایعالی‌فرهنگ

شماره ۵۱۸۶

تاریخ ۲۶ر۱۰ر۳۴

وزارت فرهنگ

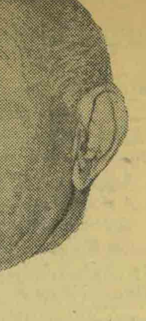
تعقیب نامـه شمـاره ۳۴۵۹ — ۲ر۸ر۳۴ در هشتصد و نود و هفتمین جلسه شورای عالی فرهنگ مورخ ۲۴ر۱۰ر۳۴ کتاب مادر وبچه‌ترجمه والاحضرت اشرف پهلوی مورد مطالعه قرارگرفت و تدریس کتاب مزبور در دبیرستانها باتوجه‌ببرنامه مصوب‌شورای عالی فرهنگ تصویب گردید مراتب را بدبیرستانهای ودبیران‌مربوطه‌ابلاغ نمائید

رئیس اداره دبیرخانه شورای عالی، فرهنگ — خان‌اکبر

رو نوشت جهت اطلاع ادارات فرهنگ شهرستانها فرهنگ حومه و آموزش متوسطه‌وسازمان چاپ‌انتشارات کیهان‌ابلاغ میگردد.

رئیس‌اداره‌دبیرخانه شورایعالی فرهنگ — خان‌اکبر

ازمترجم همایون فره‌وشی



خاطرات یک معلم

طلبه های چماق بدست زیر پل زاینده رود کمین میکردند

وقتی که بیسوادی معلم پی بردم

خون در مدرسه

سربازی که درخوزستان عربی یادگرفته بود ـ هفتادسال پیش ، اینطور زندگی میکردیم واینطور درس میخواندیم

سلام بر روشنائی ـ یادی از شب نشینیهای خانوادگی

طلاب در مدارس کتابهارا بر سر هم می کوبیدند

وقتی که ازفوتبال ووالیبال خبری نبود جوانان چه بازیهائی میکردند

مدارس جلفا

میسیونهای کاتولیکی‌وپروتستانی درجلفای اصفهان مدارسی برای تعلیم وتربیت اطفال ارمنی ها تاسیس کرده بودند پاره‌ای ازاعیان واشراف اصفهان هم فرزندان خود را بجلفا میفرستاد . تا زبان انگلیسی یا فرانسه یادبگیرند

طلبه‌های چماق بدست

طلاب علوم دینی‌باین‌عمل مخالف بودند وغالبا چماقی برداشته و در زیر پلهای زاینده رود پنهان‌می‌شدندواگر کسی را میدیدند که برای تحصیل بجلفا میروند سخت می‌زدندوبسامیشد که سرودست وپای او را می‌شکستند مخصوصا درخاطر دارم که‌محصلین‌شهری از ترس طلاب سوار اسب میشدند و از میان رودخانه میرفتند

وقتی که بیسوادی معلم‌پی‌بردم

باری من‌مدت چهار سال‌بمکتب خانه رفتم و تا اندازه‌ای بخواندن و نوشتن آشنا شدم‌قرآن و کتاب گلستان وبعد هم دیوان حافظ ـ نصاب‌وترسل را تمام کردم اما ازانشاء واملابهره‌ای نداشتم زیراکه معلمم معلومات خوبی نداشت و خودش هم غالب کلمات را غلط مینوشت‌خطش‌هم‌بسیاربدبود.

شبها گاهی برای پدرم غزلهای حافظ یا سعدیرا می خواندم اگر چه او سواد نداشت‌ولی چون عارف مسلك بودو این غزلها رازیاد شنیده‌ومقداری ازآنها را هم حفظ داشت اغلاطمرا اصلاح‌میکرد وچون میگفتم معلم این طور بمن‌یادداده میگفت اواشتباه کرده است.

کم کم‌به بیسوادی معلم پی‌برده وپس از چهار سال مرا از مکتب باز گرفت .

اما کتاب های زیادی برای من خریده بود.

غالب‌اوقات مشغول خواندن‌وورق زدن آنها بودم واگر مهمان باسوادی بخانهٔ مامی‌آمد اشتباهات خود را ازاو می‌پرسیدم و باخط بدی که‌داشتم‌ازروی این کتابها مینوشتم .

شبهای ما

ــ اغلب شبها ما میهمان های شهری داشتیم زیراکه پدرم در شهر اصفهان اقوام ودوستان وآشنایان‌زیادی داشت وباآنهاآمد وشد میکرد .

گاهی هم مرا باخود بشهرمیبرد ومدت یك هفته یاده روز درخانه آنها میماندم وروزها بافرزندان آنها درشهر و بیرون بگردش میرفتم و مخصوصاً مدتی بتماشای‌پل‌اللهوردیخان وپل‌خاجو ومنار جنبان وعمارات‌هفت‌دست وآینه خانه میپرداختیم .

جنگ کتاب

گاهی‌هم بمدرسه چهارباغ وسایر مدارس میرفتم و ازطلاب خوش خط که‌با پدران ما آشنائی داشتند سر ـ مشقی میگرفتیم و خواهش می کردیم که طرز نامه نویسی را بما یاد دهند وآنها هم بدون مضایقه بخواهش های ما تن درمیدادند . ودرضمن حوزهٔ‌درس طلاب را هم تماشا می کردیم که باهم مباحثه میکردند وگاهی هم مباحثه بخشونت تبدیل میشد وبهم دیگر بد میگفتندوبا کتاب‌بریکدیگرمیکوفتندو هیاهوئی راه‌میانداختند بعضی ازطلاب هم از مدرس ایراد میگرفتند و بااو بمباحثه‌میپرداختند .

درخاطرم‌هست که‌روزی درمدرسه نیم‌آور دو طلبه باهم مباحثه میکردند عاقبت کار بنزاع کشید ودست‌به نعلین کرده برسروروی یکدیگر می زدند آخرالامر دونفر طلبه دیگرآمدند و آنها را ازهم جدا کردند.

ولی ازبینی یکی‌از آنها خون زیادی بزمین ریخت و مدتی در کنار حوض نشست وطلبه دیگری با ظرف گلی که آنرا لوله‌هنگ میگفتند متصل‌آب بسراومیریخت .

اما وقتیکه خون بندآمد وطلبه ازسر حوض بلندشد تمام‌لباسش خونین شده‌بود .

معلم‌انشای من

بعضی اوقات هم‌بشهرمیرفتم‌وچند روزی درمنزل اقوامم میماندم درخاطر دارم که روزی پدرم مرا بمدرسهٔ چهار باغ برد وازیك نفر سید بنام حاج میرزا مهدی‌خواهش کرد که طرزنامه‌ـ نگاری را بمن‌یاد بدهد واوهم‌خواهش پدرم را پذیرفت و گفت بدیده منت دارم .

این سید خط خوشی داشت وغالبا قباله‌های عروسی‌یا املاك رابااومیدادند که‌باخط درشت‌بنویسد بپدرم گفت من امروز سرم شلوغ است و کار زیادی دارم ازفردا آقازاده را نزد من‌بفرستید تاتعلیماتی باو بدهم

فردای آنروز بحجره سید رفتم کاری نداشت وبمن گفت قلم و کاغذ بردار و هرچه میگویم بنویس‌من فورا قلمدان راکشیده ودفتر بغلی خود را بدست گرفتم .

آغازنامه نگاری

سید تعلیماتی بمن داد و گفت ، اگر خواسته باشند بشاه عریضه ای عرض کنند چنین مینویسند .

تصدق خاك پای جواهرآسای مبارکت گردم عریضه غلام جان‌نثاریست که بآستان ملا یك پاسبان تقدیم میدارد

و بشاهزاده مینویسند: قربان‌خاك پای‌آستان مبارکت گردم و بمامورین دولت برحسب رتبه وشان مینویسند . مقرب‌الخاقان‌ومعتمدالسلطان‌وبمأمورین عالیرتبه‌مینویسند تصدق‌وجودمبارکت گردم ودرپشت پاکت مینویسندخدمت جناب اجل‌اکرم افخما اعظم . . . و بمجتهدین برجسته مینویسند : شریعتمدارا ـ مقتدالاناما ـ حجةالاسلاما نایب‌الاماما . روحی وروح‌العالمین‌فداك و باشخاص هم شأن و دوستان خود بنویسید : قربانت گردم ویا فدایت‌شوم وبرعایا ونوکران‌خودبنویسید :عالیشان عزت نشان‌باعالیجاه ، فلان خلاصه‌چند روزی نزد سید رفتم ونامه‌های خوش خطی بمن داد که ازروی آنها بنویسم وروبهمرفته تعلیمات برطبق مقتضیات آنزمان بمن داد

سربازعربی دان

پیرمردی هم بود که او را دائی مشهدی علی میگفتند این پیرمرد در جوانی سرباز بود وبا فوجی بخوزستان رفته ومدتی درآن نواحی مانده بود غالباً از زمان سربازی خود چیز هائی میگفت وخود ستائی میکرد که‌درفلان جنگ چنین وچنان کردم‌وادعا میکرد که زبان عربی را خوب میدانم روزی من باو گفتم دائی چون شما مدتی در خوزستان بوده‌اید لابد زبان عربی را خوب یاد گرفته اید گفت آری‌من زبان عربی را خوب میدانم گفتم بگوئید

ذالك‌الکتاب‌لاریب فیه که‌درقرآن است چیست ؟ سرتکان داد و تبسمی کرد و گفت : هوم گوش بده و سپس آنرا خوب بفهمم خدا میگوید : ای پدرسوخته ها اگر کاربد کردید‌شما را بآتش جهنم خواهم سوزاند

شبهای زمستان

شب مخصوصاشبهای‌درازرمستان جدهٔ مادری وعمه‌ها و خاله‌ها وعمو و زن عمو ودختران او ویا اقوام بعنوان شب‌نشینی بمنزل مامیآمدند.

مادرم مجموعهٔ مس بزرگی پراز گردو وتوت خشك‌وکشمش و سنجد وخربوزه وهندوانه و غیره میآورد ودر جلو مهمانان میگذارد .

چراغی ازگل پخته لعاب دار که دارای دسته ودولوله بود و در هر لوله‌فتیله‌ای گذاره‌بودند باروغن کرچك میسوخت.

این چراغ درروی پایه‌مسینی که حکاکی شده بود قرار داشت که‌آن‌را پی‌سوز [پیه سوز] مینامیدند یکنوع چراغ دیگری هم بود که روی‌آن باز بود و یك فتیله داشت و آن راچراغ موشی‌میگفتند .

سلام برروشنائی

وقتی که چراغ روشن میشد همه بآن سلام‌میکردندوچون درشب‌سوگند یادمیکردندمی گفتند«باین‌سوی‌چراغ!»

وسو بمعنی روشنائی است‌وگویا رسم‌سلام‌وسوگندخوردن‌بسوازدوران‌باستانی وزمان آفتاب پرستی ونورپرستی باقی، مانده‌باشد .

مهمانان در حین خوردن مشغول صحبت‌های گوناگون میشدند ومابچه هاهم سر گرم میشدیم.

گاهی‌هم مهمانان ازمن خواهش میکردند که‌از کتاب‌حافظ‌فال‌دوره‌برای آنها بگیرم منهم بنوبت‌برای هر کس کتاب را باز میکردم و غزلی را می خواندم درست یا غلط ولی نمی‌توانستم مفاد آنرا درست برای‌آنها شرح دهم اما خود آنها مخصوصاً پیرزنان‌چیز ـ هائی میبافتند وبآنها میگفتند که‌معنی فال‌توچنین یاچنان‌است .

گاهی هم من‌باخانواده‌بمنزل‌آنها میرفتیم مخصوصاً هر وقت بخانه جدهٔ خود میرفتیم ازاوخواهش میکردم که قصه‌ای برای‌مابگوید پیرزن‌هم‌مضایقه نمیکرد وقصه های گوناگونی برای ما نقل میکرد.

بازیهای ما

روزهای بیکاری مخصوصا در زمستان که کارهای زراعتی کم بود جوانان شادی میکردند و میرفتند در زمین وسیعی که باغ مصلی نام داشت مشغول بازی میشدند مردان مسن هم بآنجا میآمدند ولی بازی نمیکردند و فقط برای تماشای بازی جوانان بآنجا میآمدندوبریشتن پشم وبافتن جوراب ودستکش پشمی مشغول‌بودند

توپهای پنبه‌ای

یکی از بازیهای مااین بود که پسران دو دسته شده ازهم فاصله می گرفتند وبگوی بازی مشغول میشدند ؛ در آنوقت گوی یاتوپ چرمی‌ولاستیکی وجود نداشت خودشان با پنبه توپهائی درست میکردند وروی آنرا با نخهای الوان میبافتند ونقش ونگاری در آن میانداختند دستهٔ بالا توپ‌رابا دست به طرف دستهٔ پائین میزد واگر یکی از دستهٔ پائین توپ‌رامیگرفت دسته‌بالائی میآمد وآنهارا بدوش میکشید وبطرف بالامیبرد تا بنوبه خود بانداختن توپ مشغول‌شوند واتصالااینعمل تکرارمیشد اینبازی را باصطلاح خودشان (گوی آبدهی میگفتند)

دوبازی دیگر

دسته دیگر ببازی الك دولك که که آنرا در آنجا (پل‌خفته) میگفتند مشغول میشوندبازی دیگری هم‌داشتیم که درتهران جفتك چهار کش‌ودرآنجا (جفتك وخیزك) میگفتند.

شیردود

یکنوع بازی هم داشتیم که آنرا (شیر دود) میگفتند باین ترتیب که بچه‌ها پهلوی هم سر پا می نشینند و دایره‌ای تشکیل می‌دادند ودونفربقرعه معین‌میشوند که دور این حلقه‌ازبیرون دنبال هم بدوند اگر دنبال کننده بنفر جلو نزدیك میشد و دست خودرا بپشت اومیزدنفر جلو باید اورا بپشت بگیرد یکدور در اطراف دایره بگرداند غالبا شخص‌جلو اگر حریف‌را نزدیك‌میدید دست بپشت یکی ازافراد نشسته میزدو میگفت دود و بجای او می نشست و او بلند میشد و حریف را دنبال میکرد تا باو میرسید حریف هم‌بنوبهٔ خود دست بپشت دیگری میزد تانفر عقبی را دنبال نماید

عرقچین زدن

یکنوع بازی دیگر هم بود که آنرا عرقچین زدن میگفتند بدین ترتیب که کلاه یا عرقچین را با میخ بدیوارمیآویختند و افراد بنوبت باقدم دو میآمدند و با پا عرقچین را بزمین میانداختند و بعد درجه بدرجه کلاه‌را بالاتر میبردند وافراد دوباره باقدم دو می‌آمدند ویك‌پای خودرا بدیوارزده و باپای دیگر کلاه‌را بزمین میانداختند گاهی درجه بقدری بالامیرفت که‌بغیر از یکی دو نفر دیگری نمی توانستند آنرا بیاندازند واگر کسی موفق‌بزدن آن میشدهمه هو میکشیدندو برای‌او کف‌میزدند .

یادی از پدر

نام پدرم‌غلامحسین‌بود ومعمولاآن را مشهدی یا کربلائی غلامحسین می گفتند درایام جوانی چندین‌باربزیارت کربلا ومشهد رفته بود .

بطوری که خودش نقل‌می کردیك دفعه بکربلا و دودفعه‌بمشهدپیاده‌مشرف شده بودو بعد که بتهران آمدیم‌بزیارت مکه معظمه هم تشرف حاصل کردو از آن ببعداو راحاج غلامحسین‌می‌نامیدند

نام پدراو ـ جد من باشداسمعیل شکر بوده است .

این نکته نیز قابل ذکراست که در آنزمان در ایران شناسنامه معمول نبود وچون غالباً یك نام داشتند وباهم اشتباه میشدند دهقانان‌بمناسبتی برای آنان هویتی قائل میگردیدند و چون جد من مزاح وشیرین سخن بوده اورا اسمعیل شکرمی نامیدند .

باری پدرم بطوری که خودنقل‌می کرد در کودکی‌بی‌پدر ودر دامان مادر پرورش یافته بود در ایام جوانی‌بضاعتی نداشته و بامزدوری امرار حیات می کرده است‌ودرضمن بزورخانه‌هم میرفته وورزش می‌نموده است .

زورخانه در آن ایام معمول و پهلوانان نیرومندی تربیت‌میکرده‌است



درمدرسه نیم‌آورد دو طلبه با هم مباحثه میکردند.

کتاب سال

تقی‌زاده ، حکمت ، آربری

عقیده خودرا درباره ترجمه جلداول تاریخ ادبی براون مینویسند

نشر کتاب در زبان فارسی بااینکه در سالهای اخیر ازنظر کمیت پیشرفت زیادی کرده، ولی‌ازنظر کیفیت بامصلحت و نیازمندی‌جامعهٔ ایرانی مطابق نبوده است .

در چنین‌وضعی میان‌صدها کتاب بی‌فائدهٔ بازاری وگاهی مضروقتی کـه کتاب نفیس و سودمندی انتشارمی‌یابد با استقبال دوستداران‌واقعی کتاب‌مواجه میگردد .

جلد اول از تاریخ ادبی‌ایران‌تألیف ادوارد براون ترجمهٔ‌آقای‌علی پاشاصالح استاد دانشگاه تهران بی شبهه از این قبیل بوده واز کتابهائی‌است که‌موردتوجه خاص طبقه دانش و فضل‌قرار گرفت و برای ناشران کتاب درس مفیدی‌بود که محسن تشخیص جامعه پی‌ببرندوازکار های‌اساسی ونشر کتب مهم بیمی‌نداشته باشند .

دورهٔ‌چهار جلدی این کتاب‌جامع‌ترین و سودمندترین کتابی است که در بارهٔ تحول زبان‌و ادبیات فارسی‌و سیر عقاید وافکار درایران نوشته‌شده است‌و جای آن‌داشت که از سالهاپیش بزبان فارسی درآید .

جلد چهارم‌این کتاب‌ازآغازصفویه تا عصر حاضر ،۱۸سال‌پیش،بوسیلهٔ‌مرحوم رشید یاسمی ترجمه و منتشرشد که‌در واقع تلخیص و اقتباسی ازمتن کتاب‌بود و چه خوب‌است که یك بار دیگربطرز دقیق علمی‌ترجمه شود.

جلد سوم آن هم‌بنام «از سعدی تا جامی» بوسیلهٔ‌آقای علی‌اصغرحکمت ترجمه وباحواشی مفیدی‌منتشر گردیده است .

ترجمهٔ آقای علی پاشاصالح‌ازجلد اول کتاب یعنی‌مشکل‌ترین قسمت آن بوده‌و دقت‌وامانت‌و حوصله‌مترجم‌شایان کمال تحسین است .

شایدتنهاعیبی که امروز بتوان بر متن کتاب براون گرفت این است که‌در سی‌و چهل‌سال اخیر کشف مـدارك و اسناد و تحقیق‌و مطالعـه آنها مـوجب گردیده که‌تحقیقات خاورشناسان‌اهمیت و تازگی خودرا از دست داده‌است.

مترجم کتاب‌حاضر باتوجه‌به این مسئله ، ترجمه خودرا قبل ازانتشار بنظر اهل فن رسانیده و با استفاده از نظر آقایان‌تقی‌زاده ، فروزانفر ،دکتر یارشاطر اشتباهات متن را جبران کرده و آخرین تحقیقات رابعنوان‌حواشی‌بر کتاب افزوده است تاخوانندگان کتاب بتوانند با اطمینان خاطر از مندرجات آن استفاده نمایند.

در این چند ماهی که‌از انتشارمی گذرد بقدر کافی در مندرجات‌آن‌بحث و انتقاد شده و مادیگر از این بابت نمی‌نویسیم و نقـل عقیدهٔ سه نفـراز دانشمندان اکتفا می کنیم

آقای تقی‌زاده که مطالعات عمیقی در تاریخ وادبیات ایران دارند ضمن نامه‌ای بمترجم چنین می‌نویسد:

«... بدون هیچگونه تعارت و ریا ترجمهٔ جنابعالی فوق‌العاده خوب و عالی وشایستهٔ‌سرمشق بودن است‌و آثار زحمت و نقد جنابعالی بصحت‌و کمال و تتبع عمیق‌درهمه‌جای آن هویداست

...واجب‌تر ومهم‌تر آنکه‌مجلد دوم کتاب‌را هم بزودی ترجمه‌فرمائید که این اثر بزرك اين‌مرد بزرك‌فرشته خصال و قدسی‌صفات که‌بزرگترین‌حق را برگردن ملت ما دارد کاملا کسوت طبع گیرد وعلاوه برمنبع استفادهٔ‌علمی بودن منشأ درس اخلاقی گردد .

من همواره‌دعا کرده وخواهم کرد که آن وجود شریف و پاك نیت



اقای علی پاشا صالح

باسلامت وسعادت تـوفیق اتمام ایـن خدمات وخدمات دیگـری نیز مانند ترجمهٔ کتاب‌اولمستدوغیره‌داشته‌باشید.»

پرفسور آربری خـاورشناس بزرگ وجانشین ادوارد برون در بارهٔ ترجمهٔ‌اثر بزرگ استادخـودنوشته‌است

«... از وصول نسخهٔ جلد اول تاریخ ادبی ایران تالیف ادوارد براون حظ فراوان بردم.

برای توفیق درانجام این ترجمهٔ عالی از صمیم قلب بشماتبریك‌وتهنیت میگویم .

با تکمیل این کار دشوار خدمتی شایان بعالم علم وادب انجام داده‌اید و مخصوصاً یادداشتهای‌شما ارزش‌واهمیت خاصی‌دارد»

آقـای علی اصغـر حکمت

سفیر کبیر ایران درهندوستان ومترجم جلد چهارم کتاب هم نامه‌ای‌به مترجم جلد اول نوشته‌اند (اشاره باشعار جامی مربوط بصفحه ۶۴۳ کتاب ویاد داشتی است که بعنوان اصلاح درمقدمه‌ترجمه آمده‌است)

«... خدا را شکر که زحمات چند سالهٔ‌جنابعالی بحسن‌ختام‌وموفقیت پایان رسید و این اثر مبارك ویادگار نفیس‌وتحفهٔ گرانبها از خامه مشکین آن دانشمندعالیمقام بروزگارباقی‌ماند.

گریهٔ شام وسحر شکر که ضایع نگشت .

قطرهٔ باران ماگوهر یکدانه شد

الحق‌رنج‌بسیار برده‌وزحمت‌فراوان تحمل کرده‌اید وبسیار بسیارخوب از عهده‌برآمده‌اید• احسنت‌وهزاراحسنت !

از اینکـهٔ اشعار فارسی مطلوب بالاخره‌بدست‌جنابعالی افتادخیلی‌مسرور شدم ، این نیز اعجازی دیگراست از حسن نیت مولف ومترجم‌دانشمند •

ولی بنظربنده اشعارمذکورمسلماً از جامی نیست و مرحوم براون را در این باب اشتباهی دست‌داده‌است.

زیراکه : اولاآن قطعه استحکام وسلامت سخنان جامی را نداردوضعف ترکیب وسستی تالیف‌ازآن‌نمایان‌است وظاهراً این قطعه از بعضی از متصوفه اخیر می‌باشد که مرحوم براون‌ندانسته بآن استاد نسبت‌داده‌است .

ثانیا باآنهمه تفحص دقیقی که‌در دواوین متعدد جامی بنده و دیگران بعمل‌آوردیم اگر این قطعه‌ازاو میبود هرآینه درجائی دیده‌میشد •

بهرحال‌مقصودتوئی کعبه‌وبتخانه‌بهانه

هرقدو ازفصاحت ترجمه وبلاغت کلام و شیرینی سخن ولطف تعبیر ومطالعهٔ دقیق وبحث مستدام ومحض و دقت‌کافی جنابعالی در تدوین و تنظیم این کتاب‌شرح‌دهم کم گفته‌ام وحدهمین است سخندانی وزیبائی را . خاصه که کتاب بی‌غلط وظریف ودر کمال‌زیبائی از چاپ درآمده است‌وبرحسن معنوی آن جمال صوری‌نیزافزوده است•

در هرحال خداوند جنابعالی را توفیق دهد که هزاراز اینگونه آثارمفید ازخود بیادگار گذارید .



اعتراف نیمه‌شب-از :ژرژ دوهامل ترجمه ناصر مجد(داستان) ناشرنیل- تهران - چاپ اول - رقعی -۱۶۸ صفحه -۴۰ریال

***

از رابعه‌تاپروین-از : کشاورزصدر ناشر صفی‌علیشاه -تهران چاپ‌اول - رقعی-۲۸۲صفحه،۱۰۰ریال.

احوال زردشتیان ایران - از محمد تقی دامغانی - رقعی ، ۹۲ صفحه ۳۰ ریال

تلخ و شیرین - (مجموعه داستان) ازمحمد علی جمال زاده - ناشر معرفت - رقعی - ۲۰۶ صفحه ۶۰ ریال

***

رازز ندگی دختران-از ناصرایران دوست (اجتماعی) ناشر پاینده - طهران چاپ اول رقعی ۵۵۰صفحه، ۱۰ریال.

راه طی‌شده - (مذهبی) ازمهندس مهدی بازرگان - ناشر معرفت - وزیری - ۲۶۸ صفحه - ۶۰ ریال

***

زبده شاهنامه - گرد آورنده عطاء الله‌روحی کرمانی(ادبی)ناشر ابن سینا- تهران-چاپ اول-وزیری، ۴۰۴ صفحه ، ۱۵۰ ریال.

***

زیباترین‌یاد داشتها و برگزیده اشعار ویکتورهوگو- ترجمه و انتخاب ناصر ایران دوست (ادبی) - ناشر پاینده - تهران - چاپ اول- رقعی۸۰صفحه -۲۵ریال.

رندگانی سید جمال الدین افغانی (!) - ازمرتضی‌مدرسی چهار دهی - ناشر اقبال - ۲۱۱صفحه - ۴۰ ریال

***

فن اداره-از : آلبرت لپاوسکی - ترجمه علی‌اصغر مهاجر -ناشرابن‌سینا تهران -چاپ اول،وزیری-۲۷۰صفحه ۱۲۵ ریال.

***

فن‌اداره امورعمومی -مؤلفین : ه . ا. سیمون : د . و . سمیت‌بورگ، و . ا .تامپسون ترجمه‌علی‌اصغرمهاجر، ناشرابن‌سیناتهران ، چاپ اول ،وزیری ۱۶۲ صفحه ۱۰۰ ریال .

فرهنك امیر کبیر - نـاشر امیر کبیر - تهران - چاپ اول - ۸۱۴ صفحه ۴۰۰ ریال

کاندیدا- (نمایشنامه) ازبرناردشاو ترجمه شجاج‌الدین‌شفا - ناشرمعرفت ۳۰ ریال

***

میشل استروگوف- از ژول ورن - ترجمه نیك پور - (داستان) ناشر اقبال‌تهران -چاپ اول - وزیری- ۳۱۰ صفحه -۶۰ ریال .

کتابهای سخنگو !

روش قرون وسطائی تدریس ریاضی باید منسوخ شود!

این دروس ریاضی هرگز طرز فکر کردن را بشاگردنمیآموزد

دکتر « آرون باکست » معلـم ریاضیات دانشسرای عالـی دانشگـاه نیویورك که چندی مشغول تحقیق در طرز تعلیم ریاضیات دردبیرستانهابوده ، اخیراً مقاله‌ای‌دربن‌باره نوشته که ازنظر تازگی موضوع خلاصه‌آنرا ذکر میکنیم : وی معتقداست که طرزتعلیم ریاضیات درمدارس امروز چندین قرن ازترقی عقب افتاده وقرنها بااحتیاجات امروزفاصله دارددبیران‌ریاضی‌هم‌مشتی کتابهای سخنگوهستند.

او میگوید «بطور کلی تعلیـم و تربیت وفرهنك براسب متحجریونان قدیم سواراست . ریاضیات درخلال دو قرن اخیربیش‌ازمدت بین دورهٔ‌اقلیدس تا۱۷۰۰ بعداز میلاد ترقی‌نموده ولـی این ترقی در برنامهٔ مدارس متوسطـه منعکس‌نیست‌وماهنوزدردورهٔ‌ماقبل‌نیوتن قرار گرفته‌ایم !»

دکتر باکست میگوید«مدارس امروز هندسه‌رابهمان‌نحو تعلیم‌میدهند که اقلیدس در۲۳۰ قبل‌از میلاد تعلیم میداد ، وجبر بهمان‌طریق دوره ماقبل «دکارت» تعلیم‌داده میشود.

تعلیمات ریاضی‌متمرکز درمسائل حسابی بی‌معنی وعاری ازمفهوم است‌از این‌قبیل :

پدری اکنون بیست‌سال بزرگتر ازپسرخود میباشد ،پس ازشش‌سال سن پدر مضاعف سن‌پسر خواهدبود،معلـوم کنیدسن فعلی‌پدررا!»

دکترباکست میگوید : «کیست که اعتنا وتوجه‌داشته باشد باینکه‌سن پدری‌چقدر است وچه‌اهمیتی‌برای کسی دارد که‌سن پدری چقدر باشد . ایـن مسئله چیزی نیست جـز نوعی از روش اسکالستیك (مدرسه‌ای)دست نخوردهٔ قرون وسطی که نسلابعدنسل بمامنتقل گردیده‌است».

هنگامیکه کودك بسن ده‌رسید ، طبق‌فرضیهٔ تعلیم وتربیت ،تحولی‌اسرار آمفز دروجود اوعارض شده حاضراست که هندسهٔ ترسیمی و توجیهی رادرك کند .

آموزشگاه بوالدین میگوید که بوسیلهٔ اثبات قضایای هنـدسی بکودك میآموزیم که چگونه فکر کند .امادر واقع این‌دروس‌هندسه‌نه‌ترسیمی‌وتوجیهی است ونه‌آنکه‌بطفل‌میاموزد که چگونه فکر کند ،»

بعقیده دکترباکست روش‌شایستهٔ تعلیم ریاضی آن‌است که مجموع علوم ریاضی را بصورت یك‌واحد تعلیمـی در آورد ووحدت وترکیب وارتباط شعـب متنوع آنرا ازابتدا نشان دهد. تفکیك جبروهندسه ازیکدیگر وهـر کدام‌را موضوع جداگانه قراردادن ، موجـب ایجاد محدودیت های مصنوعی بوده و بیفایده است.

ده هزار فرانك سویس

این جایزه را سه سال پیش‌یك نویسنده لهستانی گرفت

چند ماه پیش جـامعهٔ اروپائـی ناشران کتاب با همکاری یونسکو مسابقه ای برای انتخاب بهترین کتاب‌ادبی. (داستان‌یاشرح‌حال) ترتیب داد . دراین مسابقه‌نویسندگان کلیهٔ کشورها حق شرکت‌داشتندوآثار با ارزش بهرزبانی که بودپذیرفته‌می‌شد تنها شرط این بود که‌کتاب تا کنون بهیچ زبانی چاپ نشده وشایسته‌ترجمه بچندین زبان باشد واز۲۰۰تا ۴۰۰ صفحهٔ‌ماشین‌شده کمتر نباشد. مهلت‌قبول آثاردر۸- آذرماه (۳۰ نوامبر)پایان پذیرفت واکنون داوران مسابقه که از دانشمندان و سخن شناسان معروف اروپا هستندآثاررسیده‌را برسی میکنند نتیجهٔ مسابقه در ۲۴ خرداد ۱۳۳۵ (۱۵ ژوئن ۱۹۵۶) اعلام خواهدشد و ده‌هزارفرانك‌سویس‌برنده مسابقه‌پـرداخت‌خـواهـد گردید،والبته نویسنده کتاب از حق‌التألیف‌مناسبی هم استفاده خواهد کرد سه سال پیش‌این مسابقه برای نخستین بارترتیب‌داده شد و«تسخیرقدرت » اثرچسلاومیلـوچ تـویسندهٔ لهستانی‌برنده‌جایزه گردید که تا کنون‌بدوازده‌زبان‌ترجمه‌ومنتشر شده است

جای تأسف است کـه در ایـن مسابقه کسی‌ازنویسندگان‌ایرانی‌شرکت ننموده است .

دواشتباه درشاهنامه

فردوسی - یاکسی‌که پیش از او شاهنامه را بنثرجمع کرده است - اسکندر را بعد ازعیسی فرض‌میکرده زیرا میگوید : « برعلمهای لشگر او نوشته بود « محب‌الصلیب »

ونیز میگوید وجه تسمیه سلم پسر فریدون بااین‌اسم این بود که او بسلامت از اژدها جست(که لازمه‌اش این میشودکه در عهد فریدون هـم کلمات عربی در فـارسی مثل حالا فراوان بوده !)

از یادداشتهای مرحوم قزوینی

بقلم آقای دکتر رضازاده شفق

بیاد دهخدا

در این روز های اخیر مرگ دو دانشمند نامی ایران یعنی مرحوم عباس اقبال آشتیانی ومرحوم علی اکبر دهخدا بدون تردید خسارتی جبران ناپذیر نسبت بعالم فرهنگ ایران وارد آورد وقلوب کسانی را که بدانش و فرهنگ تعلق خاطر دارند سخت اندوهگین ساخت . مرگ حق است و مفری از آن نیست خوشا بحال این بزرگان که آثاری گرانبها و جاودان از فضایل خود بر صفحات کتب و در قلوب مردم دانش دوست نهادندواز این حیث نه تنها در عالم ارواح زنده اند بلکه درین جهان فانی هم نامشان زنده خواهد ماند .

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

انصافا این بیت سعدی و دو بیت ذیل ابن المعتز را که مرحوم اقبال علاقه خاص باو داشت درحق هر دو دانشمند فقید توان گفت :

لم تمت انت انما مات من لم
یبق فی المجد و المحامد ذکرا
لست مستقیا لقبرك غیثا
کیف یظما وقد تضمن بحرا

موقعی که دوست دانشمند محترم آقای دکتر مصباح زاده ازمن شرحی در باب مرحوم دهخدا خواستند اول در اجابت خواهش ایشان تردید پیدا کردم زیرا با اینکه سالها پیش با آن مرحوم ارتباط داشتم و از مصاحبهٔ اوکسب فیض میکردم در سنوات اخیر بحکم اینکه روزی در مجلس از تاخیر چاپ فرهنگ شکایتی کرده بودم با حساسیت شدیدی که داشت ازمن رنجیدگی پیدا کرده و معاشرت ما ترك شده بود و اکنون که آن مؤلف بزرگ و شناور قهرمان دریای بیکران ادب ایران سر از زیر خاك کشید کسانی از دانشمندان که مانند آقایان سید محمد هاشمی و دکتر محمد معین با او همکاری ادبی و مفاوضات علمی داشته اند میتوانند در اثبات حق موضوع را اداکنند آنچه من در این مختصر توانم گفت مشاهداتیست چند که از نزدیك یا دور راجع به شخصیت و کار آن مرحوم تاثیراتی در ذهن من باقی گذاشته است .

دهخدا بهمان اندازه که مانند اغلب مشتغلین بامور علمی و ذوقی حساس و زود رنج بود همان اندازه هم در مواقعی مانوس وخوش صحبت ومهربان بود هروقت امنزل او میرفتید میدید مردی وارسته در لباس خانگی روی تشکی نشسته و دور تا دورش را کتاب های متفرقه گرفته و یک فنجان قهوه بایک زیرسیگاری و یك دوات وچند بسته کوچك کاغذ که روی آنها لغت ها را یادداشت میکرددم دستش قرار گرفته .وقتی سر حال بود فورا و با خوشروئی ازمطالعات و اکتشافات خود سخن بمیان می آورد و نظر خودرا که غالبا پخته و ورزیده بود اظهار می داشت و شواهدی ذکر میکرد و بسا میشد دامنه صحبت بدرازا میکشید و موقع ناهار یا شام فرا میرسید و او مهمان خود رابا اصرار نگه میداشت وغذائی ساده که غالبا خوراك عمده آن «شامی» بود می آوردند و باخوشی و شوخی صرف میشد .

از خواص او حدس مبتکرانه در اصل و ریشه لغات بود و دراین باب الحق بحدی مهارت داشت که بسا با نیرو و بسط خیال و جودت ذهن و قوهٔ نظر ازراه فرض و قیاس و تمثیل بنتایج مفید میرسید و از این لحاظ تتبعات او در اشتقاق بخصوص کوشش او درپیدا کردن امثله وشواهد الحق قابل هرگونه تحسین است .

از صفات دیگر او ثبات او درکار و استمرار در تحقیق بود چنانکه قریب سی سال روزگار عمر خود را بدون وقفه واز صبح تاشام دراطاق کارمیان کتابهای خود صرف کرد و تمام تفریحات وگردش و ملاقات ومهمانی ومسافرت و نظایر آنرا فدای کار مطالعه و تالیف نمود .

ودر چنین استقامت و پایمردی و مساعی خستگی ناپذیر یك عمر است که بزرگترین اثرخود را در فرهنگ فارسی که خود آن را «لغت نامه» نام نهاد بوجود آورد وصدهزارها لغت فارسی وعربی را که برای مطالعه کنندگان ادبیات ما مورد حاجت است با تحقیق و تنقیح واقفانه گردآورد و بدون شك یکی از اقدامات مفید مجلس شورای ملی تعهد چاپ این تالیف منیف است که در گذراندن قانون آن مرحوم دکتر زنگنه وچند نفر دیگر که یکی هم نویسندهٔ این سطور باشد مقدم بوده اند .

باتمام انتقاداتی که نسبت بکتاب مزبور وطریق تدوین آن توان کرد ارزش بزرگ ادبی آن مسلم و محرز است تابجائیکه در نوع خود بی نظیر است واگر انشاالله با پشتیبانی مجلس ومجاهدات همکاران دانشمند او طبع آن پایان یافت بلاشك در ردیف امهات کتب ادبی ایران بلکه کلیه عالم اسلام قرار خواهد گرفت ودرجرگه تالیفات بزرك اسلامی مانند تاریخ طبری و اغانی ومعجم الادبا و انسکلو پیدی و نظایر آن جا خواهد داشت .

با اینکه دهخدا تقریبا بکلیهٔ کتب لغت ازفارسی وعربی وچاپی و خطی دسترس داشت هرگز اکتفاء بآنها نمی کرد بلکه تالیفات فارسی راازنظم و نثر باحوصله ای غریب و مداومتی عجیب مطالعه مینمود وغث وسمین را از هم جدامیکرد واغلاط وتصحیفات وتحریفات را درنتیجه کوششهای بلا انقطاع وتحملگرای خود روشن میساخت الحق کار استاد ازین حیث ویعنی مطالعه متون برای اهل زمان که مطالبی را با مراجعه بفهرست کتب بطور ناقص و مستعجل از نظر میگذرانند سر مشق عبرت بود .

مرحوم آنچه بیشتر میخواند بیشتر بوجود لغات وامثال برمیخورد وشگفتی واحترام او نسبت بوسعت ادبیات فارسی فزونتر میگشت وعشق وهوشش در توسعه کار بالاتر میگرفت .

همه دوستان دهخدا و آگاهان از عظمت کار او آرزو داشتند چاپ در زمان حیات مولف پایان پذیرد و درعین حال بااطلاعی که ازجریان کار داشتند ازعملی شدن این آرزو نگران بودند . دریغا ودردا که این نگرانی بیجا نبود واستاد دهخدا حاصل یکعمر خود رادرو نکرده ازاینجهان گذران درگذشت با مسئلت رحمت الهی بروح آن دانشمند نامی جمله دعامیکنند مگر طبع کتاب بزرك او انجام یابد که در اینصورت بیقین روح او شاد و دل باقی ماندگان وخویشان محترم وهواخواهان علم وادب تسلیت یاب خواهد گشت.

دریکی دوملاقات که اخیرا بادانشمند محترم آقای هاشمی دست داد ایشان اظهار امیدواری میکردند که تسریع چاپ «لغتنامه» مورد توجه مجلس است وآقای دکتر معین دراینباب بذل مجهود خواهند فرمود . بخصوصکه خود مولف فقید این وظیفه سنگین را بایشان احاله کرده است . انشاالله درین اقدام مهم سودمند توفیق رفیق ارباب همت خواهد بود .

این مرگ بزرگان سزاوار است که موجب انتباه ما بازماندگان شود ودر بقیه این عمر کوتاه برخیزیم وبخدمت وکار وکوشش ونیکی عزم کنیم وهمت والای آن بزرگمردانرا سر مشق خود قرار دهیم وحقد وحسد را ازلوحه دل خود بیرون کنیم و به همکاری و خیر خواهی بگرویم که عنقریب روزگار ما نیز بپایان خواهد آمد.

حدود دوازده سال پیش بود که یك انجمن ادبی درحضور شاهانه تشکیل میشد و چهره های آرام اعضای دانشمندان انجمن اکنون پیش چشم منست ونخبه آنان یعنی حاج نصرالله تقوی ومیرزا محمد قزوینی ودکتر غنی وعلی اکبر دهخدا درین مدت کوتاه ازین سرای رخت بر بستند و بکاروان بیکران گذشتگان پیوستند وآنچه باقیست حق است وحقجولیست.

تو بمان ای آنکه چون تو پاك نیست!

دهخدا و فرهنگ ا...

مردی که «چرندوپرند» معروفش کرد ... و
رضاشاه از دهخدا خواست که ... نبا...

در پاریس بجای شام وناهار شاه بلوط می...
مجلس انتخاب ...
محمد قزوینی اثاث خانه دهخدا را جمع ک...
کرده ام که مرا د... ع...

لغت نامه دهخدا کامل ت...

دهخدا بدکتر معین وصیت کرد :

لغت نامه رادینا چاپ کنید حتی ...
شش سال دیگر چاپ فرهنگ دهخدا پایان ...
نامه تاکنون دوهزار دوره ...
مردی که دهخدا سماورش راآتش , میکرد و ...
را جارو می کرد - وصیت نامه ای که د... صنا...
اساسی نگاهداری ...

۷۸ سال پیش در خانه خانبابا خان از ملاکین قزوینی در تهران کودکی بدنیا آمد که نامش را علی اکبر — گذاشتند .

هنوز علی اکبر بیش از ده سال نداشت که پدرش درگذشت واو باتوجه مادر بتحصیل ادامه داد .

نخستین استاد

اولین معلم میرزا علی اکبرخان « شیخ غلامحسین بروجردی » بود .

دهخدا حق این استاد را تابالین مرگ هم فراموش نکرد وهمیشه میگفت «هرچه دارم از او دارم ».

شیخ غلامحسین در مدرسه حاج شیخ هادی درخیابان شیخ هادی حجره ای داشت مردی بی آلایش و پرهیزکار و قانع بود و با روزی شش شاهی زندگی می کرد و مجانا تربیت دهخدارا برعهده داشت .

دهخدا هم بطرز شاگردان قدیم خدمت استادرا بجان و دل انجام میداد خودش نقل میکرد که «صبح زود بخانه شیخ میرفتم ، سماورش راآتش میکردم گوشت میخریدم و برای ناهار او بار می گذاشتم حجره اش را جارومی کردم و اینهمه کارها برای من ملاکزاده لذتی افتخارآمیز داشت».

تحصیلات عالیه

بعد از افتتاح مدرسه سیاسی در تهران دهخدا در آن مدرسه مشغول تحصیل گردید .

درآنجا محمدحسین خان فروغی ذکاءالملك (پدرمرحوم فروغی معروف) معلم ادبیات فارسی بود. فروغی باستعداد دهخدا پی برده بود وغالبا تدریس را برعهده او میگذاشت .

در ۲۵ سالگی همراه معاون الدوله غفاری باروپا رفت و دوسال در « وین » زبان فرانسه و معلومات جدید را تکمیل کرد .

وقتی که بایران باز گشت انقلاب مشروطیت آغاز شده بود.

دهخدا باهمکاری مردی رشید و ازجان گذشته بنام «میرزا جهانگیرخان» ومرحوم «قاسم خان» روزنامهٔ صوراسرافیل را منتشر کرد .

«چرند وپرند» معروفش کرد .

ستون فکاهی و انتقادی شیرینی که بنام « چرند وپرند » و بامضای « دخو» می نوشت سر آغاز شهرت دهخدا گردید .

روزنامه صوراسرافیل خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود و ۳۲ شماره بیشتر انتشار نیافت .

میرزا جهانگیرخان کشته شد ، استبداد غلبه یافت ، دهخدا باروپا تبعید گردید .

روزهای پاریس

دهخدا ابتدا بپاریس رفت ومدتی در آنجا اقامت گزید . این مدت از نظر مادی سخت ترین سالهای زندگانی دهخدا بود .

طبیعی است یك تبعیدشده سیاسی که حکومت استبدادی تشنه خونش بود چه روزگاری می توانست داشته باشد . دهخدا خاطره ای از این روزهارابشرح زیر برای آقای دکتر معین نقل کرده است .

« .. درآن روز ها هیچ پولی از ایران بمن نمی رسید . ناچار با روزی یك سوی فرانسه (که معادل یکشاهی آن روزبود) زندگی میکردم . با این یك شاهی شاه بلوط میخریدم و بجای شام و ناهار میخوردم.

یك روز صبح از شدت گرسنگی و ضعف نتوانستم از تختخواب پائین بیایم . دراین حین نامه رسان پست آمد ویك بسته کتاب و یك نامه از ادوارد براون خاورشناس انگلیسی برای من آورد .

براون کتابهارا بمناسبت عید نوروز بمن هدیه کرده بود .

نامه براون را باز کردم نوشته بود : من و شما هردو در راه آزادی می جنگیم اجازه بدهید مبلغ مختصری لیره برای شما بفرستم .

درجواب نامه براون نوشتم شما از کجا فهمیدید که من چیزی ندارم ؟ الحمدالله زندگانی من کاملا رو براه است وبهیچوجه بکمك ومساعدت مادی احتیاجی ندارم .

قزوینی اثاث منزل دهخدارا جمع کرد

در همان ایام دهخدا غالب روزها ها را بمعاشرت با محمد قزوینی می گذرانید . منزل این دوفاصله زیادی ازهم داشت و قزوینی از این راه دور هر روز بدیدار همشهری دانشمند و مبارز خودمیرفت .

یك روز صبح دهخدا چشم از خواب باز کرد و در همان حال نیمه خواب ونیمه بیدار دید که اطاق وهمه اثاث راجمع کرده اندوفقط او ورختخوابش مانده است .

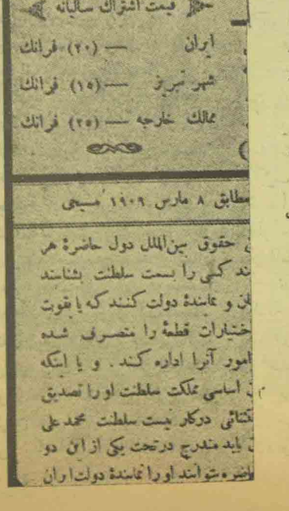
در گوشهٔ اطاق چشمش بمیرزا محمدخان افتاد که مشغول بستن اثاث بود. میرزا محمد خان درآن وحشت و حیرت دهخدا با تعرض و خشونت گفت :

این چه عذابی است که نصیب من کرده ای ودراین جای دورمنزل گرفته ای . من چه گناهی کرده ام که هرروز باید دو کیلومتر راه بیایم تا بتو برسم .

پدرم را درآوردی . وحالا چاره ای نیست باید بعد از این در منزل من و با من باشی .

محمد قزوینی که بتنگدستی دوست خود پی برده بود میخواست دوستانه باو کمکی بکند وازرنج معیشت نجاتش بدهد ولی از مناعت طبع وعزت نفس او اطلاع داشت و میدانست که اگر بطورصریح پیشنهاد کند دهخدا نخواهد

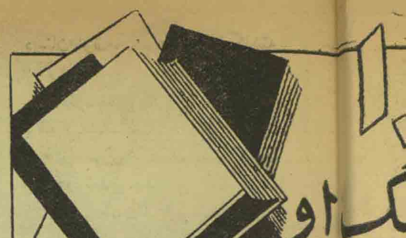



قیمت اشتراك سالیانه
ایران — (۲۰) فرانك
شهر تبریز — (۱۵) فرانك
ممالك خارجه — (۲۵) فرانك

مطابق ۸ مارس ۱۹۰۹ مسیحی

... حقوق بین الملل دول حاضرهٔ هر
...ند کسی را بسمت سلطنت بشناسند
...ان و نمایندهٔ دولت کنند که یا بقوت
...ختیارات قطعهٔ را متصرف شده
...امور آنرا اداره کند . و یا اینکه
... اساسی مملکت سلطنت او را تصدیق
...نتائی درکار بست سلطنت محمد علی
... باید مندرج درتحت یکی از ان دو
...اضره نتوانند او را نمایندهٔ دولت ایران

سرلوحه روزنامه صوراسرافیل



ش کردب وروزسیگارمیکشید ولغت‌نامه مینوشت
ت‌که‌ن نبالهٔ «چرند پرند» رابنویسد
شاه بلوط میخورد ـ در استانبول بنمایندگی،
جلس انتخاب شد
خدا را جمع کرد وبرد وباو گفت من‌چه‌گناهی
ه مرا دچار عذاب کرده‌ای

کامل‌ترین فرهنگ فارسی

پ کنید حتی اگر سراپا غلط باشد

دهخدا پایان می یابد – ازچهار هزار دوره لغت‌
هزار دوره بفروش رسید است
ش ، میکرد ودیزیش را بارمیگذاشت وحجره‌اش
ه‌ای که در صندوق نسوز مجلس درکنار قانون
ی نگاهداری میشود

پذیرفت .

این بود که دهخدا را دربرابرکار انجام شده قرار داد وضمناًاین‌نقل‌مکان را بخاطر نفع خود قلمداد کرد ومنت آنرابر گردن گرفت .

چندی بعد دهخدا بسویس رفت ودر «ایوردن» سویس نیز سه شماره از صوراسرافیل‌رامنتشر کرد.

در سومین شماره این دوره مرثیه سوزناك ولطیفی راکه در مرگ دوست وهمکار شهید خود میرزا جهانگیر-خان سروده بود منتشر کرد که مصرع معروفش این است : یادآرزشمع مرده یادآر. خود دهخدا عنوان‌آن‌مرثیه را چنین گذاشته‌است . «وصیت نامه دوست یگانه من ، هدیه برادری بیوفا بپیشگاه‌آن روح‌اقدس واعلی »اینمرثیه از لطیف‌ترین اشعار زبان فارسی است ومرآغاز شیوه‌ای درزبان‌فارسی بشمار می رود که بنام « شعرنو » شهرت دارد .

نمایندگی مجلس

دهخدا بعد از چندی با ستانبول رفت و١٤شماره روزنامهٔ سروش‌رامنتشر کرد.

وقتی که مجاهدین تهران را فتح کردندومحمد علی میرزا خلع گردید دهخدا از تهران و کرمان‌بنمایندگی انتخاب شد و بتهران آمد و ازآغاز جنگ اول جهانی ازکار های سیاسی کنار گرفت و خدمات فرهنگی را آغاز کرد.

رضا شاه گفت

وقتی که اعلیحضرت شاه فقید بسلطنت‌رسید روزی دهخدارا خواست وباو گفت علاقه دارم که دنبالهٔ مقالات «چرند وپرند» را بنویسی .

دهخدا گفت اجرای اوامر اعلیحضرت باعث افتخار من است ولی بایدعرض کنم قلمی که چرند وپرند را با آن نوشتم قلم انقلابی تندی بود که برای‌تخریب‌مبانی‌بیدادوستم‌استبداد بوجودآمده بود .

حالا آن اساس درهم ریخته و از میان رفته آن قلم راهم نباید در این دوره بکار انداخت .

رضاشاه گفت راست میگوئی حق بانست . حالا بایدکار مثبت انجام داد. برو در دانشکدهٔ حقوق خدمت کن . ازآن ببعددهخدا سالهاریاست دانشکده حقوق راداشت .

آثار دهخدا

بعد از « لغت‌نامه » معروف‌ترین ومهم ترین اثر دهخدا چهارجلد«امثال وحکم » اوست که کلیهٔ ضرب‌المثلهای زبان فارسی را با اشعارفراوانی جمع-آوری نموده است .

در دیوان ۷ نفر ازشعرای بزرگ (ناصر خسرو ، سید حسن غزنوی ، فرخی ، مسعود سعد، حافظ وسوزنی) تصحیحاتی کرده که بعضی از آنها چاپ‌شده‌ومهم‌ترازهمه دیوان‌منوچهری دامغانی را بطور کامل‌تصحیح کرده‌است که امید است بزودی بهمت‌آقای‌دکتر معین چاپ گردد.

دو کتاب «روح‌القوانین»مونتسکیو و « عظمت وانحطاط رومیان » را در جوانی ترجمه کرده ولی هنوز چاپ نشده است .

فرهنگ جامعی از لغات فرانسه بفارسی تالیف نموده و اداره لغت‌نامه مشغول مطالعه برای چاپ آن است و در صورت انتشار کمك بزرگی برای مترجمین خواهد بود .

آقای‌دکتر معین بزودی مجموعه کاملی از « چرند وپرند » وسایرآثار دهخدا منتشر خواهد کرد .

شعر دهخدا

دهخدا گاهی از راه تفریح و تفنن شعر هم میسرود و «مجموعه‌اشعار دهخدا » شامل ۸۰۰ بیت‌باهتمام‌دکتر معین منتشر گردیده است دراین میان لطیف‌ترین آنهاآثار دورهٔ جوانی‌اوست و شاهکار آنها مرثیه میرزا جهانگیر خان است .

پدر لغت‌نامه

دهخدا فرزند نداشت . تازنده بود بعشق لغت نامه میزیست سیگار میکشیدولغت‌نامه‌می‌نوشت‌غالباکارخودرابا کارفردوسی‌مقایسه‌میکردومکررمیخواند « عجم زنده کردم بدین پارسی » بعد از لغت نامه بیش ازهمه چیزوهمه کس بدکتر معین علاقه داشت که وجود او را درحیات خود وبعد از خودموجب تکمیل لغت نامه میدانست . دهخدا بارها میگفت : « من دوفرزند دارم ، یکی لغت نامه یکی دکتر معین! »

بزرگترین فرهنگ جهان

لغت نامهٔدهخدابزرگترین‌فرهنگ زبان‌فارسی‌و ازآثار کم نظیر جهان در رشته لغت‌نویسی‌است‌دوره‌کامل این کتاب درهفتادجلد و بیست هزار صفحه‌شامل بیست میلیون سطر و صدمیلیون کلمه خواهد بود.

در دی ماه سال ١٣٢٤ قانونی بتصویب مجلس رسیدو چاپ فرهنگ دهخدا در چاپخانه مجلس بخرج‌دولت آغاز گردید.

در این ده سال نزدیك یك سوم لغت نامه در ٢٢ جلد و ٤١٤٣صفحه بزرگ سه ستونی بقطع رحلی (اندکی کوچکتراز کیهان فرهنگی) شامل پنج میلیون سطر و تقریباً سی ملیون کلمه چاپ‌شده است.

تاشش سال دیگر

با مرگ دهخدا نه تنها چاپ و انتشار اثر جاودانی او متوقف نخواهد شد بلکه با سرعت بیشتری ادامه خواهدیافت . آقای دکترمحمد معین استاددانشگاه که ازسالها پیش معاونت دهخدارا درکار تهیه‌و تنظیم لغت‌نامه داشتند و اینك‌ریاست‌علمی‌هیئت چاپ لغت‌نامه‌رادارد بخبرنگار ما گفت که امیدواریم تا سال ١٣٤٠ (شش سال دیگر)کار چاپ این‌شاهکاربشری‌رابپایان رسانیم .

آقایان پروین گنابادی ، سید جعفرشهیدی : علینقی‌منزوی ،محمد دبیر سیاقی در کار تنظیم و چاپ لغت نامه با دکترمعین همکاری دارند.

فرهنگ دهخدا کاریك سال ودو سال‌نیست . درست پنجاه سال پیش دهخدادست بتهیه‌موادابن دائرة‌المعارف زد . در این نیم‌قرن د. ها نفر درتهیه فیش‌هاواستخراج‌لغات‌و کلمات‌باو کمك کرده‌اند.

روش‌کار این بود که کلیه کتابهای لغت فارسی و عربی و متون نظم ونثر بیرون کشیده در روی فیش هائی نوشته‌اند و هنگام تنظیم معانی متعدد لغات‌ازفرهنگها‌استخراج وبایادداشتهای دهخدا مقایسه‌می‌شود.

چرا کاربکندی پیش‌میرود

گاهی‌این‌سوال‌پیش‌می آید که‌چراچاپ لغت نامه بکندی پیش میرود و بعضی خیال میکنند لغت‌نامه کاملا آماده است فقط باید چاپ شود . این خطاست.

خود دهخدا گفته است که من پنجاه سال گذشته‌فقط نصف کاررا‌انجام داده‌ام و نصف‌کار باقی است و آن‌تنظیم یادداشتهاو فیشها است که بوسیله دکتر معین‌انجام میگیرد.

کلیه لغات عربی و فارسی

لغت نامه دهخدا لغات زبان فارسی و لهجه های محلی ایرانی و کلماتی را که اززبانهای‌هندی‌وترکی و مغولی و روسی وانگلیسی‌و فرانسه‌و غیره وارد زبان فارسی شده شامل است.

ولی‌اززبان عربی کلیه لغات حتی کلماتی راکه در کتب‌لغت عربی‌نیست جمع آوری کرده‌اند .این‌کارشاید‌برای فارسی‌زبانان کار بیهوده‌ای باشد اما دهخدا منطقی‌دراین‌کارداشت که‌شنیدنی است.

او میگفت : ما که تمام متون نظم و نثرفارسی را در دست نداریم که بدانیم‌چه‌مقدار لغات‌عربی درزبان‌فارسی هست و سایر لغات عربی رادرفرهنگ نیاوریم.

ممکن‌است‌درآینده کتب فارسی‌دیگری کشف شود و لغات عربی دیگری در آن‌ها باشد وچون من‌لغت‌نامه را فقط برای امروز نمینویسم بلکه میخواهم‌تا جهان هست وزبان فارسی هست کلیه احتیاجات فارسی زبانان را بر طرف کند هیچ کلمه عربی‌را نمی‌توانم ترك نمایم .

این سلیقه‌مخصوص دهخدا،موجب گردیده که لغت نامه او برای جهان عرب نیز ارزش فوق‌العاده‌ای یافته‌است وعربی‌زبانان‌می‌توانند باترجمه‌قسمتهای مربوط بزبان خودجامع‌ترین‌ودقیقترین لغت عربیرا بدست‌آورند .

دویست‌هزار بیت شعر

یکی‌ازعلل اهمیت‌وارزش‌فرهنگ دهخدا کثرت شواهد آن است مثلا دویست‌هزاربیت‌شعر بعنوان‌شواهدلغات جمع‌آوری شده‌است.

فرهنگهای دهخدا

روزیکه چاپ فرهنگ دهخدا پایان یابد تازه ابتدای یکرشته‌کارهای فرعی‌ولی‌مهمی خواهد بود . باین ترتیب که لغت‌نامه را بانواع‌مختلف‌مثل فرهنگهای‌خارجی خلاصه نمایند وهمچنین فرهنك های رشته‌ای(علمی – فنی – کشاورزی- قضائی ...) استخراج ومنتشر نمایند .

استقبال خریداران

بااین که کتاب‌های بزرك‌و گرانبها مشتری زیادی ندارد و درباره فرهنگ آگهی و تبلیغی نشده است خریداران زیاد وبیش‌ازحد انتظاربوده‌است‌بطوری که از ٤٠٠٠ دوره که چاپ میشود تا کنون‌بیش ازدوهزار دوره‌بفروش‌رسیده است . اخیراً تصمیم گرفته شد که‌اداره لغت‌نامه آن‌راباصدی‌ده‌تخفیف بعلاقمندان بفروشد .



از آخرین عکسهای دهخدا

وصیت‌نامه دهخدا

دهخدا که تاآخرین لحظه‌حیات درفکرلغت‌نامه بود این‌وصیت نامه را خطاب‌دکترمعین‌نوشته است:

« دوست اعز ارجمند من آقای دکترمعین ، بورثهٔ خود وصیت میکنم که تمام‌فیشهارا بمجلس بدهندوایشان باآن دیانت ادبی که دارندهمه‌آن‌هارا عیناً بچاپ رسانند ولو این که سرا پا غلط باشد وهیچ جرح و تعدیلی روا ندارند »

نسخه اصلی این وصیت نامه در صندوق نسوز مجلس جزو اسناد رسمی ملی‌ودر کنارنسخه‌اصلی‌قانون‌اساسی‌ایران نگاهداری میشود.

سه‌ملیون ونیم فیش

طبق همان وصیت نامه کلیهٔ سه میلیون‌ونیم‌فیش‌لغت‌نامه بمجلس منتقل شد وبزودی درقفسه‌های‌آهنی‌مستحکم طبقه‌بندی میشود .

کتابخانه دهخدا

« اداره لغت نامه » کتابخانه مخصوصی برای خودترتیب‌داده که‌مرتباً تکمیل میشود . طبق وصیت دهخدا کتابخانه شخصی اوهم که دوهزار جلد کتابهای نفیس‌فارسی‌وعربی ونسخ‌خطی کم‌نظیر دارد تاپایان چاپ لغت‌نامه در اختیار هیئت چاپ خواهدبود وبعد از آن مجاناً بدانشگاه تهران هدیه میشود .

آخرین نوشته دهخدا

درآخرین هفته زندگی، دهخدا مراتب قدرشناسی خود را ضمن نامه‌ای بفرزند معنوی وبهمکار جوان‌خوددکتر معین استاد دانشگاه ورئیس علمی‌وفنی لغت‌نامه نوشته است که‌عین آن نقل می‌شود .

آخرین نوشته

بسم‌اله وله‌الحمد

آقای‌دکتر محمدمعین که‌در کمال فضل واتقان ادب مستغنی ازتوصیف‌اند وبحقیقت میتوان گفت مصداق‌بارزی، از قول شاعرهستند که گوید: واذاستطال-الشی قام‌بنفسه و آثار مطبوع ایشان بهترین معرف علمی‌اوست ، ازدوستان دیرین ویاران وفاداری هستند که از آغاز طبع لغت نامه الی‌الحال با من بوده‌اند وبانهایت تقوای ادبی وامانت‌و دقت‌علمی درکار تنظیم مطالب وتصحیح ومقابله و ترجمه وامور دیگر وظیفهٔ خودرا انجام داده وجهد وافر مبذول داشته‌اندشکر‌المساعیه وقربه‌عین‌الادب و عیون ذوی الاداب بتاریخ اسفند ماه ١٣٣٤.

علی‌اکبر دهخدا

گله

از دهخدا

غمزه غمزدا داری
نکهت جانفزا داری
لیك قصد جفا داری
راهی اربا خدا داری
بس کن از این جفاکاری

تا بکی در جگر خوردن
چند ازاین کینه پروردن
درستم پای بفشردن
بوسه بر دوست بشمردن
خستگان را دل‌آزردن ؟

دربراحباب بستن‌چیست ؟
بارقیبان نشستن چیست ؟
ازحبیبان گسستن‌چیست ؟
عهدبستن،شکستن‌چیست؟
بسته خویش‌خستن‌چیست؟

این نه‌مو،لشکرزنگ است
این نه‌رو ،نقش‌ارتنگ‌است
این نه‌بو، گل بفرسنگ‌است
این نه‌رنگ‌است،نیرنگ‌است
وین نه‌دل، کاهن‌وسنگ‌است

برچمن ابر در بار است
باغ را گل بخروار است
حسن را روز بازار است
عشق را کار پرگار است
این چه‌هنگام‌بیکار است؟

چهرهٔ مردمی زرد است
مهررا دیگدان سرداست
این نه غوغای ناورد است
داندآن کش‌بدل‌درد است
شهسواری دراین گرداست

در اینجاها، همیشه گوش بزنگ هستند!

این زنگ آغاز اولین نمایش را در ایران اعلام کرد

ومدتی عضو حزب بوده واینك ..

زنگی که خود بخود زنگ میزند ولی اتوماتیك هم نیست

دبستانی که زنگ نداشت

این زنگ به یك محصل نمرهٔ بیست داد

خاطرات زنك ـ بهترین زنگها ـ زنك شکم

راه‌حلی که این دانش‌آموز خردسال برای زنك پیدا کرد!

دنگ!... دنگ!... دنگ!...

چکش به تکه‌ی آهنی میخوردو صدائی بر میانگیزد، این صدا درعین سادگی ویکنواختی برای دانش‌آموزان معانی مختلفی دارد گاهی محیط مدرسه را در جنجال غریبی غوطه ور مینماید و زمانی سکوت وآرامش را برآن سایه افکن میسازد.

گوش، بزنگ!

... از اینرو معلم وشاگرددائما «گوش بزنگ» هستند تاکی زنگ بصدا در آید تاآنان شروع بکار کنندیا دست ازکار بکشند.

گاهی ساعت هشت و نیم صبح یادو ونیم بعد ازظهر کودکانی‌را می‌بینید که درکوچه و خیابان میدوند اینهاصدای زنگ شروع درس را شنیده‌اند

گاهی هم«جرس فریادمیدارد که بربندید«مکتب‌ها»! آنوقت سیل دختر و پسر درکوچه و خیابان موج میزند.

بلای زنگ

سالها پیش که بازارسیاست گرم بود، دردانشکده‌هادرساعت‌درس، ناگهان یکی‌از دانشجویان‌زنگ‌رامیزدودیگران درس استادرا رهامیکردند و از کلاسها بیرون می ریختند و تظاهرات آغاز میشد.

خاطرات زنگ:

زنگ هر مدرسه ای



زنك شکم

خاطره زیاد دارد که اگر زبان‌داشت می‌توانست داستانها برای‌شما بگوید

اوبارها دیده است که‌محصلین‌در ایام‌پر اضطراب امتحانات چه‌قیافه‌هائی داشته‌اند وچگونه درگوشه دیواری«کز کرده» باشتاب و نگرانی اوراق کتاب را ورق میزدند.

وقتی‌وزیروقت‌برای‌سر کشی بمدرسه می آید، چگونه همهٔ‌جارا می‌آراستند و برای حفظ ظاهر اورا هم رنگ می کردند!

چگونه محصلین درزنگهای‌تفریح گاه با«گوبخند» و تعریف موضوع فیلمها یا تفسیر جریانات«بعقل‌خود»روز را میگذرانیدند.

آن محصل تنبل که«نت»های‌خود را مرتب‌میکردومیخواست‌بجلسه‌امتحان برود، آنکه دیررسیده‌بودوبلاتکلیف و مضطرب در محوطه مدرسه قدم‌میزد خاطراتی درسینه زنگ‌بیادگارنهاده‌اند.

ازصابح معلمین، کتك کاریهای محصلین، عیدی جمع کردن فراشها، نخستین و آخرین روز مدرسه، جشنها انجمنها ،. ازهمه چیز خاطراتی‌برای زنك‌ها .ده است.

اینهم‌زندگی

اختصاص‌زنگ

این‌زنگ‌بیچاره، بیش‌ازهمه کس« کتك میخورد» و فقط‌روز های‌تعطیل‌از کتك خوردن معاف است.

احتیاج‌به لباس ندارد‌میدانید که گرمای‌تابستان‌وسرمای زمستان‌برای‌اویکسان‌است. غذا‌نمیخواهد زیرا شکمی نداردهرگز «بازنشسته» نمیشود زیرا اگر فرسوده و اسقاط وقطعه قطعه‌هم‌بشود، بازتاصدای او شنیده شود، دست‌از گریبانش برنمیدارند.. حقوق و «یك‌دوازدهم» و ترمیم‌ورتبه‌و۲۲ساعت کار و سایر حرفها برای‌اووجودندارد... و روبهمرفته موجود خوشبختی است.

نامی که‌ورد زبان‌هاست

اگردقت کرده باشید، محصلین بجای‌آنکه بگویند این ساعت‌چه‌داریم؟ میگویند «این‌زنك» چه داریم؟ !ودرسها رابنام‌زنگهامیخوانند و میگویند زنگ عربی، زنگ جبر، زنگ ورزش ...

پس اگر بشرلفظ«من» رابیش از هر کلمه‌ای‌تکرار میکند این ابناء بشر لفظ زنگ را پیش‌از هر کلمه ای بر زبان می‌آورند.

زنگ درهمه جا جادارد

زنگهادرهر مدرسه‌ای‌موضع مخصوصی را اشغال کرده‌اند بعضی از آنهادر کنار دیوار برخی‌برای‌آنکه‌دردسترس نباشند!



این زنك تاریخی

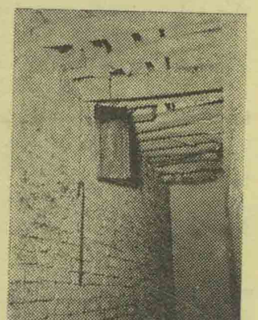
مثل‌زنك‌دبیرستان کوشش‌در سقف‌وبعضی بدرخت آویخته شده‌اند

جای‌بعضی‌نزدیك‌اطاق‌محقر‌فراشها وبعضی‌در مجاورت گلها و سبزه‌هاوبعضی در پشت اطاق مدیر تعین‌شده‌است.

ولی بین‌این‌زنگها زنگ«دانشسرای پسران‌تهران» عزت بیشتری دارد زیرا بجای‌اینکه‌آن رابایك‌میخ‌زنك‌زده‌بکنج دیواری جای‌دهند. محل مستقلی باآب و تاب، درنزدیکی شمشاد های سرسبز باین «عالیجناب»اختصاص داده‌اند.

زنك تاریخی

زنگ یکی از دبستانهای تهران مزایای مخصوصی دارد • این زنگ از نظرظاهر مثل زنگهای معمول‌مدارس صاف و ساده نیست وبشکل جرسهای



از ترس بچه‌ها بسقف آویخته

باستانی است

حالامیپرسید چرا این‌زنگ‌تاریخی است؟

درآن روزگار که هنوز نمایش در ایران معمول نبود و این هنر را «دلقکی» میدانستند، انجمنی بنام «مجمع‌جوانان‌اسلامی» بوسیلهٔ(مترجم نظام همدانی) (افراسیاب‌آزاد)وعده‌ای دیگر تاسیس شد •

این انجمن که‌محلی‌را درنزدیکی مسجد شاه اجاره کرده بود در صدد برآمد که نمایشی بدهد و پیسی بنام «احساسات جوانان اسلامی» بقلم‌آقای آزاد نوشته واجراشد.

در این جلسه که ۳۷ سال پیش ترتیب داده شد، برای اولین بار این زنگ بصدا درآمد وآغاز هنر نمایش را در ایران اعلام داشت بعدها آنرا بمدرسه «فردوسی» تحویل‌دادند وتاآن مدرسه برجای‌بود باانگشت آقای ناظم



بصدا درمیآمد و در نظم مدرسه‌همکاری می کرد • بعد ها نصیب گروهی بنام «حزب‌خدا» شد و در بحثهای‌سیاست‌ـ پیشگان‌شرکت‌نمود. امروز باز هم بمدرسه برگشته است‌و در دبستان‌ـ ملی آزاد خود نمائی و خود ستائی می کند!

زنك شکم

اگر در همه مدارس، صدای زنگ آغاز و پایان‌درس را اعلام‌میکند، جاهائی نیزهست که صدای زنگ‌اجازه غذا خوردن بدانش آموزان میدهد • شبانه روزی البرز نمونه‌ای از این موسسات است و دانش آموزان زنگ شبانه روزی‌را «زنگ شکم» نام‌نهاده‌اند البته این زنگ علاوه بر اعلام وقت صبحانه و ناهار و شام، فرمان بیداری وورزش و مطالعه نیز می‌دهد ولی در هرصورت دانش‌آموزان بااین‌نامگزاری خواسته‌اند بین این زنگ و زنگ دبیرستان البرز امتیازی قائل‌شوند.

مدرسه که زنك‌ندارد

مرحوم قاضی مرادی مدیر فقید دبستان«شرف‌محمدی» که درماه گذشته از میان مارفت از۳۷سال‌پیش‌تا کنون برای مدرسه‌خودزنگی‌تهیه‌نکرده‌بودودر مواقع لازم‌شخصاً بحیاط مدرسه‌یا کلاسها میرفت‌ودستوری‌را که‌زنگ‌باید بشاگردان بدهدخود مدیر میداد.

وقتی علت رااز اوپرسیدند گفت: «ممکن است‌صدای زنگ‌موجب‌زحمت



زنك گل و بلبل

همسایه‌ها شود ومثلا بیماران آنها را ناراحت کند.

دبستان شرف محمدی پس‌ازمرك قاضی مرادی نیززنگ ندارد و باحترام نیت پاکی که آنمرحوم درزمان حیات داشت همسایه ها از صدای کر کننده زنگ‌آسوده‌اند.

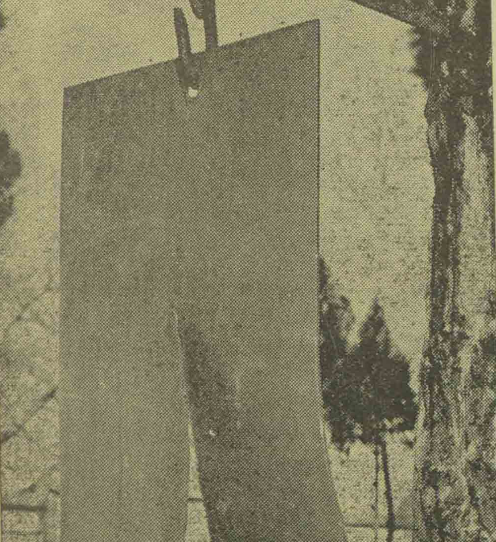
«مضراب» زنگها

همانطور که شکل زنگها با یك دیگر فرق داردیعنی‌بعضی ازآنهابزرگ برخی کوچك، گروهی بشکل قطعه‌ای آهن زنگ زده، استوانه‌ای‌نازك‌وجمعی کلفت ویادرازو کوتاه میباشند»همان‌ـ طورهم آلتی که برآنها نواخته میشود متفاوت‌است. بعضیهاچکش‌مخصوص‌بخود دارند.

زنگ دبیرستان کوشش‌با ضربه عصائی‌آهنین بصدادر میآید.

وبعضی ازهمه این وسائل‌بینیازند و «مضراب» آنها فقط قطعه سنگی

بقیه درصفحه ۱۳



در پارك ظل السلطان



ابراهیم هم کار را عار نمی‌داند



آقای هاشمی کفش دوستان خودرا واکس میزند

نوهٔ مشیرالدوله نخست‌وزیر اسبق واکس میزند!

پسر سرهنگ اشرفی در مدرسه سر می‌تراشد

دراین‌دبستان‌سلمانی وواکسی وموزیسین و «گارسن» همه‌ازدانش‌آموزان‌انتخاب‌شده‌اند‌تا بدانند

((کار عار نیست))

«باغ فردوس»شمیران ازساختمان های مورد علاقه ناصرالدین‌شاه بود که بعدها از طرف اعلیحضرت فقید به فرهنگ اهدا شد و اینك یك محیط بتمام معنی فرهنگی است زیرا یك دبیرستان ویك دبستان وهمچنین اداره فرهنگ شیمران درآنجا واقع است .

اینك باهم به «دبیرستان شاهپور» دبستانی که درباغ فردوس‌واقعشده‌است سرمیزنیم :

وقتی وارد دفتر دبستان شدید ، عده‌ای کودك را می‌بینید که برديف ایستاده اند ویك‌سلمانی کوچك«۹ساله» با لباس سفید پاکیزه ، باکمال متانت به « اصلاح » سرآنها مشغول است

اما خیال نکنید «ابراهیم‌کارگر» که دانش‌آموز سال دوم‌است ، سرآنها را « مفت » میتراشد .

خیر ، آن عالیجناب اول ۵ریال میگیرد و یك « خدابرکت »میگوید وبعد ماشین را برمیدارد وبجان‌موهای نازنین بچه‌ها میافتد و درست وحسابی سرشان را اصلاح میکند !

البته این « معامله » بنفع طرفین است زیرا هم‌دانش‌آموزان نصف‌مزدی را که به سلمانی میدهند به « اوستا ابراهیم ! » میپردازند وهم آنکه پول « پنج سیر تافتون » گیرآقای«کارگر» میآید !

اما این مطلب پیش‌خودتان‌بماند زیرا ممکن‌است‌جریان‌بگوش‌شهرداری برسد و باو اخطار کنند که هرچه زودتر برای خود « پروانهٔ کسب»تهیه کند !

بعد باطاق مجاورمیروید،می‌بینید چند نفر ایستاده‌اند ویك‌آقای«واکسی» که همه لوازم واکس را دراختیاردارد و واکس‌های تقلبی نیست : با کمال خونسردی بترتیب نوبت کفش آنها را واکس میزند .

این آقای «هاشمی» دانش آموز سال ششم است که اگر بساط خود را در اطراف اسلامبول میگستَرد شاید بروزی‌بیست تومان قانع‌نبود!

اما چون آدم قانعی است ، فقط ازهر نفر۳ ریال میگیرد وکفش آنها را براق و شسته رفته تحویل می دهد .

او ، دوشاگرد هم دارد که یکی «شهرخ پیرنیا» نوه مرحوم مشیرالدوله است . اگر از او بپرسید .

« آقاجان ،آبت‌نیست ؟ نانت‌نیست؟ پدر بزرگ تورئیس الوزرای اینمملکت بود وجامع ترین ودقیق ترین تاریخ ایران را نوشته است توچرابجای‌اینکه میراث پدر خواهی و علم پدر آموزی شاگرد واکسی‌شده‌ای ؟!»

باصراحت مخصوصی می گوید : «کارعار نیست»

شاگرد دیگر این‌آقای واکسی آقای «دیهیم» دانش آموز سال پنجم است که تحت تعلیمات استادبزرگوارش اینك مستقلا واکس میزند ومثل‌اینکه ازاستادهم‌جلو افتاده‌است ،

در ساعات تفریح ، از یکطرف دفتر که‌اطاق بزرگیست،صدای‌دلنوازی بگوشتان میرسد .

یکی سنتور مینوازد ، یکی‌ضرب میگیرد ویکی‌باصدای خوشی ،آواز و تصنیف میخواند .

این «هیئت‌ارکستر» از چند نفر تشکیل شده که در رادیوهم هنرنمائی کرده‌اند :

کاظمپور دانش‌آموز سال پنجم نوازندهٔ سنتور بشاش ضرب گیر

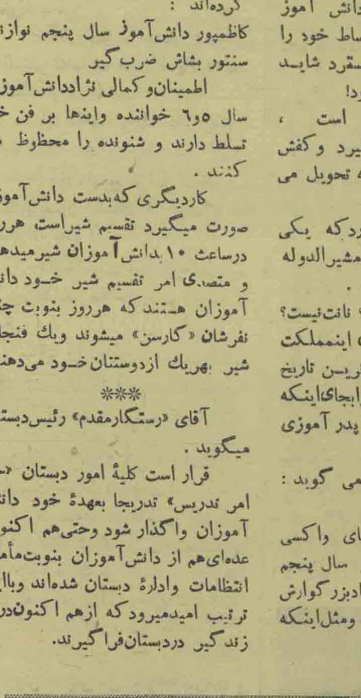
اطمینان‌و کمالی نژاددانش‌آموزان سال ۵و۶ خواننده واینها بر فن خود تسلط دارند و شنونده را محظوظ می کنند .

کاردیگری که‌بدست دانش‌آموزان صورت میگیرد تقسیم شیراست، هرروز درساعت ۱۰ بدانش‌آموزان شیرمیدهند و متصدی امر تقسیم شیر خود دانش آموزان هستند که هرروز بنوبت چند نفرشان « گارسن» میشوند ویك فنجان شیر بهریك ازدوستان خود می‌دهند.

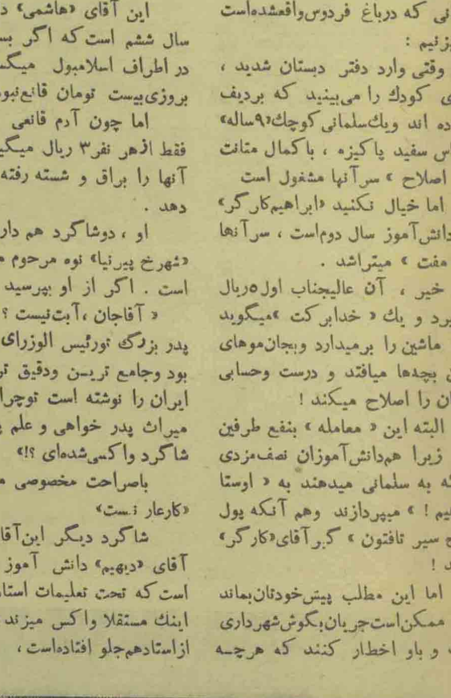
***

آقای «رستگارمقدم» رئیس‌دبستان میگوید .

قرار است کلیهٔ امور دبستان «جز امر تدریس» تدریجا بعهدهٔ خود دانش آموزان واگذار شود وحتی‌هم اکنون عده‌ای‌هم از دانش‌آموزان بنوبت‌مأمور انتظامات وادارهٔ دبستان شده‌اند وبااین ترتیب امیدمیرود که ازهم اکنون‌درس زندگی دردبستان‌فراگیرند.



ارکستر دبستان ثریا



خوددانش‌آموزان شیر تقسیم می‌کنند

دومعلم ویك دانشجوی ایرانی

بدیار فراعنه میروند

ازاین‌سه نفریکی فارغ‌التحصیل و مدرس سابق دانشکده مکه یکی‌تحصیل کردهٔ نجف،یکی‌لیسانسیه دانشکده‌ادبیات‌تهران‌است

تاچند روزدیگر سه‌نفر دانشجوی ایرانی بااستفاده ازبورس تحصیلی‌دولت مصر، عازم‌قاهره میشوند تادر دانشگاه بزرك آن‌شهر بتحصیل زبان و ادبیات عرب بپردازند.

آقایان حسین سخاوتی لیسانسیه دانشکده ادبیات،محمد غفرانی‌لیسانسیه معقول و منقول ومحمد حنیف‌فقیهی دانشجوی سال سوم معقول و منقول ، نخستین دسته دانشجویان ایرانی‌هستند که با استفاده از بورس تحصیلی دولت مصر بآنکشور میروند ،مدت تحصیل برای این دانشجویان درمصریکسالست و درصورت رضایت دانشگاه و تقاضای تمدیدازجانب نامبردگان، اینمدت‌قابل تمدیداست.

محل اقامت آنان کوی دانشگاه قاهره خواهدبود ودولت مصر علاوه بر پرداخت مخارج رفت و آمد ، ماهی ۱۶ لیره نیز کمك هزینه به آنان میپردازد.

اکنون خوانندگان عزیز را با مسافران‌دیارفراعنه آشنا میکنیم

لیسانسیه‌ازمکه

آقای‌محمدحنیف‌فقیهی متولدسال ۱۴۰۰ واهل اوزلارستان] است .

نخستین بارکه اورا دیدم بمشاهده آن قیافهٔ جنوبی وتلفظ بی غلط عربی‌اش ، تصدیق کردم که‌رفتن بمصربیش‌ازهرکسی باو برازنده است .

ووقتی این تصدیق تبدیل بیقین شد که دانستم وی دارای دانشنامهٔ عالی از دانشکده مکه بوده و چندین سال در عربستان سعودی بتدریس اشتغال داشته‌است .



سخاوتی -فقیهی - غفرانی بمصر میروند

حاصل چهارسال طلبگی درنجف

آقای محمدغفرانی نیزدست کمی ازهمسفر خود نداردواو بیست ونه سال پیش درشهر مذهبی مشهدبدنیاآمده و بعدها چهارسال‌درنجف اشرف‌بآموختن فقه و مسائل مذهبی اشتغال داشته و اکنون‌نیزسال اول دوره‌دکترای‌معقول میباشد .

متولد بابل و دبیر قزوین

اما آقای حسین سخاوتی برخلاف آندوی دیگر نه ازمکه‌و نه از نجف بلکه ازدانشکده ادبیات دررشته‌ادبیات فارسی فارغ التحصیل شده و نصف هفته را در دبیرستان های قزوین تدریس‌می کند و نصف دیگر را در تهران‌مشغول گذراندن‌سال اول دکترای ادبیات می باشد.

اواز دو رفیق خود کوچکتراست زیرا درسال ۱۳۰۸ دربابل متولدشده است.

مسافران ما در پاسخ این سؤال که مایلند در مصر بجز تحصیل‌زبان و ادبیات عرب درچه رشته های دیگری مطالعه نمایند و بتماشای کدامیك از دیدنیهای‌مصر بروند، سلیقه‌های‌مختلفی ابرازداشتند.

درراه ستاره شناسی و...

فقیهی تصمیم دارد علاوه برعلوم اسلامی‌درنجوم و ستاره شناسی وهیئت جدیده‌مطالعاتی‌بعمل‌آوردوازجامع‌الازهر و شعبات آن باز دید کند ،غفرانی مایلست در باره‌فرهنگ و اصول‌مذاهب مختلف اسلامی‌اطلاعاتی کسب کندوبا اساتید دانشگاه عین الشمس ملاقات نماید.

سخاوتی نیز می خواهد در باره ادبیات‌جدید عرب ورابطه ادبیات‌فارسی و عربی و خصوصاً در بارهٔ «ابی‌نواس» شاعر ایرانی‌عربی زبان‌مطالعه کند ونیز بدیدن آثار باستانی‌و قدیمی مصربرود.

در ملاقاتی که‌دانشجویان باآقای دکتر مهران وزیر فرهنگ‌بعمل‌آوردند دکتر مهران گفت:

سعی کنیددرروش‌تدریس‌زبان‌عربی مطالعات دقیقی‌بعمل‌آورند . امیدوارم بارفتار شایسته خودبتوانیداحترام‌مقامات فرهنگی مصررا نسبت بخود و کشور خود جلب‌نمائید.

درهمین‌ملاقات وزیر فرهنگ‌چند تمثال اعلیحضرت همایونی و مقداری پرچم ایران و چندین دوره کتابهای منتشر شده بوسیله وزارت فرهنگ و آمار هائی از مدارس‌ومؤسسات‌فرهنگی ایران در اختیارآنان‌نهادند تابدانشگاه قاهره و سایر مؤسسات فرهنگی مصر تقدیم‌شود.

شوخی

دانش آموزی وارد کلاس شد . معلم ازاوپرسید :

— عهد نامهٔ ترکمانچای در چه سالی بسته شد ؟

— بنده نمیدانم !

— مؤسس سلسلهٔ صفوی کی‌بود ؟

— من نمیدانم !

— انقلاب مشروطیت ایران‌درچه سالی آغاز گردید ؟

— اطلاعی ندارم !

— کریستف کلمب در چه سالی امریکا راکشف کرد ؟

— چه عرض کنم !

— دیشب چه میل کردید ؟

— با رفقا آبجو وپسته‌خوردیم !

— خجالت نمیکشی جواب معلم را اینطور میدهی ؟

— آقا ببخشید ! بنده شاگرد نیستم آمده‌ام لوله بخاری نصب کنم !

جواب دبیر به دانش آموز

همکار گرامی

اگر جواب شمارا باعنوان «همکار» شروع میکنم برای این است که‌رابطهٔ معلمی و شاگردی‌را یك نوع همکاری واقعی‌میدانم ومعتقدم که بهمان اندازه که مطالبی‌یاد شما میدهم همان‌اندازه از شمایادمیگیرم وجود شما ووظیفه‌ای را که برای تعلیم‌شما برعهده دارم‌مرا تشویق میکند که دمی از آموختن نیاسایم وهمیشه مطالعه کنم تا بتوانم روح تشنهٔ دانش طلب شما را سیراب نمایم .

نامه‌ای را که بنام من در کیهان فرهنگی‌نوشته‌بودیدخواندم‌چقدر خوب بود که این‌مطالب رادر کلاس مطرح میکردید تامن بیرباتر جواب بدهم.از این کارشماهم نه تنهاناراضی نیستم‌بلکه بی اندازه خوشوقتم زیرا اولا همین که قلم بدست گرفته‌اید و فکر کرده‌اید و چیزی نوشته‌اید موجب خرسندی من است که کار مفید وتمرین ثمر بخشی بوده و در تقویت هنر نویسندگی شما تأثیر خواهد داشت .

ثانیاً این کار شما بمن‌فرصت داد است مطالبی بنویسم که شاید جواب کلیهٔ دانش آموزانی باشد که خواستار تغییر درروش تدریس معلم ادبیات‌خود هستند .

اگر اشتباه نکنم تنها دلیل شما در لزوم تغییر روش من این است که میگوئید پایهٔ معلومات ما ضعیف‌است. من این ادعا را درمورد خود شماقبول ندارم و دلیل من در خود نوشته شما بود .

دانش‌آموزی که بآن شیرینی و روانی آنقدر صحیح وبی‌غلط مینویسد نه ضعیف است و نه بی‌استعداد.

اما اگر منظور شما ضعف پایه معلومات چند تن محصل کودن وبیعلاقه بدرس باشد گناه من نیست . متأسفانه در سالهای اخیر سطح معلومات دانش آموزان ایران بطور کلی تنزل کرده است .

بیان علت این تنزل جایش‌دراین نامه نیست ولی حقیقی است که‌آن را همه همکاران‌من‌ازمعلم وشاگرد قبول دارند .

جبران این نقیصه هم نه از آن راه است که شما خیال می کنید : اگر دانش آموزان بقدر برنامه‌ای که باید بدانند نمی‌دانند ما معلمین باید بیشتر درس بدهیم ، دانش‌آموزان را وادار بکار بیشتری بکنیم تاجبران خطا ها و عقب ماندگی‌های گذشته بشود .

ما سعی می کنیم که‌دانش‌آموزان ضعیف را بپایه دانش‌آموزان باهوش و ساعی برسانیم نه اینکه بخاطر چند محصل عقب مانده‌همه را از لذت «یاد گرفتن » و « دانستن» بی نصیب — بگذاریم .

می گوئید چراهنگام معنی کردن لغات ، شواهدی از اشعار استادان گذشته زبان فارسی خوانده‌ام .

اکنون هم که این ایراد برمن شده است از کرده خود پشیمان نیستم. من‌وظیفه‌دارم گوشهای شمارا بانغمه‌های دلپذیر شیرین سخنان این دیار آشنا سازم .

شنیدن ابیات فصیحی از شاعران بزرگ برای شما نه تنها ضرری ندارد بلکه فواید زیادی‌دارد . و این‌شعراهم برای شما نباید بیگانه باشند زیرامن شواهد را از آثار شاعرانی انتخاب می کنم که نام و شرح آنهارا در تاریخ ادبیات می‌خوانید .

می گوئید چرا فلان روز ریشه باستانی لغتی‌را ذکر کرده‌ام و بر روی تخته نوشته‌ام . در نظر داشته باشید که این‌کار نه برای « فضل فروشی» بوده و نه بی‌نقشه وتصادفی وبی‌اختیار.

چرا از یاد برده‌اید که هروقت با ادبیات باستانی ایران اشاره‌ای شده تأکید کرده‌ام که بخاطر سپردن این نکات الزامی نیست و در امتحان هم از این مطالب پرسش نخواهد شد .

بازهم ادعا می کنیم که این روش من لازم و مفید بوده اگر ریشه لغتی را از پهلوی و اوستا درکلاس ذکر کرده‌ام برای این بود که بدانیدزبان ما و لغات ما ریشه دو سه هزار ساله دارد و اگر یکی دوبار املاء پهلوی کلمه‌ای را روی‌تخته نوشته‌ام‌میخواستم چشم شما با نوشته و خط نیاکان تان آشنا گردد ومطمئن‌باشید که‌هیچکدام از اینها خارج از « برنامه و دستور تحصیلات » کلاس شمانبوده‌است .

از همان نامه شما باین نکته امید بخش پی بردم که بمقصود خود رسیده‌ام و همانقدر اثری که میخواستم ازآن اشارات در ذهن شما باقی بماند مانده است و شما بعد از روزها هنوز بیاد دارید که درچه مباحثی بچه‌نکاتی اشاره شده است و این همان نتیجه‌ای بود که من از روش خود انتظارداشتم.

نوشته بودید لغات کلیله و دمنه را تا آنجاکه خوانده اید همه بخاطر سپرده‌اید از این مژده‌ای که بمن‌دادید خوشوقتم و ضمنا اتخاذ سند میکنم که روز امتحان برای هیچ شاگردتنبلی‌هم بهانه‌ای باقی نماند .

قطعا میدانید که برای معلم هیچ شادی بالاتر ازاین نیست که بدانـد شاگردانش چیزی یاد گرفته‌اند و از درس او استفاده کرده‌اند . درست مثل باغبانی است که از سرسبزی باغ و شادابی گلها و برومندی نهالها لذت می‌برد .

میدانیم با (تشبیه معلم‌بباغبان) موضوع تازه‌ای برای انتقاد بدست شما دادم . زیرا مکرربشماگفته‌ام تشبیهات ومضامین دیگران را در انشاء خود ننویسید وحالابمن‌ایراد خواهید گرفت و ایراد بجائی خواهد بود که چرا در نوشته خود من این عیب راه یافته‌است

ازهمین حالا میگویم که دراین‌یك مورد حق با شما خواهد بود علت این اشتباه من نیز این است که شادی‌ناشی از مژده چیز یادگرفتن شما اختیارقلم را ازدست من گرفته است .

درهرصورت ازشماخیلی متشکرم که این مایه شادی را بمن بخشیدید. این مزد زحمات من است . این‌مزدی است که بالاتر ازآن وحتی نظیرآن‌را هیچکس نمیتوانست بمن بدهد .

درپایان سخن بازهم تکرارمیکنم که روش تدریس من باتوجه ببرنامه و مطابق بابرنامه بوده و هیچوقت خارج ازآن وبالاتر ازآن قدمی در کلاس برنداشته‌ام . خواهش من از شما این است که بمن وهمه معلمان خوداعتماد واطمینان داشته باشید ، با وسوسه‌هائی ازاین قبیل که شاید درس معلم خارج ازقوه کلاس است از اجرای دستورهای معلم وآموختن درسهای اوسرباز نزنید و ایمان داشته باشید که معلم نفع‌شما را میخواهد ولازم ترین وسودمندترین چیزها را بشما میآموزد .

درصورتی‌هم که‌اشکالی ازهرقبیل برای شما پیش‌آمد بی ترس و واهمه بپرسید و بدانید کـه موجب رضایت معلم است .

بهانه های تنبلی

آقا ما یادمان رفت . آقا ما آندفعه نبودیم . آقاما حالمان خوب نبود

آقاما پاهون توفوتبال‌درد گرفت.. . . . .

چندماهی‌ازسال تحصیلی‌میگذشت اما هنوزتحت‌تاثیر تلقینات‌همشاگردیها از درس ریاضی گریزان بودم . از بس شنیدیم جبر مشکل است ، هندسه را نمیشود فهمید ، حساب و هندسه اصلا بچه‌دردمامیخورد و.... حتی‌نمیخواستیم بفهمیم این درسهای‌عجیب‌وغریب ازچه مقوله‌ای‌صحبت میکنند.

دبیر ورزیده ودلسوزی هم داشتیم که طی چندین‌سال تدریس راه بکار گماردن مارا خوب بلدبود .ازآنجمله هرشب‌چند مسئله ازجبروهندسه‌وغیره برای ماتکلیف تعیین میکرد ومامجبور بودیم روز بعد این‌تکالیف رابنظرآقای دبیر برسانیم .

مرتضی ازآن بچه‌های ناقلاوزبر وزرنکی بود که در کشمکش با آقای دبیر نمیخواست از اودست کمی داشته باشد وهرچه آقای‌دبیرروزنه های‌فرار را برای انجام ندادن تکلیف می‌بست اومثل موش‌ازروزنه‌دیگری‌سردرمیآورد

اولین روزیکه خواستیم تکالیف راپس بدهیم بیش‌از نصف کلاس تکلیف نداشتند . آقای دبیراین‌عده را بیرون کشید و گفت‌هریك ازشماها بایدعلت انجام ندادن تکلیف خودرا روی تخته سیاه بنویسید بشرطیکه علت وبهانه‌دو نفریکی نباشد سپس‌اسامی خودرابیهانه اضافه کنید .

چند دقیقه‌بعد این‌بهانه‌ها بچشم میخوردند ،

— آقا مادیشب «مهمون» داشتیم نتوانستیم تکلیف خودرا انجام دهیم (هوشنك کریمی)

- آقا ماخونه خاله خانم مهمون بودیم نشد بدرسها برسیم(یحیی مافی)

— آقا ماصبح از علی‌تنه‌خوردیم کتابهایمان افتادتو « جوب !! »- (صدراله پاشا)

—آقاما دیشب جغرافی‌حاضرمی‌کردیم نشدجبرهاراحل کنیم (اسماعیل صدفی)

—آقا ما حالمان خوب نبودرفتیم دکتر تب کردیم ! (محمود فرشچی)

— آقا ما از مدرسه که مرخص میشویم یك سر میرویم دکان آقام ! (جمشیدهرسچی)

—آقاما پاهون! توی فوتبال درد گرفت نشد جبرحل کنیم ! (محمود ثقفی):

— آقا ما کتابمون ! گم شد کتاب نداشتم (حسین‌مافی)

— آقا ما کتابچه جبر را تمام کردیم پدرم برایم نخرید (ابراهیم گرکانی)

—آقا مایادمان رفت ! (جمشید وحیدی)

-آقاما آن‌دفعه‌نبودیم(ابوالحسن‌صدر

نه نفر دیگرهم که بهانه‌ای برایشان نمانده بود فقط اسامی‌خودرا روی تخته نوشتند زیرا بدستور آقای دبیر نمی‌توانستند بهانه‌های ذکر شده را تکرار کنند .

آقای دبیر گفت :

این بهانه‌هارا درصفحه‌اول کتابچه خود یادداشت کنیدو البته از این‌ببعد کسی حق ندارد بااین بهانه‌ها ازانجام تکلیف فرارکند وبچه‌های تنبل باید فکربهانه‌تازه‌ای بکنند.

ازآن روز ببعد مرتضی هر وقت تکلیفش را انجام نمیداد بدبیرستان نمیآمد و روز بعد با یادداشت کوتاهی از طبیب خانوادگی خود میآمد به دبیرستان .

ناظم دبیرستان‌شاید پیش‌ازچندین‌بارتاپایان سال تحصیلی نامه‌ای ازمرتضی دریافت میکرد که نوشته بود :

آقای مرتضی ... بعلت سرما خوردگی روز . . در منزل‌بستری‌بود.

وقتی که درس با شیرینی نمایش و بازی آمیخته میشود

در تعلیم وتربیت جدید کوشش میشود که مدرسه جای‌انس‌والفت وشادی باشد دانش آموزان درس ومدرسه‌رادوست بدارند وبا علاقه واشتیاق بمدرسه بروند یکی ازطرق جلب علاقه دانش‌آموزان ، ترتیب نمایش است که هم ذوق و استعداد جوانان وکودکان را پرورش میدهد وهم مایه لذت و شادی آنهاست . ماسعی خواهیم‌کرد خوانندگان کیهان فرهنگی را بتماشای‌صحنه‌های دیدنی نمایشهای مدارس ببریم .

سیاوش‌وسودابه دردبستان‌نمونه

دانش آموزان دبستان نمونه پسران‌اصفهان‌داستان «سیاوش وسودابه» راکه ازشیرین ترین و دل انگیزترین داستانهای شاهنامهٔ فردوسی است بروی صحنه آوردند .

سیاوش شاهزادهٔ پاکدل ایرانی پسر کیکاوس است وقتی که مادر سیاوش مرد کاوس زن دیگری بنام سودابه را بزنی گرفت. سودابه که زیبائی ودلاوری سیاوش را میدید عاشق اوشد و هرچه سعی کرددردل اوراه یابدموفق‌نگردید. سرانجام همانطورکه زلیخا یوسف را متهم ساخته بود اوهم برسیاوش بهتان زد . سیاوش برای اثبات بیگناهی خود پیش پدر طبق رسم باستانی ایران از آتش گذشت و بازهم محبت پدر را جلب کرد .

بعد ها وقتی که افراسیاب پادشاه توران لشگر بایران زمین کشیدسیاوش بفرمان کاوس بجنگ افراسیاب رفت . درتوران بصوابدید رستم با افراسیاب پیمان صلح بست و فرنگیس دختر افراسیاب را بزنی گرفت .

چون سرنوشت‌شوم سیاوش همه‌جا بدنبال او بود بداندیشان افراسیاب را بدشمنی با او برانگیختند و بالاخره بامر پادشاه توران کشته شد و خشم افراسیاب بپایهٔ بود که حتی میخواست فرنگیس را هم ازمیان بردارد .

ولی‌پیران وزیرافراسیاب‌از کشتن فرنگیس جلوگیری کرد واورابچوپانی سپرد و کیخسرواز فرنگیس‌بدنیاآمد.

وقتی که این خبرها بایران‌رسید بیش‌ازهمه رستم خشمگین شد .بدربار کاوس رفت وابتدا سودابه را که عامل اصلی فتنه وموجب دربدری سیاوش بود کشت وآنگاه بتوران تاخت و آن سرزمین را ویران نمود وکیخسرو و فرنگیس را بایران آورد .

درعکسی که‌ازبازی دانش‌آموزان دبیرستان نمونه اصفهان در این صفحه می‌بینید در ردیف اول از دست راست نفر دوم (رستم) — نفرسوم (کیخسرو) نفرپنجم (فرنگیس) است . که کفش وشلوار مردانهٔ او قابل انتقاد است . وچقدر خوب بود که در تهیه لباس این نمایش توجه بیشتری بعمل میآمد .

بااینهمه‌بازی خوب دانش‌آموزان نقص لباس ودکور را جبران کرد . که میداند این هنرپیشگان خردسال دبستانی فرداکه‌مردان بزرگی خواهند بود درصحنه بزرگ‌زندگی چه‌بازیهائی خواهند کرد .



دانش آموزان دبستان نمونه‌اصفهان درنمایش سیاوش وسودابه

بقیه از صفحه ۱۰

است که تصادفا بچنگ فراش میرسد!

خاطراتی از زنك

وقتی که خبر نگار مابرای دیدن زنگهای مختلف بمدارس سرمیزد مدیر یکی ازدبستانها گفت:

یکی ازدانش آموزان خردسال، که همیشه دیر بدبستان میآمد، هر چه نصیحتش میدادیم و تهدیدش میکردیم اثری نداشت بااینکه منزلش بادبستان چندان فاصله‌ای نداشت.

یك روز گفتم اگر از فردا دیر بیائی دیگر بمدرسه‌راهت نمیدهم آخر منزل شما آنقدر نزدیك است که‌صدای زنگ‌رادر رختخوابت میشنوی!

«طفلك» سرش‌را بزیر انداخت‌وگفت:

— خوب، اینکه کاری ندارد، بعد از این زنگ را دیرتر بزنید!!

وقتی زنك نمره بیست میدهد

دانش آموزان سال سوم دبیرستان در جلسه امتحان شیمی نشسته بودند، وبرای حل فرمولها فکر میکردند وعرق میریختند.

شاگرد اول کلاس، همه فرمولها را نوشته بود و فقط راجع به یك کلمه «گیر کرده بود» و نمیدانست چه‌اکسیدی‌رابایدذکر کند..

مرتباً باخود میگفت اکسیددو.. اکسیددو...

در این بین ساعت امتحان تمام‌شد ودانش آموزوقتی شنیدمعلم میگوید آقازنگ‌رازدند!

کلمهٔ مجهول را پیدا کرد و نوشت: «اکسید دوزنگ»!

زنك واقعی!

در دفتر یکی از دبستانهای تهران ساعت تفریح معلمین‌چائی میخوردند و حرف‌میزدند ناگهان خدمتگزاردبستان وارد شد و زنگی را که تازه خریده بود روی میز مدیر گذاشت. مدیر بذله‌گو بمعلمین گفت:

— این زنگ یك خاصیت عجیب دارد و آن اینکه احتیاجی به فراش ندارد و خودبخودزنگ‌میزند!

— معلمین گفتند قطعاً «اتوماتیك» است؟

— نه! از همین‌زنگ‌های‌معمولیست، منتها خاصیتی در آنست که میتواند بدون چکش وفراش، زنگ بزند!

چنین چیزی غیر ممکن است.

— کاملا ممکن است ومن‌حاضرم شرط ببندم.

همه گفتندقبول داریم و شرط بندی کردند.



در دانشسرای تهران

آقای مدیر گفت الساعه ثابت میکنم.

اگر باور ندارنداین‌زنگ رامدتی درگوشه انبار بگذارید آنوقت رطوبت در آن‌اثر میکند و خود بخود «زنگ میزند!»

معلمین که گول این «بازی لفظ» را خورده بودند، مبلغی راکه شرط بسته بودند به آقای مدیر دادندو و از همان محل «شرط بندی» یك چکش برای‌زنگ خریداری کرد!

بهترین زنگها!

حالامیتوانیدبگوئید بهترین‌زنگها چه زنگی است؟

اگر نمیتوانید از زبان کودکی بشنوید.

این دختر کوچولو، دوهفته بود بمدرسه رفته‌بود. یکروز پدرش‌باو گفت خوب‌روزی چند زنگ درس‌دارید؟

گفت‌سه زنگ

پرسید از این سه زنگ کدام‌بهتر است و تو کدام رادوست داری؟

دختر ساده جواب داد:

— زنك تفریح!!

زنگ شکسته

از این مدارس که‌بگذریم‌وزارت فرهنگ هم زنگی‌دارد که‌درسایه‌درختی آرمیده است‌و روزی یکبارتعطیل‌کار را بکارمندان اعلام میکند این زنگ که شکستگی و خمیدگیش‌از سابقه‌خدمت و پیری آن حکایت‌میکند وحق دارد بازنشسته شود هنوز در کنار حوض‌بزرك پارك ظل‌السلطان بر تنه‌درختی‌آویزان و مشغول خدمت است روزی که‌عکاس کیهان فرهنگی میخواست‌عکسی‌ازآن برای‌خوانندگان‌عزیز تهیه‌نماید‌باممانعت مامورین‌مواجه گردیدولی‌وقتی که‌جریان بوسیله‌اداره بازرسی‌بآقای معاون‌وزارت فرهنك گزارش گردید اجازه‌عکس برداری داده شد.

بقیه‌ازصفحه۲

هدف فرهنك ایران چیست و چه باید باشد؟

ازابراهیم‌بنی‌احمد

ج- بشاگردان‌مدارس‌باید قدرت تولید ثروت داد یعنی راه پول در آوردن یکی ازمهمترین موادبرنامهٔ ما باشد. بعقیدهٔ بیشتر متخصصین فن تربیت جامعه مسائل جزئی را کلی و مسائل کلی ومهم را جزئی میداند چه ضرر دارد درهرهفته دست کم سه‌ساعت جوانان‌را بنشانیم وبآنهاراه‌پول‌درآوردن بیاموزیم تااگرباقدرت طبیعی‌نتوانستند از راه مجاز ومشروع کسب‌ثروت کنند براه نامشروع نروند. برای تامین‌این منظور علاوه برمطالب نظری عملا هم باید اقسام پیشه و هنر و کارهای‌عادی را بیاموزیم کتابهای ما پر از دروس اخلاقی وعلمی است وشاید افراط در این مطالب است که ما ازپند ونصیحت بیزار شده‌ایم!

د - یکی‌ازهدفهای اساسی‌فرهنگ ما باید تحویل و تحول علوم و ادبیات گذشتگان ماباشد

ه - آشنائی بعلوم زنده و تازه امروز هدف‌کوچکی نیست

و - برقراری‌دوستی وصمیمیت بین نسل قدیم وجدید ازوظائف فرهنك‌است

بین جوانان امروزی و اولیاء آنهایك جدال دائمی برقرار است

ز - بی ایمانی وبی هدفی مخرب روح وموجب فساد اخلاق است

ایجاد ایمان راسخ و«تعیین هدف» ازهدفهای ضروری فرهنگی است

از بدرالملوك بامداد

اورا بجرم انحراف مورد ملامت قرار داده مجازات می‌کنیم از اجتماعیکه‌او وامثال او تشکیل داده‌اند شکوه و شکایت مینمائیم.

اماهدف‌فرهنگیان‌ماچه باید باشد؟

کودکان تنهابسواد احتیاج‌ندارند آنهانیازمندتربیت‌صحیح همگانی‌هستند تربیتی که‌بتمام اطفال بدون‌تفاوت فرصت رشد جسمی و روحی داده‌شود. بواسطه تمرینهای‌مختلف بدنی وعقلانی استعداد های نهفته‌آنها بروز و ظهور کند. تا مفهوم حقیقتی یك‌ملت که‌دم از برابری وآزادی و مشروطیت‌میزند بعمل بیاید.

۲- بچه های‌ما مخصوصاً بهمکاری و سعی مشترك در انجام تکالیف ملی عادت کنند زیرایکی از نواقص‌اخلاقی مردم این کشور خود کامی و عدم حس همکاری و رعایت منافع اجتماعی است.

۳- جوانان را دختر یا پسر از راهی ببریم که وقتی مدرسه را تمام کردند لیاقت کار و شغلی را داشته باشند که موردِ احتیاج کشور باشد و بتوانند بلافاصله آنچه را آموخته‌اند بکاربندند.

پس‌ازدوازده یا هیجده‌سال‌زحمت برای تهیه قوت لایموت محتاج و سرگردان نمانند.

٤- هدف تربیت متوجه این‌نکته مهم باشد که اطفال برای حفظ خود ازمفاسد و برای حل مشکلات‌زندگی در حال حاضر وآینده لازم است‌قدرت تفکر و تشخیص و قضاوت داشته باشند در برابر مقدرات که پیش بینی آنها برای هیچکس مقدور نیست بتوانند عاقلانه رفتار کنند حس ابتکار و تتبع داشته باشند تا همواره‌قدم جلو گذاشته خود و اجتماع را به پیشروی هدایت کنند.

هدف بطور اجمال این است ولی از چه راه بسوی آن برویم خودمبحث مهم وطولانی است.

ازافتخارالملوك همایون

آن میباشند. ودرتمام راه تارسیدن به هدف ونتیجه قطعی گرفتن از آن با خانواده‌ها باید درتماس بوده و با هم تشریك مساعی نمایند که نکته ای از دقایق باریك تربیت بصورت تضاد بین خانه و مدرسه درخاطر دختران نقش نبندد چه آنوقتست که‌هر کدام جنبه راحتتر ومفرح تر دارد دختر انتخاب مینماید ولو اینکه نتیجه مذموم تری داشته باشد.

جزء دوم که اهمیت آن از جزء اول کمتر نیست ورسیدن بآن بسیار دشواراست تربیت‌بانوان‌عقب‌افتاده‌ازمراحل تربیتی است که مسئولیت آن بگردن اجتماع است ومردم تربیت یافته باید آنانرا متوجه وظایف‌خودشان‌نمایند.

افراد فرهنگی نیز در جزء دوم دارای وظایف‌سنگینی میباشند چه فرهنگیان بیش ازعده دیگرازمردمان درك معایب اجتماعی را مینمایند واز آن رنج میبرند و شاید هم بر اثر تجربیات خود بتوانند در پیدا نمودن راه وروش لازم برای رسیدن باین‌هدف با سایر افراد اجتماع کمك کنند

بانوان ایرانی بر حسب مقتضیات زمان ومکان‌قبل‌از اینکه تربیت‌عمومی یافته وبمفهوم حقیقی تربیت آشناشده باشند خودرا آزاد دراجتماع یافتند و شاید مطلعین از تربیت صحیح هم در آن موقع صلاح ندانستند معایب‌بلا- شرط بودن آزادی را بآن‌ها بفهمانند زیرا تصور می‌رفت حجب وپرده‌نشینی بانوان مانع از آزادی اجتماعی آنان بشود.

این امر باعث شد که یکعده از خانمها تجدد و آزادی را فقط تغییر لباس وآرایش خودداستند یعنی‌هر که بهتر می‌پوشید اجتماعی ترشمرده‌میشد وبعالم معنی توجهی نشد تااینکه‌امروز ضرر این بلا شرطی آزادی دستگیر عموم‌افراد اجتماع ماشده، تصورنمیرود کسی باشد که کم‌وبیش این معایب را حس‌نکند. بنابراین، هدف تربیت بانوانرامانمی‌توانیم‌فقط‌منحصر بدخترانی که درمدارس تحصیل مینمایند متوجه سازیم بلکه لازم‌است بمادران‌وخانواده های‌آنها نیزبپردازیم.

بعقیده بنده مجلس وعظوخطابه گو اینکه بی‌اثر نیست ولی‌بانشاندادن زندگی‌های ساده وخوشبختی‌های‌حاصله ازآن که برای افراد فهمیده کشور خودمان دست داده موثر تر میباشد و حتی‌الامکان باید نمایشاتی برای آن‌ها ترتیب داد که برأی‌العین‌مضار غرور و خودپسندی و آزادی مطلق خودرا با چشم ببینند تا اقلا اگر برای امروز خودشان‌نافع‌نباشدبرای‌زندگی‌دخترانشان مؤثر باشد

چون‌برای‌رسیدن‌بهر‌هدف‌لازمست فلسفه وموضوع آن‌وبعدروش وبرنامه‌ای که برای نیل بآن‌لازمست تشریح‌شود بطور خلاصه عرض میکنم که فلسفه تربیت بانوان در کشور ما بعقیده بنده ساختن وآماده نمودن دختران ایرانی برای‌بانوئی یك‌خانواده‌ایرانی بودست وروشی که باین‌هدف باآن بتوانیم‌رسید روش صرف تعلیم و تربیتی هیچکدام از کشورهای مغرب زمین نیست مگر انتخاب کردن نکاتی که در کشور ما قابل اجراست ومشترك‌ساختن آن‌ها با نکات‌تربیتی تجربه شده ونتیجه گرفته کشور خودمان وبرنامه‌ایکه باچنین روشی باید انتخاب نمود نباید با تعجیل تنظیم شود بلکه بتدریج جزءجزء آن باید در مدارس‌اجرا شده‌وآزمایش‌شود آنچه با محیط‌خانواده‌وزندگی‌اجتماعی ما مناسبت‌دارد بکاربریم تانتیجه‌مطلوب گرفته شود.

از احمد رضاقلی زاده

حدودمعلم وتاچه مقدار طبیب‌لازم‌داریم بهمان نسبت برای آینده داوطلبانی که شرایط لازم رادارا باشند انتخاب‌وتهیه کنیم‌و البته هر کس را بکار خودش بگماریم وگرنه تاوقتی بیشترمهندسین کشاورزی وفنی پشت میزمی‌نشینند و ابدابکشاورزی مشغول‌نمیشوندمتخصص شیلات بازرس ومهندس معلم میشود و متخصص فنون نظامی نان وقند تهیه میکند خلاصه شرطی درکار نیست و تخصص‌بکارنمیخورد همین‌است که‌هست

ما باید نخست واردات مملکت را باجناس‌بسیار لازم وضروری منحصر سازیم - وبجای کالاهای ساخته شده تنها مواد اولیه بکشور وارد کنیم تا صنعتگران بیکار نمانند آنوقت‌برنامه کشاورزی وبرنامه مدارس فنی‌راهمراه با تهیه وسائل‌کار تصویب کنیم‌و مدارس حرفه‌ای‌هم در کنار مدارس کنونی باز کنیم وهر کس رافراخور استعدادش و بنسبت احتیاج کشور برای کار معینی کارمند یا کارگر متخصص تربیت کنیم

هدف فرهنك‌ماپس‌از تهیه‌وسایل کار برای مدارس کشاورزی وحرفه‌ای‌از قبیل مکانیکی ونساجی‌ونجاری‌ونقاشی وتهیه کارگر متخصص برق‌وشیشه‌سازی حتی آموزشگاه رانندگی خیاطی و قنادی وطباخی آنست که این‌مدارس‌را درکنار مدارس کنونی باز کند و هر کس‌را بکار خودوادارد تاهمه‌باکسانی که بدانشگاه میروند همراه‌نباشند

خلاصه طبیب ومهندس ساختمان وادیب وحقوقدان بنسبت اهمیت شغل وبمناسبت ذوق اشخاص خودبخود تهیه خواهد شد آنچه باید کشوررا زنده نگاهدارد **کشاورز متخصص و صنعتگر کاردان**است که بایدتربیت شود وتشویق شود وبکار خود آشنا و بصیرباشد واز اداره رفتن وپشت میز نشستن مستخدم سرپائی بودن بی‌نیازو متنفر باشد.

ازابراهیم‌برهان‌آزاد

بامور اخلاقی وتناسب زمان، برنامه‌ای طرح و تهیه کنیم.

آنگاه این برنامه را بادستی‌توانا بی فوت وقت با دلسوزی‌و پشتکاربمورد اجرا گذاریم و جدیت و پافشاری نمائیم تا نتیجه‌بگیریم وبهدف‌ارجمندی که «**بالابردن سطح فرهنك عمومی و زندگی شرافتمندانه وخدمت بتمدن‌عمومی‌دنیاست**» نائل‌آئیم.

کیهان فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر:

دکتر مصطفی مصباح زاده

سردبیر:

محمدامین ریاحی

روزهای سه‌شنبه منتشرمیشود

چاپخانه کیهان- لالهزار کوچه‌نکیسا

تلفن ۳۴۲۵۵

بهای اشتراك

یکساله	۲۰۰ ریال
ششماهه	۱۲۰ «
سه ماهه	۷۰ «

سه نیازمندی فرهنگ بیرجند

جائی که معلم ادبیات ، فیزیک و شیمی درس میدهد

ممیز دارائی وسائل آزمایشگاه را « اشیاءغیرضروری » تشخیص میدهد

می‌پرسند فرهنگ شهرستان ها بچه‌چیزهائی نیازمند است ؟ این سؤال بدان میماند که ازمردی گرسنه وفقیر و درمانده ولخت سؤال‌شود: آقا‌بچه‌چیز احتیاج داری!؟ مرد گرسنه و فقیر و درمانده و لخت بغذا و پول و خانه و لباس نیازمند است اینکه‌دیگرپرسیدن ندارد .

بار ها رئیس فرهنگی بمرکز مینویسد و اصرار مینماید و الحاح و تمنی میکند که ، دبیر باندازه کافی نداریم و حتی بعضی از شهرستانهـــا بکرات‌ومرات مینویسند:
دبیرنداریم کتاب‌نداریم‌وسائل‌آزمایشگاه نداریم .

دیگربار اولیاء فرهنگ مانند کسی که خودرا بکری‌زده باشدوحرف طرف رانشنیده بگیرد میپرسد:فرهنگ شهرستان‌فلان‌بچه چیز احتیاج‌دارید ؟

هر کس اهل درس وبحث‌ومدرسه و تحصیل و بالاخره‌فرهنگ باشدمیداند که ازجمله امور بسیار لازم برای هر فرهنگ:**معلم‌خوب کتاب‌خوب‌ـمحل خوب** – و بالاخر **وسائل خوب** است .

همچنانـکه یکنفر نجـار بدون **محل‌کار و ابزارکار ومته واره وتیشه** نخواهد توانست بـکار نجاری خود ادامه دهد؛ معلم خوب‌هم برفرض که پیـدا شود نخواهد توانست بدون ابزار کار انجام وظیفه نماید و نتیجه‌ای الکار خود بگیرد .

باید اقرار کنیم که در شهرستانها بخصوص **معلم خوب** بسیار کم است چندسالی است که معلم بحمدالله‌والمنه زیاد شده و بسیار هـم زیاد ! اما معلم خوب هنوز هم کـه هنوز است بسیار کمیاب است .

بفرض وجود معلم خوب—چنانچه کتاب و بخصوص کتاب خوب نباشد با کلاسهای متعددی کـه شاگردان آن حداقل ۵۰ یا ٦۰ نفراند امر تدریس بسیار دشوار خواهد بود – مخصوصا که محصلان این زمان اکثراً بدرس‌وبحث بیعلاقه‌اندوحوصلهٔ نوشتن‌جزوه ندارندـ تامانند محصلین قدیـم بنشینند وجزوه بنویسند وازاینکار خرسند باشند.

چاپ کتب همگان را تنبل کـرده واز هزارنفر محصل یکنفر پیدا نمیشود که بتواندجزوه‌ای مختصررا بنویسد ـ همه محصلان بانتظار کتاب نشسته‌اند وهنوز اکثر دانش‌آموزان کتاب ندارند .

کتابهائی هم که دردست است از لحاظ چاپ نامرغوب واز لحـاظ قیمت بمراتب گرانتر ازسالهای قبل وازلحاظ مطلب نیز بی‌حدمختصر وموجز است — خلاصه چند کـتاب مزبور که تا کنون بدست محصلین دبیرستانها رسیده‌است‌از جهت کم و کیف بسیار ناقص وازلحاظ قیمت بسیار گران است بطوریکه‌دانش آموزان‌مستمند ازخریدن آنهاعاجزند.

واما از لحاظ دبیرومعلم همانطور که گفته شد – درشهرستانها دبیر به اندازه‌کافی وجود ندارد – واکثرا از طریق اضافه کار کمبود معلم تا حدی جبـران میشود وبـــــــــاغلب دبیران بحکم اجبار اغلب دروسی داده میشود که صلاحیت تدریس آنرا ندارندبارها اتفاق افتاده است‌بمعلم‌زبان **روانشناسی‌وعربی وانشاءفارسی** و یا حتی‌فیزیک‌و شیمی داده‌اندـ ونیز بکرات اتفاق افتاده است که‌معلم‌ریاضی فارسی‌ودستورهم‌اضطراراتدریس کرده‌است!

در شهرستان بیرجندباوجودآنکه بدفعات متعدده ازوزارت‌فرهنگ‌تقاضای دبیرریاضی شده است‌امسال با فرستادن یک‌نفر لیسانسیه معقول‌و منقول گوئی بمستدعیات فرهنگ‌بیرجند ازین لحاظ جواب داده شده‌و گویا در نظر نیست دبیر دیگربدینصوب اعزام گردد :این بودوضع دبیر!

و اما از لحاظ وسائل لابراتوار فیزیک‌و شیمی‌و طبیعی آنچه‌بگوییم‌حق مطلب ادا نخواهدشد ـکافی است گفته شود که آنچه‌رابنام وسائل آزمایشگاه در اطاقی‌عریض‌و طویل چیده‌انددرخور آن نیست که‌نام**لابراتوار** آن‌اطلاق نهند زیرا اگریک وسیله‌یا دوائی‌احیاناً موجود باشد در عوض‌چندین‌دوای‌دیگر که بسیارهم لازم و واجب است وجود خارجی نخواهد داشت و اگر هم پای خریداری این‌قبیل‌وسائل هم بمیان‌آید دارائی محل بنام اشیاء غیر ضروری اشکالتراشی میفرماید‌ووسیله و دوائی‌را که خرید آن نهایت ضرورت را دارد مجاز نمیداندوممیز آنراشیئی‌غیرضروری تمیز میدهد؟ با اینوصف‌هنوز‌میپرسند فرهنگ‌شهرستان چه احتیاجی‌دارد!

در اصفهان



فارغ التحصیلان گواهی‌نامه را از دست استاندار میگیرند

بمناسبت پایان کلاس کار آموزی جشنی در هـنرستان دختران با حضورفرهنگیان بر گـــزار گردید. آقای معصوم خانی رئیس‌فرهنگ بعد ازایراد گزارش از آقای ذوالفقاری استاندارتقاضا کردند که گواهی نامه هـای‌آقایان وبانوان معلم و مدیررا بآنهابدهند

سخنرانی‌ها

صدسال طب

ساعت هفت ونیم بعداز ظهر روز یکشنبه ۱۳ـاسفندآقای دکتر محمود نجم‌آبادی درموضوع « صدسال‌آموزش طب‌فرانسوی درایران» درانجمن ایران وفرانسه سخنرانی‌خواهد کرد .

تاتر در آمریکا

ساعت پنج ونیم بعداز ظهرامروز آقای فرانک دیویدسون استادهنرهای دراماتیک درباره تاتر درآمریکا بزبان انگلیسی درانجمن‌ایران‌وآمریکاسخنرانی خواهد کرد .

زن درانگلستان

روز سه‌شنبه ۲۲ـاسفند بانو کلی خانم رئیس شورای فرهنگی انگلیس درموضوع «زن درانگلستان» درآن‌شورا سخنرانی خواهد کرد.

وسائل ارتباطی

روز پنجشنبه ۱۰ ـ اسفند آقای هنری شو در موضوع پیشرفت وسائل ارتباطی در انجمن ایران و فرانسه سخنرانی کرد.

مجلس ادبی

ساعت ۵ره بعد از ظهـر امروز بمناسبت توجـه مخصوص اعلیحضرت همایونی بروابط فرهنگی ایران وهند مجلس ادبی در تالار دانشکده حقوق تشکیل میشود و از استادان دانشگاه و رجال و دانشمندان برای شرکت‌در این جلسه دعوت شده‌است در این‌جلسه آقایان نقی زاده دکتر متین دفتری و دکتربیانی سخنرانی‌می کنند .

در تاتر تهران

از ساعت نه‌ونیم روزجمعه ۱۱ اسفندواریته‌باشکوهی‌درتماشاخانه‌تهران اجرا شد . در این برنامه‌بانو هماترانه هائی خواند وبانوان دیهیم ، ودادیان‌و آقایان مجید محسنی ، مصفا سبحانی عبدی درنمایش « مگه میشه»هنرنمائی کردند .

وپرا

روز سه شنبه۸ اسفندفیلم‌اوپرای بارس گادونوف » اثر موسورگسکی آهنگساز روسی در انجـمن روابـط فـرهنگی ایـران و شوروی نمایش دادند .

آثار پنجاه هنرمند ایرانی درباشگاه مهرگان

از هفته گذشته نمایشگاهی از آثار پنجاه نفر نقاشان ومجسمه‌سازان معاصر ایرانی در بـاشگـاه مهرگان محل جامعهٔ لیسانسیه های دانشسرای عالی تشکیل گردید .

در تالارهای این نمایشگاه‌آثاری از کلیه سبکهای« کلاسیک » و«مدرن» بمعرض نمایش گذاشته شده است و از روز افتتاح تاکنون چندین هزار نفر از این نمایشگاه بازدید کرده اند . آخرین مهلت نمایشگاه ابتدا تا روز بیستم اسفندپیش بینی و اعلام شده‌بود ولی بنا بتقاضای دوستداران هنردرنظر است که در این مدت تا پایان اسفند تمدید گردد .

کتاب
مادر و بچه

اثر
دکتربن‌جامین اسپاك
ترجمـه
والاحضرت اشرف پهلوی
بهترین کتابی که تاکنون درنوع خود در جهان منتشر شده

مشاور فرهنگی وزارت خارجه آمریکا

پیشرفتهای علمی دانشگاه تهران وبناهای آنرا تحسین کرد



فیتز جرالد

دکتـر روفوس فیتزجرالد رئیس قسمت مشاوری برنامه مبادله فرهنگی وزارت امورخارجه‌آمریکا ورئیس‌سابق دانشگاه‌پتیسبورک‌واقع‌درایالت پنسیلوانیا بعداز ظهر روز شنبه دوازدهم‌اسفندماه پس از چهارروز اقامت درتهران‌وتماس ومذاکره بااولیای وزارت فـرهنگ و دانشگاه با هواپیمابسوی‌بیروت‌حرکت کرد .

نامبرده یک‌روز قبل ازحرکت‌در دفتر معاون دانشگاه باروسای دانشکده های دانشگاه تهران ملاقات ومذاکره کردوازپیشرفتهای‌علمی دانشگاه‌تهران اظهار خوشوقتی نمود .

فیتز جرالد در مدت اقامـت در تهران دو بار در دانشگاه و یکبار در انجمن ایران وآمریکا سخنرانی‌نموده‌و سازمان دانشگاههای آمریکارا تشریح وتوجیه‌نمود .

دکتر فیتز جرالد قبل‌از عزیمت از تهران بخبرنگار ما گفت‌ما معتقدیم که با مبادله دانشجویان و فرهنگیان واستادان دانشگاه‌خواهیم توانست‌تفاهم بهتر و حسن نیت بیشتری میان ملل مختلف ایجاد نمائیم بعد اضافه کرد که وضع دانشگاه تهران وبناهای زیبا و مجلل آن اثرعمیقی درمن بخشیدومن معتقدم که دانشگاه تهران ببهتـرین طرزی اداره می‌شود ،من همچنین از ملاقات با روسای دانشکـده ها و استادان دانشگاه تهران بسیار استفاده کردم واطلاعات بسیاری کسب نمودم.

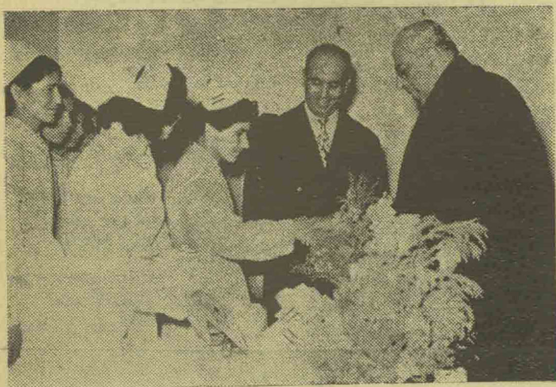
هیئت مشاورین برنامه مبادلـه فرهنگی که دکتر فیتز جرالد ریاست آنرا بعهده دارددرباره امور مربوط به مبادله فرهنگی ، رئیس جمـهوری و وزارت امور خارجه و کنگره آمریکا راراهنمائی میکند .

دکتر فیتز جرالدضمن مراجعت بآمریکا مدتی در بیروت وقاهره‌ورم‌و مادرید توقف خواهد کرد و کنفرانس‌های‌متعددی دردانشگاههای کشورهای نامبرده تشکیل‌خواهدداد .

کلاه‌پرستاری گرفتند

بمناسبت اعطاء کلاه‌پرستاری به ۱۹ نفردانش‌آموزان کلاس‌پرستاری درتبریز روزدوشنبه هفته‌گذشته جشنی دردانشگاه تبریزبر گزار گردید.

دراین‌جشن آقایان دکترامین رئیس دانشگاه و دکتر افتخاری رئیس



آموزشگاه مامائی‌وپزشکیاری ودوشیزه اردلان دانش‌آموز پرستاری‌سخن گفتند ودانش‌آموزان‌سرودپرستاری‌راخواندندو آقای‌استاندار کلاههای‌پرستاری‌رابفردفرد دانش‌آموزان‌دادوآنان‌رابکوشش‌وانجام‌وظیفه‌ای که‌برعهده میگیرند نصیحت کرد.

درگناباد

آقای‌ابوالفضل‌نوری‌بمدیری‌دبستان نوبنیاد قنبرآباد انتخاب گردید

کتابخانه عمومی نیشابور

درنیشابور یک کتابخانه عمومـــی بکوشش‌وابتکار آقای‌فاضلی‌رئیس فرهنگ تاسیس گردیده است علاوه بر اعـانات نقدی و کتبی که‌فرهنگ دوستان‌نیشا بور هدیه کرده‌اند اداره فرهنگ‌آنشهرستان از کلیه دوستداران‌دانش‌وفرهنگ‌تقاضای مساعدت نموده است.

کتابخانه عمومی فعلا در محل دانشسرای مقدماتی قراردارد و در نظر است در صورت امکان بنای آبرومندی برای کتابخانه ساخته شود

پیشاهنگان بروجرد

درتالار دبیرستان پهلوی بروجرد بمناسبت تحلیف اولین دسته‌پیشاهنگان جشنی گرفته شد .

وآقایان اخلاقی (رئیس فرهنگ) علیرضا ستوده [مربی پیشاهنگی) و یاراحمدی مدیرروزنامه قیام‌سخنرانـی کردند.

پیشاهنگان یک‌پرده نمایش‌اجرا کردند وآهنگهائی نواختند که مورد توجه حضار قرارگرفت.

دبستانی درساوه

- آقای ابـراهیـم کشاورزمطلـق ۲۲۰۰مترزمین درساوه خریدوبفرهنگ بخشید تادبستانی درآن بسازند

رئیس دانشکدهٔ علوم اجتماعی امریکا بدانشجویان امریکائی، گفت:

راه زندگی را از نرگس ایرانی یاد بگیرید!

مدت دو هفته در امریکا فقط با چائی زندگی کرد

با ۲۵۰۰ تومان شش سال در نیویورک زندگی کرد

«نرگس ایرانی» این دختر موسیاه چشم درشت وافسرده رنگ که پدربزرگش چندی قبل از ایران بهند رفته ودرآن سامان مسکن کرد چندی پیش از نیویورک بهند بازگشت.

بزرگترین افتخار نرگس اینست که پدرانش ایرانی بوده اند وبهمین نظر هنگامیکه هجده سال ازعمرش میگذشت برخلاف میل مادرهندی خودنام خانوادگی خویش را تغییر داد و(ایرانی) راانتخاب کرد.

سرگذشت این دختر ایرانی در امریکا بسیار عجیب و شنیدنی است است و سرمشق خوبی برای هر دختر یاپسر جوانی که برای تحصیل بکشورهای خارجی میروند میتواند باشد.

نرگس مدت شش سال درآمریکا بسر برد و فکرمیکنید پولی که برای این کار کنار گذارد چقدر بود؟ فقطدو هزارو پانصد تومان!

نرگس بوسیله کشتی ولی بلیط درجه چهار یعنی روی عرشه بامریکا رفت. چند روز بر اثر شدت سرما از عرشه کشتی، به آتش خانه پناهنده شد اگر لطف متصدی کشتی نبود مسلماً ازبین رفته بود زیرا برای پرهیز ازپرداخت اضافه بار سعی کرده بود حداقل لوازم را باخود ببرد.

روزی که ببندر نیویورک وارد شد خودرا در یك دنیای وسیع فعال و پر ازدحامی یافت که نمیدانست چه کند.

اولین اقدامش این بود که بیك موسسه باربری مراجعه کردوباپرداخت مبلغی بسیار جزئی اجازه گرفت توسط یك کامیون بزرگ باری بشهر مونته سوری برود برا اجازه داشت درآن موسسه فرهنگی بتحصیل پردازد.

در این موسسه از همان روزاول ورود مشغول کارشد.

اولین شغلی که یافت شاگرد باغبانی بود بدین معنی که باغبان بعلت کبرسن حاضر شد روزی سه دلار باو بدهد بشرط آنکه نرگس تمام برگ هاراجمع کند. تصادفاً پائیز بودو بادشدید مرتباً برگها را زمین میریخت. نرگس درخاطرات خود مینویسد:

که شب هنگام خواب بعلت شدت درد پا و کمر بخواب نمیرفت با اینهمه از درس فارغ نبود و حتی یك سال هم عقب نماند..

این دختر با پشت کار و فعال در سال ۱۹۵۰ بنیویورك رفت همه میدانند هزینه زندگی در این شهر زیاد است. ولی هوش و ذکاوت زیاد نرگس موجب گردید که مقامات دانشگاه موافقت کردند از بودجه کمك هزینه آن استفاده کند.

قسمت اعظم این کمك هزینه را صرف خرج های گزاف خود مدرسه ومعلم خصوصی میکرد.

درماه دوم چنان دچار بی پولی شد که دوهفته تمام بجای شام وناهار فقط چای نوشیدوروز آخر بعلت گرسنگی وضعف زیادمقداری اززباله های آشپزخانه راکه ظاهراً قابل خوردن بنظرمیرسید خوردوهمین امراورا بیمار کرد.



پزشگان دانشگاه ازضعف فوق العاده او متحیر شدند و رأی دادند که پس ازپایان دوره نقاهت درخود بیمارستان، دانشکده موظف است خرج یك وعده غذای اورا بصورت انواع قرصهای ویتامین بپردازد.

نرگس پس از خروج ازبیمارستان در یك رستوران هندی کار گرفت وبعد ازظهرها در یکی از مؤسسات زیبائی مشغول بودو عصر های شنبه هم که باید تعطیل داشته باشد در یك مغازه دیگر بشغل فروشندگی مشغول شد.

او چنان فعالیت میکرد که روزی رئیس دانشکده علوم اجتماعی در برابر کلیه دانشجویان نطقی ایراد کرد و از آنها خواست با نرگس ایرانی تماس بگیرند.

پشت کار و فعالیت او رادر نظر داشته باشند و ازاویاد بگیرند چگونه می توان کوشش کرد و موفق شد.

نرگس پس ازپایان بتحصیلات بنا بخواهش هیات مدیره دانشکده نطقی ایراد کرد که سر گذشت خودرابیان داشت و چند نفراز دختران همدوره او بی اختیاربگریه در افتادند.

روزی که نرگس از امریکا بسوی هند حرکت میکرد دختر تحصیل کرده ئی بود که شش سال مرارت کشید ولی طرف احترام جامعه بود وبا نیروو علاقه زیاد بزادگاه خود رفت تا بفعالیتهای اجتماعی پردازد.

کلاس برف و مرخصی برف!

کلاسهائی که در دامنه کوههای پربرف تشکیل می شود

ازدو سال پیش وزارت فرهنگ فرانسه ابتکاری در زمینه تعلیم وتربیت کرده و در فصل زمستان چندین دبیرستان را با کلیه دانش وآموزان و دبیران آن بکوهستانهای پر برف منتقل میکند در این مناطق کلیه وسایل تحصیل واستراحت دانش آموزان فراهم گردیده است.

برای این دبیرستانها برنامه های مخصوصی تنظیم گردیده باین ترتیب که دانش آموزان همه روز از صبح تا ظهر سه ساعت درس میخوانند و بعد ازظهر ها بتمرین اسکی و سایرورزش های زمستانی میپردازند. واوائل شب خیلی زود برای استراحت بخوابگاه میروند.

هزینه رفت وآمد دانش آموزان را شهرداری هاووزارت فرهنگ میپردازد ولی سایر هزینه هابر عهده اولیاء آنهاست. رفت و آمد دانش آموزان بی بضاعت مجانی است وهزینهٔ شاگردان اول راهم دولت می پردازد و آن را «جایزهٔ برف» نام نهاده اند.

دبیران این کلاسها اعلام کرده اند که پس از بازگشت از «کلاسهای برف» طرز کار و رفتار دانش آموزان بوضع محسوسی بهبود می یابد.

نتایج رضایت بخش این کلاس ها موجب گردیده که وزارت فرهنگ فرانسه تصمیم بتوسعه آنها گرفته است.

در سال گذشته دولت فرانسه نظیر این برنامه را برای کارگران سه شهر پاریس ولیل و تولوز نیز ترتیب داد و دختران و پسران کارگری که ۱۸ تا ۲۵ سال داشتند برای اولین بار باکمك وزارت فرهنگ فرانسه از این برنامه ها که «مرخصی برف» نامیده شده است استفاده کردند.

دولت فرانسه اعلام نموده که «مرخصی برف» کارگردان و «کلاس برف» دانش آموزان بتدریج درسراسر فرانسه تعمیم خواهم یافت.

از نیروی خورشید

برای آبیاری، یخ سازی، طبخ غذا، تصفیه آب ارتباط تلفنی وتولید برق، استفاده میکنند

اخیراً هفتصد نفر از دانشمندان که نمایندگان سی کشور مختلف بودند در نخستین کنفرانس بین المللی استفادهٔ از نیروی خورشید درآریزونا ازایالات امریکا اجتماع کردند و اعلام نمودند که پیشرفت های مهمی دربارهٔ استفاده از نیروی خورشیدبرای آبیاری وتولید برودت و طبخ اغذیه و تقطیر آب حاصل شده است.

در هندوستان ماشینی ساخته اند که بوسیله نیروی خورشید کار می کند ومی تواندروزانه ۱۶۵۰۰۰ لیتر آب بکشد.

در فرانسه نیز قریباً ساختمان کارخانه ای که با نیروی خورشید کار خواهد کرد پایان خواهد یافت.

قدرت این کارخانه درحدود ۱۰۰۰ کیلووات برق است.

از نیروی خورشید برای بکارانداختن یك شبکهٔ تلفنی هم استفاده شد و کمپانی بل در اتازونی توانسته است توسط یك باطری که از نورآفتاب نیرو میگیرد یك شبکهٔ تلفن محلی رابکاراندازد

نمایندگان کنفرانس استفاده از نیروی خورشیدبسه دسته تقسیم شده اند که با همکاری یکدیگر در بارهٔ مسائل مربوط بحرارت خورشید و استفاده از نور آن برای ایجاد مواد گیاهی و بهره برداری الکتریکی بررسی خواهند کرد.

غوغائی که شلوار یک دختر مدرسه بپا کرد!



دوشیزه شرلی

چند ماه قبل یك دوشیزهٔ امریکائی موسوم به شرلی درحالیکه شلوارپسرانه بپا کرده بود بمدرسه رفت. ناظم مدرسه احضارش کرد و گفت نباید شلوارپسرانه بپوشی وگرنه دستور میدهم در یك اتاق تنها زندانی ات کنند.

شرلی نزد والدین خود رفت که برای ناظم پیغام فرستادند چون چهار سال قبل دخترشان تحت عمل جراحی قرارگرفته و عیبی درپای او پیداشده لذا همینکه هوا سرد شود باید پاهای خود را مرتب گرم نگاه دارد و گرنه کسالتش عود خواهد کرد

اولیاء دبیرستان (چون شرلی شاگرد کلاس اول دبیرستان است) باین حرف اعتناء نکردند و گواهی پزشگ خواستند. والدین شرلی بار دیگر متعذرشدند که هرچه باشد شرلی دختر آنهاست و پدر ومادر حق دارند هرطور که دلشان میخواهد دختر خود را لباس بپوشانند. خانم ناظم هم محکم بپای حرف خود ایستاد. نتیجه آنکه شرلی بلاتکلیف ماند و پدرش بدادگاه کنتوکی شکایت برد.

دادگاه با دقت زیاد باین شکایت رسیدگی کرد علیرغم مقررات و قانون ازطرفین دعوا خواهش کرد باهم بسازند

نتیجه سازش عبارت بودازاینکه بشرلی اجازه داده شد هم شلوار پسرانه بپوشد تا پاهایش گرم بماند وهم پیراهن زنانه مدرسه داشته باشد تا احترام اولیاء دبیرستان محفوظ ماند.

بایددانست که دختران امریکائی اصولا بپوشیدن شلوار مردانه علاقمندند ولی طرز دوخت آن باشلوارهای معمولی متفاوت است و باصطلاح خودشان آنرا «بلوجین» میخوانند.

۱۲۵ میلیون سال پیش!

اجداد «کانگورو» در آمریکا بوجود آمدند

فسیلهائی مربوط بده میلیون سال پیش در گینه جدید پیداشد

اخیراً در فلات مرکزی «گینه جدید» واقع در جنوب اقیانوس کبیر استخوانهای فسیل شده حیواناتی پیداشد که دانشمندان آنها را اجداد «کانگورو» تشخیص دادند. نتیجهٔ آزمایش ها عمر این فسیلها را ده میلیون سال تعیین کرده است.

نظر باینکه قبلا نیز فسیلهائی از اینقبیل در امریکا پیدا شده بود دانشمندان دیرینه شناسی باین نتیجه رسیده اند که نخستین اجداد کانگورو ۱۲۵ میلیون سال پیش درامریکا بوجود آمده، و درحدود ۴۵ میلیون سال قبل بنواحی جنوب اقیانوس کبیر مهاجرت نموده اند.

مطالعات دیرینه شناسان درباره فسیل های کشف شده ادامه دارد و نتایج حاصله اسرار تشکیل پنج قارهٔ کرهٔ زمین را روشن خواهد کرد.

سرو شیراز، دوشیر، حواصل

سه طرح از سه نقاش ایرانی در یك مسابقه

بین‌المللی نقاشی برنده شناخته شد



مفیدی



ختائی



جعفر شجاع

در اسفند ماه سال گذشته کارخانه بزرگ بلورسازی آمریکا بنام استوبن گلاس مسابقه‌ای برای انتخاب بهترین طرحها از هنرهای ملی کشورهای جهان برای نقش بر روی کریستال ترتیب داد.

گروه کثیری از نقاشان جهان و از آن جمله ۶۰ نفر از ایران در این مسابقه شرکت کردند.

آثار سه نفر از هنرمندان ما برنده شناخته شدو آنها را بر روی کریستالهائی کندندو در موزهٔ بزرك «متروپولیتن» نیویورك بیادگار نهادند.

در نشریه مخصوص موزه مزبور شرح حال و سبك کار سه نقاش ایرانی با تفسیری ازطرحهای آنها منتشر شده است.

دوشیر یکی ازاین سه اثر برنده کارپرویزمفیدی بود. طرح «شیرهای روی دو پا ایستاده» ازمفرغهای کوهستان برف پوش لرستان گرفته‌شده. این ناحیه دارای تاریخی دوهزارساله و کانون سازندگان مجسمه‌های مفرغی وصنعتگران بوده‌است.

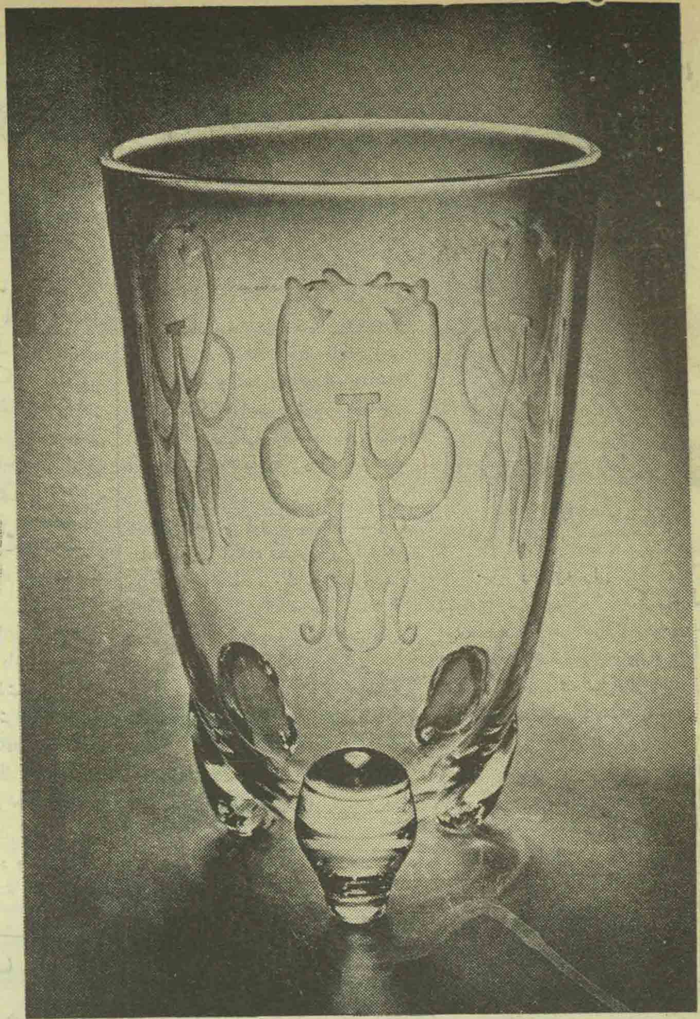
بعضی از دانشمندان معتقدند که ساکنین این منطقه از آذربایجان آمده اند وعده‌ای عقیده دارند که اصل آنها ازبین النهرین است. در هر صورت ساکنین جدید بعد ازآمیزش با بومیانی که پیشهٔ آنها اسب داری وسوار کاری بود طرح اسب نیز بطرح دوشیر اضافه گردید. مجسمه‌های زیادی باین طرح در نواحی مختلف لرستان بدست آمده ومسلم است که رنگ ملی و باستانی ایرانی دارد.

پرویز مفیدی سازندهٔ طرح دوشیر بیست وهشت سال پیش در تهران متولد گردیده و لیسانسیه دانشکدهٔ هنرهای زیباست.

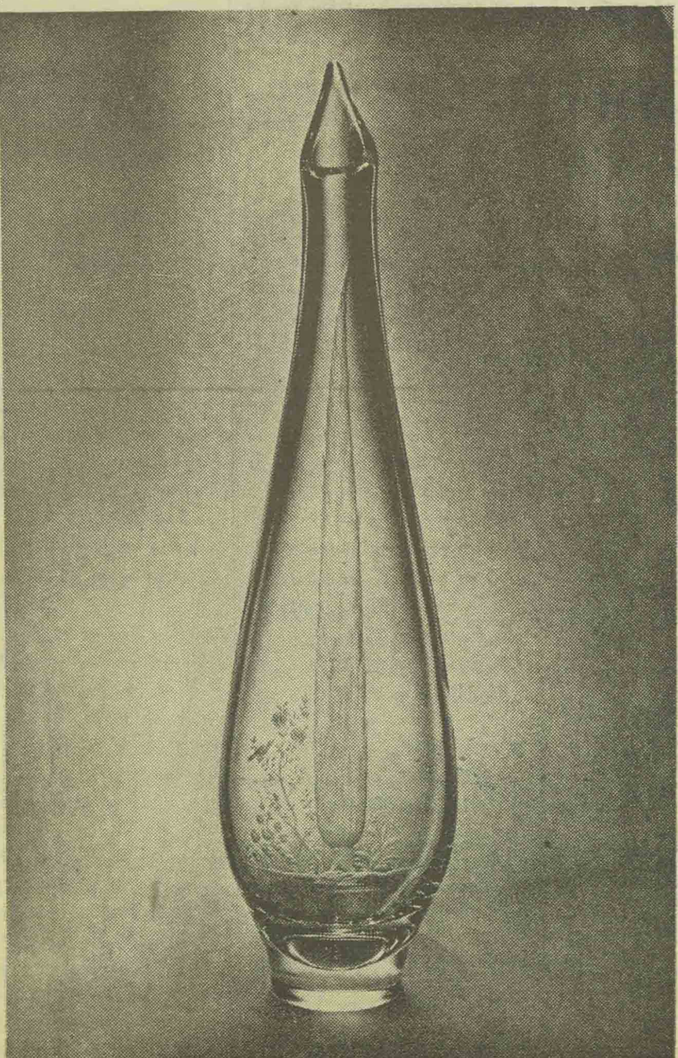
حواصل طرح حسین ختائی بسبك نقاشیهای دورهٔ صفوی است، درآن دوره هنرهای تزئینی در ایران رونقی داشت. بقول نویسندهٔ نشریه موزه نیویورك «درروزگاری که اروپا خود را برای انقلاب صنعتی آماده کرد ایران سرگرم رؤیای فریبنده ای بود که طرح زیبای حواصل نمونه‌ای ازآن است. در آن دوره خاندان اصیل صفوی باسیاست نیرومند و اقتصاد صحیح خود آرامشی درایران برقرار کرده وفرصت کار بهنرمندان بخشیده بود»

حسین خطائی طراح حواصل ۴۸ سال پیش در اصفهان بدنیا آمد واز ۱۷ سالگی دست بقلم برد وسالهاست که در اصلاح مساجد وبناهای قدیمی هنرنمائیها کرده‌است.

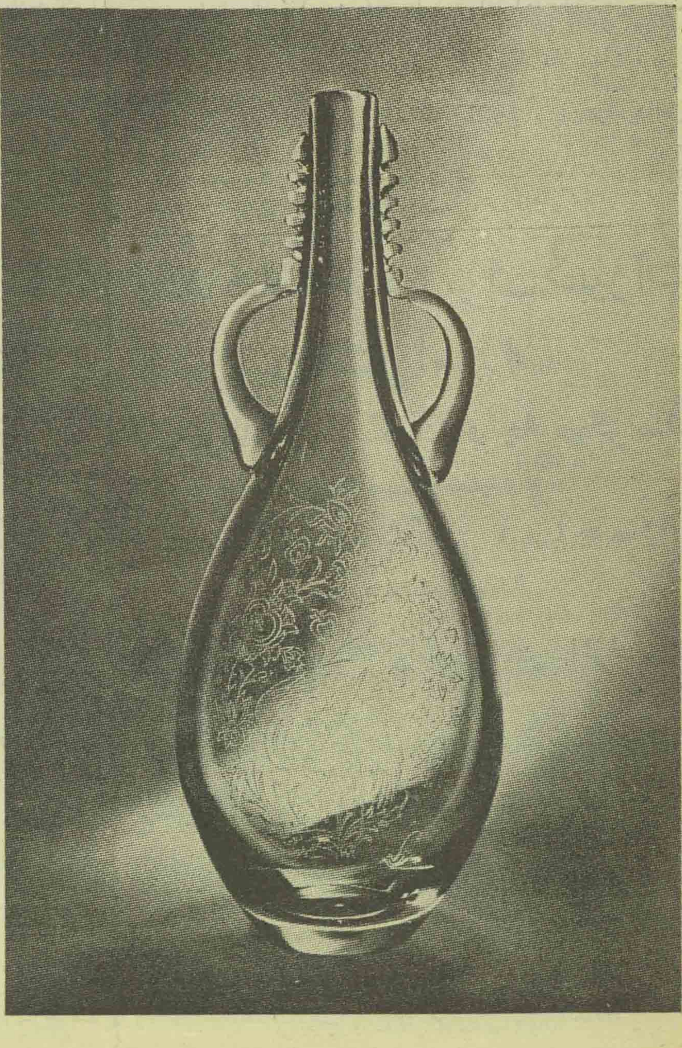
سروشیراز طرح جعفر شجاع است که خوانندگان ما درشماره پیش با هنر اوآشنا شدند این طرح منظره بدیعی ازشیراز رابیاد می‌آورد وتخیلات شاعران ایران راکه قرنها در ادبیات فارسی جلوه داشته مجسم میکندومجموعه آن ازبوته گل سرخ و گلهای دیگرنمونهٔ کاملی ازروحیه ایرانی است.



دوشیر: ازپرویزمفیدی



سروشیراز: از جعفر شجاع



حواصیل ازحسین ختائی